

موزه کتاب؛ پیشنهادی تازه

تیر درشت برای کتاب

کتاب همچون هر کالای فرهنگی دیگری، قبل از هر چیز احتیاج به معرفی و تبلیغات دارد و این نکته با راهکارهای متفاوتی حاصل می شود. یکی از راهبردهای متفاوتی که می توان کتاب را از مسیر آن به جامعه فرهنگی شناساند، معرفی آن در رسانه هاست. کسانی که با حوزه کتاب و از سوی دیگر رسانه آشنا هستند می دانند که معرفی موثر یک کتاب، تا چه اندازه می تواند در موفقیت همگانی آن موثر باشد. این معرفی نیز می تواند در قالب های گوناگون صورت گیرد. ژانرهای مختلف مطبوعاتی، از قبیل گفت و گو، یادداشت و ژانرهای ترکیبی می توانند محمل مناسبی برای معرفی کتاب باشند. از همین روست که رسانه ها می توانند در قالب گفت و گو با مولف، مترجم، ناشر، ویراستار، گرافیست و کارشناسان امر، گام های موثری در معرفی کتاب داشته باشند. در کنار این گزارش، از فرایند تولید، چاپ، نشر و توزیع نیز می توانست برای آگاهی جامعه، دستاوردهای بسیاری داشته باشد. ۸



استاد محمد مهدی فولادوند: یادها و یادگارها

ترجمه قرآن، یادگار جاویدان

استاد محمد مهدی فولادوند - نویسنده، مترجم و قرآن پژوه - سه شنبه گذشته در سن ۸۸ سالگی از دنیا رفت و کوله باری از آثار و ترجمه هایش را به یادگار گذاشت. این "چهره ماندگار" پس از مدت ها بیماری به دلیل سکته مغزی، در منزل خود درگذشت. محمدمهدی فولادوند نوه آیت الله العظمی حاجی آقا محسن اراکی، اول دی ماه سال ۱۲۹۹ هجری شمسی در اراک متولد شد. در سن ۱۲ سالگی به تهران آمد و در سال ۱۳۱۸ از مدرسه دارالفنون تهران موفق به اخذ دیپلم ادبی آن زمان شد و به دانشکده حقوق دانشگاه تهران راه یافت. از آن جا که تمایلات ادبی و عرفانی او هماهنگ با رشته حقوق نبود، در شهریور ۱۳۲۹ عازم فرانسه شد. فولادوند مدت ۱۴ سال در پاریس در دانشگاه سوربن به تحصیل در

رشته ادبیات، هنر، فلسفه و زبان شناسی پرداخت و سپس ضمن انتشار آثار خود، به مسافرت و پژوهش پرداخت و رساله دکتری خود را که درباره عمر خیام بود، به چاپ رسانید. در سال ۱۳۴۴، به عنوان عضو دائمی انجمن نویسندگان فرانسه زبان و عضو وابسته انجمن شاعران فرانسه برگزیده شد. فولادوند آبان سال ۱۳۴۴ به تهران بازگشت و در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی کشور از جمله هنرکده هنرهای دراماتیک و دانشکده هنرهای زیبای تهران و مدرسه عالی ادبیات و زبان های خارجه و علوم تربیتی به تدریس دروس مختلف فلسفه، زیباشناسی، ادبیات فرانسه، تاریخ مذاهب، فرهنگ و تمدن پرداخت. ۳

پای صحبت منوچهر احترامی، طنزنویس درباره «طنزآوران امروز ایران»

لبخند سیصدساله

طنزآوران امروز ایران عنوان کلی مجموعه ای چندجلدی است که هر جلد آن به قلم یک نویسنده و محقق و اختصاص به یکی از چهره های برجسته ادبیات طنز دارد. این مجموعه را حوزه هنری تدارک دیده و جلد اول آن که هفته گذشته به قلم فریبا شادمهر منتشر شده اختصاص به منوچهر احترامی دارد. منوچهر احترامی متولد ۱۳۲۰ تهران، لیسانس حقوق قضایی دارد و کارمند بازنشسته مرکز آمار ایران است. وی سال ها به عنوان طنزنویس با نشریات مختلف همکاری داشت و طی چند سال گذشته اغلب آثارش را در نشریه گل آقا چاپ می کرد و مجموعه ای از بهترین های خود را در کتاب "جامع الحکایات" منتشر کرد. او انتشار بخشی از داستان های کوتاه طنزش را در مجموعه "بچه ها، من هم بازی" برای چاپ تدارک دیده که جلد اول آن به بازار آمد و جلد های دوم و سوم نیز در دست چاپ است. منوچهر احترامی تاکنون بیش از پنجاه عنوان کتاب منتشر شده برای کودکان و نوجوانان دارد.



چاپ مجموعه هایی از این دست در صنعت نشر ایران سابقه دارد. مجموعه ای هم که حوزه هنری تحت عنوان "طنزآوران امروز ایران" تدارک دیده اختصاص به چند تن از طنزپردازان با سابقه دارد که جلد اول آن به قلم خانم فریبا شادمهر اختصاص به من داشت و یک جلد اختصاص به ابوتراب جلی دارد که نوشتن آن را به عهده من گذاشتند و در حال حاضر مشغول این کار هستم. وی در توضیحی کوتاه درباره این مجموعه می گوید: این مجموعه، بر حسب ذوق و سلیقه نویسندگان هر جلد تالیف و تدوین می شود و فصل بندی به صورت آکادمیک ندارد. مثلا خانم شادمهر بر اساس ذوق خودش مطالبی از من را که قدیم الامیام در نشریات مختلف مانند مجله توفیق سال های ۳۷ چاپ شده بود جمع آوری کردند مقداری از مطالب را هم من پیشنهاد دادم که حذف و اضافه شود. در واقع انتخابی از آثارم در طول سال های مختلف بود. نوع نثر کلاسیکی که

من در آثارم به کار می گیرم از ویژگی هایی است که برای تدوین این کتاب بیشتر به آن سمت توجه شده است. من اما سعی کردم آثاری که به سبک و زبان امروز نوشته شده از جمله چند قصه را برای چاپ در این مجموعه پیشنهاد کنم. به هر حال این کتاب بیانگر دوره های مختلفی از کار و آثار من با سبک و سیاق متفاوت است. یک مصاحبه مفصل هم با من به صورت کتبی داشتند که در بخش اول کتاب آمده است. ۱۰

کتابخانه ملی

شنبه ۱۹ مرداد ۱۳۸۷
۷ شعبان ۱۴۲۹، ۹ آگوست ۲۰۰۸
شماره ۱۴۳، پیاپی ۷۹۴
صفحه ۲۰، تومان
ISSN: 1029-3345
صاحب امتیاز: خانه کتاب
سر دبیر: پدram پاک آیین
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۱۰، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: ایرانچاپ
www.ketabehafteh.ir

کتاب های خارجی
کودکان در کتابخانه ملی
همزمان با فرارسیدن روز خبرنگار و اعیاد شعبانیه بخش اخبار و رویدادهای پایگاه اطلاع رسانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی به زبان انگلیسی راه اندازی شد. در این بخش که با توجه به گسترش ارتباطات بین المللی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و بالا رفتن میزان مراجعه به پایگاه اینترنتی این سازمان از خارج از کشور، راه اندازی شده آخرین اخبار و رویدادهای مرتبط با فعالیت های تخصصی این سازمان که برای مخاطبین خارج از کشور نیز موضوعیت داشته باشد، ارائه می شود. بخش اخبار و رویدادهای انگلیسی پایگاه اطلاع رسانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی که با بارگذاری خبر افتتاح نخستین بانک اطلاعات نسخ خطی جهان آغاز به کار کرد... ۸

گفتار
سید یحیی یرثی

چینش و اژگان
ویژگی ترجمه فولادوند

من از دوستان نزدیک مرحوم فولادوند نبودم. بنابراین آنچه می توانم بگویم، محدود و منحصر است به ویژگی های ترجمه ایشان از قرآن کریم. حدود یک سال پیش مطلبی در نشریات و پایگاه های اینترنتی از قول بنده منتشر شد که هنوز هم بر آن نظر پابرجا هستم. هنوز معتقدم از میان ترجمه های علمای حوزه، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی و از میان ترجمه های مترجمان غیرحوزوی، ترجمه مرحوم محمدمهدی فولادوند از قرآن کریم، بهترین ترجمه ها هستند. در واقع مرحوم فولادوند و برادرش دکتر عزت الله فولادوند از نظر ترجمه خدمات بزرگی به این جامعه کرده اند. این را هم از نظر دور نداریم که همواره احتمال خطا، چه در نظر من و چه در ترجمه های این بزرگواران وجود دارد. شخصادر کار ترجمه و تفسیر قرآن که مدتی است بدان مشغولم، آنجا که به موارد پیچیدگی در ترجمه می رسم، حتما به ترجمه آقای فولادوند و آیت الله مکارم مراجعه می کنم. البته هم بنده در چند مقاله و هم آیت الله معرفت در کتاب خوب تفسیر و مفسران خود، به مواردی از اشکالات ترجمه آیت الله مکارم اشاره کرده ایم، اما نباید از نظر دور داشت که این خاصیت بشر است و هر چه هم یک ترجمه خوب باشد خالی از اشکال نخواهد بود. ۳

همچنان که حالا به بهترین مؤلفان و بهترین نویسندگان و بهترین مترجم ها جایزه می دهند، باید بهترین کتابدارها و بهترین کتابخانه دارها را تشویق کنند. بیشترین کتابخانه در کدام شهر است، در کدام محله است، مربوط به کدام قشر از قشرهای مردم است، اینها مورد تشویق قرار بگیرند. یعنی هر آنچه که مربوط به کتاب و کتابخانه و کتابخوانی و کتاب سازی - یعنی تولید کتاب - است، مورد توجه و تشویق و تقدیر قرار بگیرد. من فکر می کنم اگر ما بتوانیم فرهنگ کتابخوانی را در کشور رایج بکنیم و در کنار آن البته تولید کتاب خوب را هم گسترش بدهیم، بخش عمده ای از وظایف فرهنگی دولت جمهوری اسلامی بدین وسیله انجام خواهد گرفت.

بیانات مقام معظم رهبری پس از بازدید از ششمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران ۷۲/۲/۲۱

رحلت عضو شورای

نویسندگان تفسیر نمونه

حجت الاسلام امامی از اعضای فعال جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و عضو شورای نویسندگان تفسیر نمونه سه شنبه گذشته پس از گذراندن یک دوره بیماری به دیدار حق شتافت. حجت الاسلام محمدجعفر امامی، از اعضای فعال جامعه مدرسین حوزه علمیه قم پس از اقامه نماز صبح بر اثر عارضه داخلی که از مدت ها پیش به آن مبتلا شده بود در سن ۶۵ سالگی به دیدار حق شتافت.

حجت الاسلام امامی در دوران تحصیل از محضر آیات عظام گلپایگانی، شیخ مرتضی حائری، میرزاهاشم آملی، جوادی آملی، حسن زاده آملی و بیش از همه از حضرت آیت الله مکارم شیرازی بهره برد.

تدریس فقه، اصول و کلام گوشه ای از فعالیت های آن عالم سختکوش بود. این عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، آثار و تالیفات گوناگونی در زمینه های اعتقادی و کلامی از خود برجای گذاشت و از اعضای شورای نویسندگان تفسیر نمونه، تفسیر موضوعی پیام قرآن، مباحث اخلاقی قرآن، و مباحث نهج البلاغه زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی بود.

پیام تسلیت وزیر ارشاد

در پی درگذشت حجت الاسلام امامی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز درگذشت حجت الاسلام محمدجعفر امامی شیرازی را تسلیت گفت. در پیام محمدحسین صفارهرندی آمده است: ارتحال عالم عامل و وارسته حجت الاسلام والمسلمین امامی شیرازی که در عمر پربارش منشأ خدمات شایسته و گسترده ای در حوزه قرآن کریم بود، موجب تأثر و تألم شد. نقش بسزایی که ایشان در نشر و تعمیق معارف و اخلاق اسلامی بر جای گذاشته، بر کسی پوشیده نیست و وجود شاگردان مسلم ایشان در این عرصه، گواه روشنی بر این مدعاست.

در پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین آمده است: اینجانب ضایعه از دست دادن این محقق، مترجم و اندیشمند ایران اسلامی را به بازماندگان، جامعه قرآنی کشور و حوزه های علمیه تسلیت عرض می کنم و علو درجات و مغفرت الهی را برای ایشان از خداوند منان مسألت دارم.

رئیس جمهور در مراسم پایانی بیست و پنجمین دوره مسابقات بین المللی حفظ و قرائت قرآن کریم:

قرآن و عترت جدایی ناپذیرند



قرآن شریک و برتری قرآن و قاریان قرآن را تجلیل می کنیم، باید ببینیم که خودمان تا چه حد قرآنی هستیم.

در این مراسم همچنین برگزیدگان این دوره از مسابقات به شرح زیر اعلام شدند. در رشته حفظ کل قرآن کریم، عیسی خورشیدی از ایران حائز رتبه اول، احمد ابنان عبدالرزاق از عراق حائز رتبه دوم، احمد العمادی از بحرین حائز رتبه سوم، محمد محمود موسی یونس از لیبی حائز رتبه چهارم و قبرید یونس از اندونزی حائز رتبه پنجم شدند. در رشته قرائت قرآن کریم هم به ترتیب، صالح اطهری فرد از ایران و علی حسن صالح از لبنان، موفق به کسب رتبه های برتر شدند.

در این مسابقات سه مقاله به عنوان مقالات برتر قرآنی انتخاب شدند که به ترتیب شامل مقالات رجب عبد المصطفی عبد الفتاح المتناوی از مصر، کمال صحرايي و نهرام اخوان کاظمی از ایران است.

برنامه های سرای اهل قلم



سرای دائمی اهل قلم این هفته شاهد برگزاری نشست تخصصی خواهد بود.

اولین برنامه این سرا امروز - شنبه - از ساعت ۱۷ با سخنرانی نرگس آبیاری، مونا کر باسچی و علی الله سلیمی آغاز می شود. سخنرانان در این نشست به نقد و بررسی رمان کوه روی شانه های درخت خواهند پرداخت. فردا نیز دکتر خوش کنش و سید محمود میر سلیمی به سخنرانی درباره هنر درمانی خواهند پرداخت.

نقد و بررسی زندگی و اندیشه حکیم ابونصر فارابی دیگر برنامه این هفته سرای اهل قلم است که روز دوشنبه ساعت ۱۷ با سخنرانی دکتر رضا داوری، دکتر محسن کدیور و دکتر نصرالله حکمت آغاز می شود.

روز سه شنبه ۲۲ مرداد نیز جواد جزینی، امیر حسین خورشیدفر و احسان عباسلو به نقد و بررسی رمان «دم را دریاب» خواهند پرداخت. آخرین برنامه سرای اهل قلم در این هفته نیز به نقد و بررسی تئاتر پست مدرن، آفرینش معنا در نمایش اختصاص دارد. در این برنامه که از ساعت ۱۷ آغاز می شود کارشناسانی چون صمد چینی فروشان، همایون علی آبادی و مریم جعفری حصارلو به ایراد سخن خواهند پرداخت.

هماهنگی بین نهادها و سازمان های قرآنی از دیگر درخواست های وی از رئیس جمهور بود. وی همچنین به نبود ستاد هماهنگی مسابقات قرآن اشاره کرد و گفت: این موضوع یکی از ضعف های جدی کشور ما بود که خوشبختانه با راه اندازی ستاد مسابقات قرآن کریم، امیدواریم طی سال های آتی این مسابقات در کشورمان سامان یابد.

وی با بیان این مطلب که در این دوره از مسابقات، حدود ۵۷ کشور شرکت داشتند و نسبت به دوره های قبلی، بیشترین تعداد شرکت کننده را داشته ایم، گفت: کشورهای شرکت کننده از پنج قاره بودند که ۲۳ کشور از کشورهای آسیایی، ۲۲ کشور از کشورهای آفریقایی، ۱۱ کشور از کشورهای اروپایی و یک نفر از آمریکا شرکت داشتند.

آیت الله محمد یزدی، رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز در بخش بعدی برنامه درسخنانی کوتاه خطاب به حاضران گفت: ما که در جلسات

بیست و پنجمین دوره مسابقات بین المللی حفظ و قرائت قرآن کریم سه شنبه گذشته با اعلام اسامی نفرات برتر و قدردانی از آنها به پایان رسید.

در مراسم اختتامیه این مسابقات که در تالار قدس حرم رضوی برگزار شد، رئیس جمهور طی سخنانی قرآن را کتاب هدایت برای متقین و ایمان به غیب را اولین مشخصه متقین دانست و گفت: ایمان به غیب حقیقتی است که همه انبیا به آن وعده داده اند و آن خلیفه الله و انسان کامل است که ایمان به او یعنی ورود به عرصه هدایت.

رئیس جمهور یادآور شد: عترت، تجسم قرآن و عنیت آن است و اگر عترت نباشد قرآن مفهومی ندارد، عترت و قرآن از یکدیگر جدایی ناپذیرند و تا ابد دو روی یک سکه اند.

دکتر احمدی نژاد تصریح کرد: امام یعنی تجلی قرآن و قرآن بدون امام ظلمات در ظلمات است و قرآن معلم، راهنما و هدایتگر می خواهد و امام معلم، هدایتگر، دستگیری کننده و تجلی قرآن است.

وی افزود: ورود به قرآن بدون امام راه به جایی نخواهد برد و محال است کسی بدون توسل به غیب هستی و توسل به اهل بیت (ع) بتواند از قرآن بهره کافی ببرد.

رئیس جمهور در پایان تأکید کرد: قرآن طریق هدایت همه و مخاطبش عام است و برای هدایت همه بشریت آمده است.

حجت الاسلام مصلحی، نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه نیز در این مراسم گفت: دنیای امروز با هجوم های سنگینی علیه فعالیت ها و ارزش های قرآنی رو به روست و از رئیس جمهوری می خواهم اقدامی صورت گیرد که جامعه بین المللی قرآن کریم تشکیل شود تا بتوانیم با این هجوم ها به مقابله بپردازیم.

راه اندازی فرهنگستان قرآن و انجمن خادمان قرآن به منظور جمع خادمان قرآن و راه اندازی شورای توسعه و فرهنگ قرآنی، به منظور ایجاد

قدردانی سید حسین نصر از کتاب هفته

سید حسین نصر، استاد علوم اسلامی دانشگاه جرج واشنگتن طی نامه ای از اقدامات نشریه کتاب هفته در حوزه اطلاع رسانی کتاب تجلیل کرد. وی در این نامه، ضمن بیان اهمیت اطلاع رسانی فرهنگ مکتوب، کتاب هفته را نشریه ای بسیار مفید خواند. در نامه سید حسین نصر آمده است: نشریه بسیار مفید کتاب هفته، نهایت امتنان حاصل است. امید دارم در ادامه این مهم موفق باشید. سید حسین نصر که از همکاران هانری کربن در تهیه کتاب تاریخ فلسفه اسلامی بوده است، آثاری چون 'جوان مسلمان و دنیای متجدد'، 'معرفت و امر قدسی'، 'اسلام و تنگناهای انسان متجدد'، 'سنت عقلانی اسلامی در ایران'، 'معرفیت و معنویت' و 'اسلام سنتی در دنیای متجدد' را در کارنامه خود دارد.



از سوی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی اهدا شد

۳۰ هزار جلد کتاب به سراسر کشور

اشاعه و گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی و دسترسی اقشار مختلف جامعه به تازه های کتاب صورت می گیرد.

جعفری با اشاره به این که این کتاب هاجز و سهمیه عادی به حساب می آیند، خاطر نشان کرد: این اقدام هر سال توسط این معاونت انجام می شود و ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی در سراسر کشور بر اساس صلاح دید خود، کتاب را میان مراکز مختلف استان خود توزیع خواهند کرد که کتابخانه های عمومی و مساجد از آن جمله اند.

وی با بیان این که به هر استان یک هزار جلد کتاب اهدا شده است، ادامه داد: شرط اهدای کتاب به این ادارات این است که کتاب های مرحله پیشین را در میان مراکز مورد نظرشان توزیع کرده باشند.

با هدف اشاعه فرهنگ کتابخوانی سی هزار جلد کتاب، از سوی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به نمایندگان ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی سراسر کشور اهدا شد.

مسئول روابط عمومی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این باره گفت: این معاونت با در نظر گرفتن سه سهمیه اهدای کتاب برای نمایندگان ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی استان های سراسر کشور، سی هزار کتاب در مرحله بهار و تابستان، اهدا کرد، در ضمن قرار است در مرحله پاییز و زمستان هم کتاب هایی اهدا شود.

وی با یادآوری این که اهدای کتاب برحسب تقاضای استان در حوزه مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی صورت می گیرد، افزود: این اقدام با هدف

ترجمه قرآن، یادگار جاویدان

استاد محمد مهدی فولادوند - نویسنده، مترجم و قرآن پژوه - سه شنبه گذشته در سن ۸۸ سالگی از دنیا رفت و کوله باری از آثار و ترجمه هایش را به یادگار گذاشت.

این "چهره ماندگار" پس از مدت ها بیماری به دلیل سکتة مغزی، در منزل خود درگذشت.

محمد مهدی فولادوند نوه آیت الله العظمی حاجی آقا محسن اراکی، اول دی ماه سال ۱۳۹۹ هجری شمسی در اراک متولد شد.

در سن ۱۲ سالگی به تهران آمد و در سال ۱۳۱۸ از مدرسه دارالفنون تهران موفق به اخذ دیپلم ادبی آن زمان شد و به دانشکده حقوق دانشگاه تهران راه یافت. از آن جا که تمایلات ادبی و عرفانی او هماهنگ با رشته حقوق نبود، در شهریور ۱۳۲۹ عازم فرانسه شد.

فولادوند مدت ۱۴ سال در پاریس در دانشگاه سوربن به تحصیل در رشته ادبیات، هنر، فلسفه و زبان شناسی پرداخت و سپس ضمن انتشار آثار خود، به مسافرت و پژوهش پرداخت و رساله دکتری خود را که درباره عمر خیام بود، به چاپ رسانید. در سال ۱۳۴۴، به عنوان عضو دائمی انجمن نویسندگان فرانسه زبان و عضو وابسته انجمن شاعران فرانسه برگزیده شد. فولادوند آبان سال ۱۳۴۴ به تهران بازگشت و در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی کشور از جمله هنرکده هنرهای دراماتیک و دانشکده هنرهای زیبای تهران و مدرسه عالی ادبیات و زبان های خارجه و علوم تربیتی به تدریس دروس مختلف فلسفه، زیباشناسی، ادبیات فرانسه، تاریخ مذاهب، فرهنگ و تمدن پرداخت.

وی همچنین یکی از اعضای انجمن فلسفی ایران و علوم انسانی (وابسته به یونسکو) بود و در سال ۱۳۲۴، یک انجمن فلسفی را در تهران تشکیل داد.

دیوان شعرهای فارسی فولادوند به ۲۰ هزار بیت و به زبان فرانسه به ۷۰۰ صفحه می رسد و در زبان فارسی، "مهتاب" تخلص می کرد.

برخی از ترجمه های فولادوند عبارت اند از: ترجمه قرآن کریم و تهج البلاغه به زبان فارسی، ترجمه دعای کمیل به فرانسه، اقتصاد صدر و زبانی از گمراهی تألیف غزالی. از تألیفات او هم به "خیام شناسی"، قرآن شناسی و نخستین درس از زیباشناسی می توان اشاره کرد.

پیام تسلیت وزیر ارشاد

در پی درگذشت استاد فولادوند وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی پیام تسلیتی صادر کرد. در پیام محمدحسین صفار هرندی آمده است:

خرید کتابخانه حسین ابراهیمی (الوند) از سوی کتابخانه ملی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، کتابخانه شخصی مرحوم حسین ابراهیمی (الوند) را خریداری کرده و قصد دارد از کتاب های آن در بخش تخصصی کتاب های ترجمه کودک و نوجوان بهره مند شود.

این سازمان باهدف جمع آوری کتاب های خارجی ادبیات کودک و نوجوان و نیز راه اندازی بخش تخصصی کتاب های خارجی کودک و نوجوان در این کتابخانه، این اقدام را انجام داده است. کتابخانه حسین ابراهیمی حدود پانصد جلد کتاب خارجی کودک و نوجوان داشته است. ابراهیمی (الوند) از جمله مترجمان تخصصی ادبیات کودک و نوجوان و نیز بنیان گذار خانه ترجمه چندی پیش به دلیل بیماری درگذشت.



"درگذشت مترجم گرانقدر و دانشمند بزرگ، استاد محمد مهدی فولادوند، که با ترجمه ارزشمند و پر بار قرآن کریم، نام و یاد خود را در دل احاد ملت مسلمان و سپهر ایران اسلامی جاودانه ساخت، تألمی دوباره را برای جامعه فرزندانگ و فرهیختگان در پی داشت."

او در ادامه افزوده است: "مرحوم فولادوند که اندیشه اش قرآنی بود و تلاشش در راستای زنده نگه داشتن و جاودانه ساختن کلام الله، با همت و تلاش بی دریغش، رسالت بزرگی را بر دوش کشید، تا در سایه آن، جهانیان از گنجینه بی نهایت کلام آسمانی بهره مند شوند. او در این عرصه سترگ خوش درخشید و توشه پر بار از این دنیای خاک و فانی اندوخت. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پایان نوشته است: "اینجانب درگذشت این اندیشمند فرزانه را به اصحاب فرهنگ و هنر، فرهیختگان و فرزندانگ، به ویژه بازماندگان، تسلیت عرض کرده و از خداوند متعال برای آن مرحوم، مغفرت الهی و علو درجات خواهانم."

ترجمه درخشان

در پی درگذشت استاد فولادوند اهالی فرهنگ کشور از تألیفات این محقق برجسته به نیکی یاد کردند. محمدعلی ایازی، قرآن پژوه، در این زمینه گفت: "ترجمه قرآن کریم فولادوند را می توان در دوره معاصر یک نقطه عطف تاریخی در ترجمه به زبان معیار برشمرد، که تأثیرات بسیاری هم بر ترجمه های بعد از خود گذاشت." این قرآن پژوه، درباره اهمیت آثار حوزه قرآن پژوهی مرحوم محمد مهدی فولادوند افزود: "فولادوند یکی از مترجمان قدیمی و با سابقه در حوزه زبان فرانسه و عربی است. در حوزه علوم

قرآنی هم دارای آثاری به صورت ترجمه و پژوهش است که شاید مشهورترین آنها ترجمه قرآن باشد که از آن می توان به عنوان بهترین ترجمه های معاصر یاد کرد. این ترجمه با تکیه بر زبان معیار معاصر انجام شده است. وی ادامه داد: فولادوند افزون بر این، ترجمه "التصویر الفنی للقرآن الکریم" اثر "سید قدس" را با عنوان "آفرینش های هنری قرآن کریم" ارائه داد که آن هم به نوبه خود از بهترین ترجمه هاست.

ایازی خاطر نشان کرد: "او توانست تجربه ای را که اروپایی ها از ترجمه به دست آورده بودند در ترجمه قرآن اجرا کند و این یک برجستگی غیر قابل چشم پوشی برای فولادوند است. او با علم و فن ترجمه نیز آشنا بود و توانست به بهترین شیوه ممکن مطالعات اروپائیان در حوزه ترجمه را به استخدام زبان فارسی برای ترجمه قرآن در آورد."

یکی از شاگردان فولادوند نیز درباره شخصیت علمی این قرآن پژوه برجسته گفت: "تفسیرهای فولادوند از قرآن کریم جاودانه و ماندگار است."

این مترجم قرآن به زبان فارسی و انگلیسی تصریح کرد: "از حدود ۱۰ سال پیش که با ۱۸ ساعت کار، فعالیت ترجمه قرآن را شروع کردم، به من کمک و یاری رساند و آن قسمت هایی را که برابرم قابل فهم نبود، موشکافی می کرد. همچنین وقتی می خواستم با دید بهتری، کار ترجمه قرآن کریم را دنبال کنم، کتاب هایی را برایم تهیه می کرد و در اختیارم می گذاشت. استاد همواره به من می گفت که این راه خیلی دشوار است؛ اما این کار کاری اخروی است."

نمایشگاه تخصصی کتاب و صنعت چاپ؛ پنجم شهریور

نخستین نمایشگاه کتاب و مجلات تخصصی و پایان نامه های مرتبط با صنعت چاپ از پنجم تا هشتم شهریور ماه در تالار وحدت برگزار می شود. این نمایشگاه در قالب برنامه های هشتمین جشنواره صنعت چاپ برگزار خواهد شد.

تهمینه سلیمی عضو انجمن علمی دانشکده چاپ و دبیر اجرایی این نمایشگاه با اعلام این خبر افزود: این نمایشگاه با هدف شناخت ضعف های علمی کشور در حوزه صنعت چاپ برگزار می شود. وی توضیح داد: متأسفانه در مباحث آموزشی و پژوهشی صنعت چاپ با کمبود منابع مکتوب روبه رو هستیم، به همین دلیل تلاش می کنیم تمام کتاب های این حوزه اعم از تألیف، ترجمه و گردآوری را در نمایشگاه در معرض نمایش و فروش بگذاریم. سلیمی تعداد این کتاب ها را ۴۰ عنوان اعلام کرد و گفت: این تعداد کم، نشانه کم توجهی به این رشته جدید در بین متخصصان و صاحب نظران است. به گفته سلیمی، ۴۰ عنوان کتاب فارسی نیز گردآوری شده که به طور مستقیم با صنعت چاپ مرتبط نیست و تنها مباحث کلی نظیر کاغذ یا مرکب را در بر می گیرد. وی ادامه داد: همچنین در بخش کتاب های خارجی این نمایشگاه ۷۰ عنوان کتاب انگلیسی از ناشران خارجی جمع آوری و به نمایش گذاشته می شود. دبیر اجرایی این نمایشگاه از به نمایش گذاشتن ۷۰ پایان نامه دانشجویی در حوزه صنعت چاپ را یکی از برنامه های جنبی نمایشگاه عنوان کرد و گفت: متأسفانه بسیاری از این پایان نامه ها از عناوین زیبا و به ظاهر پر بار بر بخور دارند؛ اما به دلیل نبود منابع کافی مطالعاتی ضعف های زیادی در آن ها دیده می شود.

گفتار

سید یحیی یشربی



چینش واژگان و ویژگی ترجمه فولادوند



من از دوستان نزدیک مرحوم فولادوند نبودم. بنابراین آنچه می توانم بگویم، محدود و منحصر است به ویژگی های ترجمه ایشان از قرآن کریم. حدود یک سال

پیش مطلبی در نشریات و پایگاه های اینترنتی از قول بنده منتشر شد که هنوز هم بر آن نظر پابرجا هستم. هنوز معتقدم از میان ترجمه های علمای حوزه، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی و از میان ترجمه های مترجمان غیر حوزوی، ترجمه مرحوم محمد مهدی فولادوند از قرآن کریم، بهترین ترجمه ها هستند. در واقع مرحوم فولادوند و برادرشان دکتر عزت الله فولادوند از نظر ترجمه خدمات بزرگی به این جامعه کرده اند. این راه هم از نظر دور نداریم که همواره احتمال خطا، چه در نظر من و چه در ترجمه های این بزرگواران وجود دارد.

شخصاً در کار ترجمه و تفسیر قرآن که مدتی است بدان مشغولم، آنجا که به موارد پیچیدگی در ترجمه می رسم، حتماً به ترجمه آقای فولادوند و آیت الله مکارم مراجعه می کنم. البته هم بنده در چند مقاله و هم آیت الله معرفت در کتاب خوب تفسیر و مفسران خود، به مواردی از اشکالات ترجمه آیت الله مکارم اشاره کرده ایم، اما نباید از نظر دور داشت که این خاصیت بشر است و هر چه هم یک ترجمه خوب باشد خالی از اشکال نخواهد بود. اما در این جا باید دو نکته را اضافه کنم. نخست این که خوبی و برتری این دو ترجمه از یک جنبه نیست. قدرت و صلابت ترجمه آیت الله مکارم از حوزوی بودن ایشان مشتق شده، بدین معنا که دست ایشان در باز کردن پراترها و توضیحات اضافی باز بوده و در حالی که دیگران در ترجمه قرآن حتی از اضافه کردن یک لغت اضافی می هراسند، ولی ایشان در این حوزه بسیار جسور وارد شده است و آنجا که به درستی ترجمه خود یقین داشته، حتماً آن را بی کم و کاست درج کرده است.

از سوی دیگر، قوت ترجمه مرحوم فولادوند به چینش کلمات ایشان مربوط است. این ویژگی همان ویژگی بارز غزلیات حافظ نیز هست. می دانیم که در دیوان حافظ، گاه برخی بیت ها از مضمونی چندان متعالی برخوردار نیستند و این، چینش واژگانی حافظ است که آن بیت ها را نظر گیر می کند. برای مثال بیت: /سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند.../ از مضمون بالایی برخوردار نیست، ولی چینش واژگانی آن، بیت را چشمگیر ساخته. از سوی دیگر در همین غزل، ابیاتی هست با ایهام هایی بسیار هوشمندانه، که موجب شده یک بیت از مجموع جهات لفظ و معنی، بسیار متعالی باشد؛ نظیر بیت: /شب گله ای ز طره اش کردم و از سر فسوس /گفت که این سیاه کج گوش به من نمی کند/ در آن زمان غلامانی سیاه بودند که دستشان کج بود. وقتی دیگران به ارباب آن غلام گلاهی می کردند، می گفت این سیاه به حرف من هم گوش نمی کند. ولی در این سخن آن اربابان، ایهامی بود. چه، اگر می خواستند، می توانستند جلوی غلامان خود را بگیرند. حافظ تمامی اینها را در یک چینش واژگانی بی نقص کنار هم جای داده است. ویژگی ترجمه قرآن مرحوم فولادوند هم در همین چینش واژگانی است.

تازه‌ترین شماره گزارش جمهور



سی و هفتمین شماره گزارش جمهور ضمیمه فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلامی از سوی مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری منتشر شد.

در سخن نخست این شماره که به وزارت امور اقتصادی و دارایی در دولت نهم؛ رویکردها و دستاوردها اختصاص دارد آمده است: حوزه‌های کارکردی و میدان مسئولیت وزارت امور اقتصادی و دارایی ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با دغدغه‌های اصلی ریاست محترم جمهوری و دولت نهم در بخش‌های تأثیرگذاری همچون بانک، بیمه، خصوصی سازی، سرمایه‌گذاری و گمرک دارد. برآیند عملکرد و برنامه‌های تحول‌گرای دولت در این حوزه‌ها نیز آثار مستقیم و ملموسی بر بهبود زندگی مردم و رشد و تعالی میهن اسلامی مان در شاخص‌های مختلف اقتصادی دارد. در این شماره از گزارش جمهور علاوه بر ذکر راهبردهای اعلامی ریاست محترم جمهوری در این باره، با معاضدت برخی واحدهای وزارت امور اقتصادی و دارایی و معاونت پژوهشی این مرکز، سعی شده است به اقدامات و دستاوردهای این وزارتخانه در زمینه‌های سیاست‌های مالی، سیاست‌های پولی و ارزی (سرمایه‌گذاری خارجی)، بانکی، بیمه‌ای، تجاری، گمرکی، بازار سرمایه و سیاست‌ها و فعالیت‌های مالیاتی این حوزه در دولت نهم پرداخته شود که اهم آن تقدیم مخاطبان گرامی می‌شود. شایان ذکر است مطالب این شماره گزارش جمهور از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی و معاونت پژوهشی مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری تهیه و تدوین شده است.

کتاب‌های خارجی کودکان در کتابخانه ملی

خارجی کودک و نوجوان، در دو هفته آینده خبر داد و این امر را سبب گسترش منابع خارجی در دسترس نویسندگان داخلی دانست.

مصطفی رحماندوست با اشاره به اینکه برخی از کتاب این بخش خریداری شده‌اند، گفت: این طرح با کتاب‌های خارجی موجود آغاز و به مرور زمان مجهز تر خواهد شد.

رحماندوست با بیان اینکه سال گذشته خرید کتاب‌های خارجی کودک و نوجوان متوقف شده بود، افزود: هم‌اکنون خرید کتاب مطرح ادبیات کودک و نوجوان با سرعت بیشتری پیش می‌رود.

این نویسنده کودک و نوجوان همچنین با اشاره به آغاز جمع‌آوری تمامی کتاب‌های نویسندگان ایرانی حوزه کودک و نوجوان از سراسر جهان اظهار داشت: در این بخش نیز پیشرفت‌های مطلوبی صورت گرفته است و پیش‌بینی می‌شود بخش جداگانه‌ای نیز برای این کتاب‌های ایجاد شود.

به گزارش این‌نا به گفته رحماندوست بخش کودک و نوجوان کتابخانه ملی با ایجاد برخی جذابیت‌ها به دنبال الگوسازی برای سایر کتابخانه‌هاست.



راه‌اندازی بخش کتاب‌های خارجی کودک و نوجوان

در عین حال مسئول بخش کودک و نوجوان کتابخانه ملی نیز از راه‌اندازی بخش کتاب‌های

هم‌زمان با فرارسیدن روز خبرنگار و اعیاد شعبانیه بخش اخبار و رویدادهای پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی به زبان انگلیسی راه‌اندازی شد.

در این بخش که با توجه به گسترش ارتباطات بین‌المللی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و بالا رفتن میزان مراجعه به پایگاه اینترنتی این سازمان از خارج از کشور، راه‌اندازی شده آخرین اخبار و رویدادهای مرتبط با فعالیت‌های تخصصی این سازمان که برای مخاطبین خارج از کشور نیز موضوعیت داشته باشد، ارائه می‌شود.

بخش اخبار و رویدادهای انگلیسی پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی که با بارگذاری خبر افتتاح نخستین بانک اطلاعات نسخ خطی جهان آغاز به کار کرد، از طریق آدرس اینترنتی <http://www.nlai.ir/en/NewsEvents> قابل مشاهده است. محتوای موجود بر روی پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی به غیر از زبان فارسی به ۵ زبان، انگلیسی، عربی، ایتالیایی، فرانسوی و روسی نیز فعال است.

کتاب ماه کلیات منتشر شد

صد و بیست و پنجمین شماره کتاب ماه کلیات، نشریه تخصصی اطلاعات، ارتباطات و دانش‌شناسی منتشر شد.

در سخن نخست این شماره که به قلم مهدی علیپور حافظی با عنوان کتاب‌های تخصصی، کثرت انتشار نوشته شده است آمده: «بنا به گفته مارک تواین نوشتن در واقع مرتب کردن واژه‌ها در ردیف‌هایی بر روی کاغذ است و چون واژه‌ها در فرهنگ لغت موجودند، پس هر کس می‌تواند بنویسد. نوشتن مقوله‌ای فردی است و زمانی که آن را منتشر می‌کنیم، گامی برای اجتماعی کردن این فعالیت ذاتاً شخصی برداشته‌ایم. نوشتن در حوزه‌های عمومی



بر فرهنگ جامعه و سایر حوزه‌ها در جوامع بشری بسیار تأثیرگذار است و تغییر و تحول جوامع و حکومت‌ها در طول تاریخ بشری شاهدهی بر این مدعا است. زمانی که این نوشته‌ها رنگ تخصصی به خود می‌گیرند، موجب تحول در حوزه‌های موضوعی خود می‌شوند و پایه تولیدات علمی بعد از خود قرار می‌گیرند.

از دیگر مطالب این شماره کتاب ماه کلیات که به سردبیری داریوش مطلبی منتشر می‌شود می‌توان به «فهرست‌نویسی و انتشار نسخ خطی و تأثیر آن در تحقیق و پژوهش»، «آرشیو ملی ایران»، «مروری بر کتاب‌سنجی: تعاریف و کاربردها» و «بررسی وضعیت وب‌سایت‌های کودکان و نوجوانان» اشاره کرد. کتاب ماه کلیات به مدیر مسئولی علی اکبر اشعری منتشر می‌شود.

فراخوان

دومین دوره جایزه گام اول

به همت خانه کتاب برگزار می‌شود

این جایزه با هدف کشف استعداد و تشویق هزینه بیشتر پدیدآورندگان است که برای نخستین بار کتاب منتشر کرده‌اند.

موضوع‌های مورد ارزیابی هیت داوران عبارتند از:

الف: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای کودکان و نوجوانان

ب: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای بزرگسالان

از تمامی نویسندگان و شاعرانی که اولین اثر خود را از اول سال ۱۳۸۶ در زمینه‌های یاد شده به چاپ رسانده‌اند، دعوت می‌شود سه نسخه از اثر منتشر شده را تا پایان مرداد ۱۳۸۷ به نشانی دبیرخانه گام اول ارسال نمایند.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین صبا و فلسطین جنوبی، ساختمان شماره ۱۱۷۸، طبقه اول

دورنگار: ۶۶۴۱۵۳۶۰
تلفن: ۶۶۴۶۰۵۱۹

فراخوان

پنجمین جشنواره نقد کتاب

همزمان با شانزدهمین دوره هفته کتاب

مؤسسه خانه کتاب به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی نقد کتاب، پنجمین جشنواره نقد کتاب را همزمان با شانزدهمین دوره هفته کتاب در سال جاری برگزار می‌کند. لذا از تمامی منتقدان و مدیران مسئول مطبوعات و نشریات تخصصی کتاب و ناشرانی که اثری با موضوع «نقد کتاب» در سال ۱۳۸۶ منتشر کرده‌اند دعوت می‌کند آثار خود را حداکثر تا پایان مرداد ماه ۱۳۸۷ به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۱۰، سرای اهل قلم، طبقه پنجم

تلفن: ۶۶۴۱۵۲۵۵
تلفکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸

www.naghdeketab.ir

نقد کارشناسان بر «زبان فارسی معیار»

انتشار کتاب ماه دین



صد و بیست و ششمین شماره کتاب ماه دین، ماهنامه تخصصی اطلاع رسانی و نقد و بررسی، منتشر شد. این نشریه که از سوی خانه کتاب منتشر می شود در تازه ترین شماره خود با

تغییرات ظاهری و محتوایی به نسبت گذشته همراه بوده است.

نگاهی به التذکره باصول الفقه، اسلام سنتی در دنیای متجدد، المعتمد فی اصول الدین، درآمدی بر عهد جدید و... از مهم ترین سرفصل های مطالب این شماره کتاب ماه دین است که روی جلد این نشریه قرار گرفته اند.

همچنین علی اوجبی سردبیر تازه این نشریه در بخشی از یادداشت خود در سرآغاز این شماره درباره چشم اندازهای تحول در این نشریه آورده است: اینک تحولی که در این نشریه آغاز گردیده، اهدافی چند را نشانده گرفته و بدان سوره می سپارد:

- ۱- حضور جدی در صحنه بررسی و نقد آثار دینی
 - ۲- توجه بیشتر به حوزه های جدید دین پژوهی
 - ۳- آسیب شناسی و نیازسنجی بازار نشر دینی
 - ۴- گسترش دایره اطلاع رسانی و نقد در همه حوزه های دین در معنای عام و گسترده اش
 - ۵- انتخاب و گزارش تازه ها و آثار مهم دین پژوهی در زبان های عربی، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی.
- کتاب ماه دین، هستی، مایه و اعتبار خود را و امادر عزیزانی بوده است که در برهه های مختلف، زمام مجله را در دست گرفتند و با آن زیستند. به سهم خود مساعی دوستان را ارج می نهیم و امید می بریم از لطف و یاری شان در مسیر پویایی و بالندگی این نشریه بهره مند باشیم. قابل ذکر است کتاب ماه دین به مدیر مسئولی علی شجاعی صائین منتشر می شود.



وی عنوان کتاب را نامتناسب خواند و افزود: گویی زبان فارسی معیار خودش یک زبان است در حالی که به نظرم منظور از این عنوان، گونه معیار زبان فارسی است. با این وجود فصل های کتاب بسیار خوب تقسیم بندی شده و مباحث در جای خود طرح شده اند. همچنین مولف می توانست زبان شعر را جزو زبان معیار محسوب و تفاوت های آن را به شکلی گسترده تر هم مطرح کند چون به نظر من با وجود گرایش های زیاد و شدید برای نثرنویسی که به ویژه بعد از نیما شدت گرفت، زبان همدلی مردم ما همچنان زبان شعر است. شادرومنش در عین حال زبان پیراسته، روشن بینی نویسنده و توانایی اش در استنتاج، داوری های بی طرفانه علمی و درک دقیق موضوع مورد بحث را از امتیازات کتاب زبان فارسی معیار و نویسنده آن دانست.

رسمی و معیار را خلط کرده و مشخص نیست درباره کدام یک حرف می زند؛ کلمه معیار را به جای زبان معیار به کار می برد در حالی که ممکن است معیار با ملاک اشتباه شود. نکته دیگر اینکه من واقعا نمی دانم فساد زبان - که نویسنده از آن سخن گفته - یعنی چه؟ یعنی گنبدگی؟ یعنی فساد اخلاقی زبان؟ یعنی چه؟ زبان فارسی در هیچ دوره ای دچار فساد نمی شود. هر دوره ویژگی هایی دارد. زبان هم ساختار و دستور زبانی دارد و مقداری هم واژگان. برخورد زبان ها را هم می شود به صورت علمی بررسی کرد بدون اینکه بحث فساد زبانی در میان باشد.

در ادامه این نشست محمدرضا شادرومنش - استاد زبان و ادب فارسی - نیز گفت: ما امروز در موقعیتی هستیم که باید از فارسی ها حرف بزنیم نه از فارسی همان طور که در زبان انگلیسی از انگلیسی ها صحبت می شود. باید پذیرفت که زبان فارسی معیار افغانستان و تاجیکستان و چند کشور دیگر غیر از زبان فارسی معیار ایران است. حتی فارسی هایی که خیلی با آنها به طور مستقیم سر و کار نداریم با زبان فارسی ما متفاوت است از جمله زبان فارسی هزارگی، زبان فارسی آیماق در افغانستان و زبان فارسی بخاریک در ازبکستان و آسیای میانه.

نشست نقد و بررسی کتاب «زبان فارسی معیار» نوشته ناصر قلی سارلی هفته گذشته با حضور نویسنده کتاب، علی اشرف صادقی و محمدرضا شادرومنش برگزار شد.

در ابتدای این نشست ناصر قلی سارلی نویسنده کتاب «زبان فارسی معیار» انگیزه اش برای تحقیق در این باره را مطالعه مقاله ای به همین نام از علی اشرف صادقی ذکر کرد و گفت: بر همین اساس بود که تصمیم گرفتم روند شکل گیری زبان فارسی معیار، ملاک ها و چگونگی تغییر آن را بررسی کنم. در نهایت به این نتیجه رسیدم که در دوره پیش از مشروطه معیار سازی زبان فارسی حالتی طبیعی و خودانگیخته داشته اما بعد از آن، این ارزش نمادین زبان است که بیشتر شناخته شده است.

وی نبود منابع کافی را یکی از مشکلات این پژوهش ذکر کرد و افزود: به همین دلیل است که دو فصل آخر کتاب شکل کامل تری به خودش نگرفته و با توجه به اینکه این کتاب اولین کار جدی من - اگر بتوان آن را جدی تلقی کرد - بوده است، حتماً نقایصی دارد اما معتقدم اگر کتاب بتواند جهات مختلف را به سمت زبان فارسی جذب و باب بحث هایی جدی را در این زمینه باز کند بنده به هدف خود رسیده ام.

در ادامه علی اشرف صادقی عضو هیئت فرهنگستان زبان و ادب فارسی به نقد و بررسی کتاب پرداخت و با اشاره به عنوان آن گفت: وقتی وارد کتاب می شویم می بینیم که تنها ۸۴ صفحه از آن درباره زبان فارسی است و ۲۶۲ صفحه دیگر به بحث هایی تئوریک و فنی درباره معیار سازی زبان فارسی می پردازد. ما وقتی رساله های فوق لیسانس و دکتری را بررسی می کنیم، همیشه این نکته را تاکید می کنیم که مقدمات بحث نباید طولانی تر از اصل بحث باشد و باید یک پنجم کل کتاب باشد در حالی که در این کتاب این مورد بر عکس شده است.

وی با انتقاد از عدم ذکر مثال هایی در بخش مربوط به زبان فارسی کتاب سارلی، افزود: تمام بحث های این بخش مطالب نظری است در حالی که باید نمونه هایی برای آن ذکر می شد و برای هیچ کدام از مطالبی هم که گفته شده سندی ارائه نشده است. نویسنده زبان فارسی

نقد و بررسی

زندگی و اندیشه حکیم ابونصر فارابی

دکتر رضا داوری
دکتر محسن کدیور
دکتر نصر الله حکمت

زمان: ۸۷/۵/۲۱ ساعت ۱۷-۱۹
مکان: خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی
کوچه خواجه نصیر، شماره ۱۰

WWW.ParsTranslator.net

مترجم پارس

لزم الفرائد ترجمه متن انگلیسی به جمله های فارسی

انشارات نرم افزار، مینا
تلفن: ۸۸۷۲۲۲۲۲ - ۰۲۱ ۸۸۷۲۲۲۲۲
تلفکس: ۸۸۷۱۲۰۴۶

خانه کتاب منتشر کرد

خلاصه مقالات

همایش مولود

خیابان انقلاب بین فلسطین و صبای جنوبی
شماره ۱۱۷۸

عبد الحمیدی و
رمان

نشر پژواک کیوان
منتشر کرد

از آذر آیتی

آدرس: خیابان انقلاب، نرسیده به میدان فردوسی، کوی پارس
کوی جهانگیری، شماره ۱۵ (مجتمع پاس) واحد ۱۰ غربی
تلفن: ۰۲۰-۶۶۷۴۹۸۲۹ تلفکس: ۶۶۷۳۸۶۳۸

تفسیر اشعار سروش اصفهانی



در مراسم رونمایی از بانک اطلاعات نسخ خطی عنوان شد

شناسنامه ایرانی برای کتاب های خطی جهان



مراسم رونمایی از بانک اطلاعات نسخ خطی پس از ۹ سال تلاش پیگیر، چهاردهم مرداد همزمان با صدمین سالگرد نگارش الذریعه در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برگزار شد.

در این مراسم که با حضور جمعی از مسوولان فرهنگی و پیشکسوتان فهرست نویسی نسخ خطی برگزار شد، در ابتدا علی اکبر اشعری مشاور رئیس جمهوری و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، با اشاره به سهم بزرگ اسلام و ایران در تمدن جهانی گفت: اهمیت آثار ارزشمندی که از حکمای ایرانی به جای مانده است بر کسی پوشیده نیست و یکی از کارهای ارزشمندی که بر عهده ماست، شناسایی و معرفی این آثار برای استفاده پژوهشگران است.

وی افزود: این کار به ویژه از این رو ضروری می نماید که امروز در جهان شاهد نوعی سانسور علمی هستیم و در کتاب های اخیر تاریخ علم، شاهد ظلم های فاحشی به حوزه تمدنی شرق بوده ایم و معرفی آنچه در این سرزمین در حوزه علم، حکمت و فرهنگ رخ داده است، علاوه بر کمک به نشر علم و دانش در سراسر جهان، گواهی بر سهم و نقش این منطقه در تمدن جهانی است.

وی درباره بانک اطلاعات نسخ خطی تصریح کرد: از چند سال پیش با اطلاع از زحمات دوستان مختلف در حوزه گردآوری فهرست نسخ خطی، تلاش کردیم که بانک اطلاعات نسخ خطی در یک پایگاه ملی در معرض استفاده عموم پژوهشگران قرار بگیرد. در این میان به دلیل امتیاز کاری که آقای ناصر گلپاز با ۹ سال تلاش در گردآوری فهرست های نسخ خطی انجام داده بودند، با همکاری و همدلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به خصوص خانه کتاب، قرار بر این شد که این مجموعه در بانک اطلاعاتی مشترکی در معرض استفاده قرار گیرد؛ البته با این تبصره که ادامه کار نیز با مشارکت ما انجام پذیرد.

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی گفت: بخش انجام شده این کار، عمدتاً درباره ایران است و باید طوری ادامه پیدا کند که پس از آن بانک اطلاعاتی نسخ خطی جهان را داشته باشیم.

وی افزود: گارهایی نظیر تاسیس بانک اطلاعاتی نسخ خطی، زمان طولانی ای را می طلبد که جز با اراده و اعتقاد به کار امکان پذیر نیست. آقای گلپاز و تیم همکارشان به رغم تمام فراز و نشیب ها کار را تا اینجا ادامه دادند و امیدواریم همه همت ها به کار گرفته شود تا فاز دوم کار با سرعت بیشتری به سرانجام برسد.

اشعری گفت: کار جمعی در رشد و بالندگی آینده کشورمان موثر است اما یکی از خصلت های ما این است که کمتر کارهای مشترک انجام می دهیم و هر کدام تلاش می کنیم وظایف خود را به بهترین نحو انجام دهیم و فکر می کنیم با توسعه دامنه فعالیت ها سازمان موفق تری هستیم. در حالی که اگر نگاه ملی داشته باشیم، جمع فعالیت ها و هم افزایی امکانات فایده زیادی برای کشور دارد. بنابراین به همه مراکز پژوهشی، دانشگاه ها و نهادهای فرهنگی می گویم که اگر هر کدام خود را قطعه ای از پازل فرهنگی کشور تلقی و سعی کنیم در کنار هم باشیم، به زیبایی این پازل می افزاییم.

وی در پایان ابراز امیدواری کرد که همکاری خانه کتاب و سازمان اسناد در زمینه بانک اطلاعاتی نسخ خطی، به الگویی برای همکاری بین دیگر

فرهنگ های قوی و ریشه داری ندارند. بنابراین برای ما جای تأسف است که فرهنگمان در عرصه جهانی فراموش شود.

وی درباره اهمیت بانک اطلاعات نسخ خطی گفت: نسخه های خطی فرهنگ ما بانک عظیمی می شود که جمع آوری آن به سادگی انجام پذیر نیست، اما بر همه فرض است که نهایت تلاش خود را برای عرضه این فرهنگ عظیم در عرصه جهانی داشته باشند تا جهانیان به آن دسترسی پیدا کنند.

وی ابراز امیدواری کرد که در آینده قادر باشیم متن کلیه نسخ خطی را در اینترنت قرار دهیم و افزود: هر چند این کار بسیار عظیم است ولی هر چه زودتر باید آن را شروع کنیم تا به نتیجه برسد و بهره مناسبی از فناوری جهانی ببریم که این قابلیت را در جهان ایجاد کرده است.

نادری ابراز امیدواری کرد که با همت نسل جدید که کار در حوزه فهرست نویسی را آغاز کرده است، این کار بزرگ به نتیجه برسد و ایرانیان در ارتقای فرهنگی که به آن اعتقاد دارند، سهم خود را ایفا کنند.

فهرست نگاران ایرانی

برجسته ترین فهرست نگاران جهان

ناصر گلپاز مدیر طرح بانک اطلاعات نسخ خطی نیز که واپسین سخنران این مراسم بود، به انجام رسیدن این طرح را مدیون تلاش های استادان فهرست نویسی دانست و گفت: فهرست نگاران ایرانی به حق برجسته ترین فهرست نگاران جهان هستند. این نکته را از روی تعارف یا اغراق نمی گویم و امری است که از مطالعه سطر به سطر فهرست ها و مقایسه آن با سایر فهرست نویسی های زبان های دیگر به آن رسیده ام.

وی اطلاعات این مجموعه را قریب به ۲۸۰ هزار رکورد اطلاعاتی ذکر کرد و افزود: ایده اولیه این کار در موسسه نشر حدیث اهل بیت (ع) شکل گرفت و من و همکارانم بعد از تعطیلی آن مرکز، کار را ادامه دادیم. اتمام مرحله اول این طرح مصادف با صدمین

از طرف مردم قزاقستان به ایرانیان تبریک گفت و افزود: بدون گذشته هیچ آینده ای وجود ندارد. پس باید درباره آن به طور احسن تحقیق کنیم که تاسیس بانک اطلاعات نسخ خطی گامی در همین جهت است.

میراث ایران اسلامی در شبکه جهانی

اکبر ایرانی قومی رئیس مرکز پژوهشی میراث مکتوب نیز که یکی دیگر از سخنرانان این مراسم بود، رونمایی این بانک اطلاعاتی را بزرگداشت نام پژوهشگرانی نظیر آقابزرگ تهرانی و سید عبدالعزیز طباطبایی از پیشگامان فهرست نویسی نسخ خطی دانست و گفت: من امروز را که بانک اطلاعاتی نسخ خطی، بر بام شبکه اینترنت قرار گرفته است، روز تجلی ایران اسلامی می دانم. امروز نهال پربار این بانک اطلاعاتی به ثمر رسیده است و ما خوشه چین آن هستیم.

وی افزود: با اطلاع رسانی دقیق می توان نسل امروز را با کارنامه درخشان نیاکان ایران آشنا کرد. کسانی که در زمینه نسخ خطی فعالیت می کنند، از رهگذار این بانک می توانند به نسخه های قدیمی تر دست پیدا کنند و نقصان های بسیاری از کارهای مصححان پیشین به دلیل عدم دسترسی به فهرست های دیگر حل خواهد شد.

ایرانی افزود: هنوز بیش از ۲۵۰ هزار نسخه خطی فهرست نویسی نشده در ایران وجود دارد که باید به این بانک افزوده شود.

معرفی فرهنگ ریشه دار ایران

عبدالرضا نادری، مدیر عامل سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که نخستین مرحله اجرای طرح بانک اطلاعاتی نسخ خطی با حمایت نهاد متبوعه او انجام پذیرفته بود، با اشاره به ریشه دار بودن فرهنگ ایرانی اسلامی گفت: متأسفانه در عصر حاضر به علت استفاده دارندگان فرهنگ غربی از روش های مبتنی بر فناوری، دچار عقب ماندگی شده ایم. این مساله در سایر کشورهای فاقد فناوری نیز رخ می دهد اما همه آن کشورها

نهادهای فرهنگی تبدیل شود.

گام بعدی؛

گردآوری فهرست کتاب های خطی جهان

در این مراسم علی شجاعی صائین مدیر عامل موسسه خانه کتاب ضمن ابراز خرسندی از رونمایی بانک اطلاعاتی نسخ خطی گفت: اگر امروز این حجم از اطلاعات درباره دانش و فرهنگ پیشینیان در سطح جهانی در اختیار علاقه مندان اسلام و ایران قرار گرفته است، نتیجه تلاش دوست ارزشمند ما آقای ناصر گلپاز و همه مدیران فرهنگی است که ایشان را یاری داده اند. امیدواریم در گام های بعدی، همه فهرست های نسخ خطی موجود در کتابخانه های جهان در اختیار علاقه مندان قرار گیرد و شاهد روزی باشیم که اطلاعات همه کتاب های فهرست نشده، در این بانک در معرض استفاده عموم قرار گیرد.

وی ابراز امیدواری کرد که فهرست کتاب های چاپ سنگی هم تدارک دیده شود و در کنار سایت اصلی خانه کتاب، به توسعه فرهنگ مکتوب کشور کمک کند.

آینده در گرو میراث گذشته

یوریک اوتمایف سفیر کشور قزاقستان در ایران که به عنوان نماینده کشورهای عضو اکو در مراسم رونمایی بانک اطلاعات نسخ خطی حضور داشت، دیگر سخنران این مراسم بود. وی با اشاره به تفاهم نامه قزاقستان با کتابخانه ملی ایران گفت: سال گذشته در چارچوب سفر رئیس جمهوری قزاقستان به ایران، مذاکراتی با کتابخانه ملی انجام شد و طی آن، تفاهمنامه ای برای همکاری های آرشیبوی و کتابخانه ای به امضا رسید که افتتاح بانک اطلاعاتی نسخ خطی گام موثری در همین راه است. چون منطقه تحت پوشش اکو، از نظر منابع تاریخی و نسخ خطی بسیار غنی است و باید حتما مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد و این بانک می تواند کمک موثری در این راه باشد.

وی همچنین افتتاح بانک اطلاعات نسخ خطی را

موزه کتاب؛ پیشنهادی تازه

فهرست نویسی نسخ خطی بود نیز در این باره می‌گوید: «در تاسیس موزه کتاب، همه نهادهای مربوطه باید همکاری کنند اما فکر می‌کنم در میان همه آنها، سازمان میراث فرهنگی، خانه کتاب و کتابخانه ملی - که در حال حاضر هم موزه‌هایی را برای کتاب‌هایشان راه‌اندازی کرده‌اند یا نمایشگاه‌هایی دارند - با هماهنگی و همکاری هم می‌توانند موزه کتاب را راه‌اندازی کنند. بنابراین تمرکز موزه کتاب در یکی از این نهادها، راه‌حل مناسبی به نظر می‌رسد.»

وی درباره شیوه اداره این موزه می‌گوید: «قاعدتا اگر هیأت امنایی متشکل از خانه کتاب، کتابخانه ملی و سازمان میراث فرهنگی تشکیل شود مناسب‌تر است. چون در این صورت هر یک از این نهادها - یا نهادهای مربوطه احتمالی دیگر - کار را متعلق به خود تلقی می‌کنند و در عمل شاهد مشارکت جدی تری از سوی آنها خواهیم بود. بنابراین به اعتقاد من این شیوه، مناسب‌ترین شیوه اداره چنین موزه‌ای است.»

ویژگی‌های موزه کتاب

در صورت اقدام نهادهای ذیربط به تاسیس موزه تخصصی کتاب، این بحث نیز مطرح می‌شود که آیا تنها به نمایش گذاشتن کتاب در این موزه‌ها کفایت می‌کند؟

در این میان، محمود سالاری معتقد است که علاوه بر نمایش دادن کتاب‌های نفیس در این موزه، بهتر است از امکانات سمعی و بصری برای معرفی اثر و اهمیت آن در تاریخ کتابت هم استفاده شود. او می‌گوید: «در این صورت، علاوه بر اینکه موزه از حالت سنتی صرف خارج می‌شود، برای مخاطب نیز جذابیت خاصی ایجاد می‌کند. ضمن اینکه موزه از تعداد زیاد راهنمایان بی‌نیاز می‌شود.»

فقط کتاب‌های قدیمی؟

اگر چه اهمیت تاریخی، از مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب‌هایی است که باید در موزه کتاب به نمایش گذاشته شوند، اما امروز نیز کتاب‌هایی منتشر می‌شوند که به لحاظ شکل ظاهری و چه به لحاظ اهمیت محتوایی، قابلیت نمایش در موزه کتاب را دارند.

سالاری می‌گوید: «به نظر من نمایش کتاب‌های مهم امروز نیز می‌تواند بخشی از موزه کتاب را به خود اختصاص دهد. در این بخش می‌توان از توضیحات دیداری - شنیداری که پیش از این به آن اشاره کردم، برای نشان دادن اهمیت این کتاب‌ها استفاده کرد. بنابراین ضرورتی ندارد که فقط کتاب‌های خطی و چاپ سنگی در این موزه نمایش داده شوند.»

گلشن نیز می‌گوید: «وقتی نام موزه را بر مکانی اطلاق می‌کنیم، طبیعتا باید کتاب‌های مهم روز را هم در بر بگیرد. اما به دلیل تعداد زیاد کتاب‌های خوب امروزی، جمع آمدن همه آنها در یک محل جای تردید دارد چون مکان گسترده‌تر و امکانات بالاتری را می‌طلبد. بنابراین باید در ابتدا تعریف‌های نرم‌افزاری صورت بگیرد تا در هنگام تاسیس، درباره انتخاب این آثار با مشکلی مواجه نشویم.»

دکتر عظیمی اما می‌گوید: «ما در کتابخانه ملی تعریفی برای نفایس داریم و در این تعریف به بخشی از کتاب‌های چاپی جدید هم کتاب نفیس می‌گوییم. فکر می‌کنم این تعریف تقریبا استاندارد است و ما می‌توانیم در صورت اقدام به تاسیس موزه کتاب، آن را به دوستان عرضه کنیم تا ان شاء الله کتاب‌های جدید با این تعریف رویکرد در موزه کتاب به نمایش گذاشته شوند.»

کافی است یا باید موزه متمرکزی برای کتاب تشکیل شود؟

سالاری می‌گوید: «مادر اداره مخطوطات آستان قدس رضوی کتاب‌های نفیس را به نمایش گذاشته‌ایم اما نمایش کتاب در کتابخانه کافی نیست. چون مخاطب موزه با مخاطب کتابخانه و بخش اسناد و نسخ خطی آن متفاوت است. مخاطب کتابخانه برای استفاده از محتوا به کتابخانه مراجعه می‌کند اما مخاطبان موزه برای تفریح یا پژوهش درباره اشیا موزه‌ای به موزه می‌روند.»

او ادامه می‌دهد: «در اداره مخطوطات آستان قدس رضوی به دلیل آسیب پذیر بودن کتاب‌های قدیمی، اسکن آنها را که بسیار شبیه به اصل است در معرض نمایش گذاشته‌ایم که البته موزه‌ای بودن را نقض می‌کند. اگر موزه متمرکزی وجود داشته باشد که امنیت کتاب‌ها را تامین کند، باید خود آنها را به نمایش بگذاریم. هر چند به دلیل قیمت بالای کتاب‌های قدیمی متعلق به هر نهاد، احتمال اینکه در یک جابه‌جایی صورت دائمی به نمایش گذاشته شوند کم است مگر اینکه قرار باشد به صورت مقطعی و امنی در موزه کتاب نمایش داده شوند که با رعایت احتیاط‌های لازم، امکان پذیر به نظر می‌رسد.»

گلشن نیز معتقد است که در ابتدا باید تعریفی از موزه و کتابخانه ارائه دهیم. او می‌گوید: «به نظر من جایگاه این دو با هم تفاوت دارد. در کتابخانه انواع کتاب‌های خطی، چاپ سنگی و چاپی وجود دارد و نمایش دادن آنها هم اهمیتی ندارد اما درباره موزه کتاب قضیه فرق می‌کند.»

او ادامه می‌دهد: «اول باید ببینیم چه هدف و چه انتظاراتی از موزه داریم. بنابراین گمان می‌کنم در ابتدا لازم باشد مبانی نظری تاسیس موزه کتاب کاملا مشخص شود و بعد به سراغ تاسیس آن برویم.»

به اعتقاد گلشن همه نهادهای مربوطه البته با توجه به تبصره برنامه پنج‌ساله چهارم، می‌توانند موزه کتاب احداث کنند. او می‌گوید: «دو مرجع خاص کتابخانه‌ای یعنی آستان قدس رضوی و کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی می‌توانند موزه کتاب تاسیس کنند. ضمن اینکه دو نهاد دولتی در امر کتاب، یعنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان اسناد و کتابخانه ملی نیز صلاحیت تاسیس چنین موزه‌هایی را دارند. بنابراین متمرکز بودن موزه کتاب در نهادی خاص، شرط اساسی محسوب نمی‌شود.»

دکتر عظیمی که هفته گذشته در حاشیه برگزاری مراسم رونمایی «بانک اطلاعاتی نسخه خطی» در کتابخانه ملی، یکی از استادان کارگاه تخصصی

ماندانا قاسم خانی: تذهیب‌ها، حاشیه‌های طلایی و لاجوردی، عدد آیه‌ها که با قلم نازک در زمینه دایره اناری رنگ نوشته شده و آن همه رنگ بر زمینه کرم کاغذ خودنمایی می‌کند؛ کاغذی که مثل کاغذهای ماشینی این روزها نیست و برای ساختن هر ورقش مدت زیادی زمان صرف شده است، یاد تمام مصنفان، مذهب‌ها، وراقان، صحافان، جلدگران و خوشنویسان تاریخ را زنده می‌کند.

پراکندگی نسخ خطی و کتاب‌های چاپ سنگی در نهادهای متفاوت، امکان گردآوری تمام آنها را در مکانی خاص، تقریبا غیر ممکن کرده است. کتاب هفته در جست و جوی راهی برای جلب نظر نهادهای متولی برای ساخت موزه ویژه کتاب، با برخی صاحب‌نظران این حوزه به گفت و گو نشستیم. است که حاصل آن را در این گزارش می‌خوانید.

در حالی که نهادهایی مانند آستان قدس رضوی، کتابخانه ملی و سازمان میراث فرهنگی به صورت مقطعی یا دائمی کتاب‌های ارزشمند خود را در معرض دید عموم قرار داده‌اند، نبود موزه‌ای مختص کتاب که در آن خبری از دیگر اشیا موزه‌ای نباشد، یا اشیا آن با کتاب پیوستگی محمود سالاری معاون هماهنگی سازمان

کتابخانه‌های آستان قدس رضوی و رئیس کتابخانه مرکزی این آستان مقدس، می‌گوید: «شاید نتوانیم به کتاب مثل سایر اشیا موزه‌ای نگاه کنیم. چون برخلاف دیگر اشیا، ارزش آن بیش از آنکه ظاهری باشد، محتوایی است. البته نسخ خطی ارزش فیزیکی و ظاهری هم دارند اما بار محتوایی آنهاست که میزان اهمیت آنها را تعیین می‌کند.»

او اضافه می‌کند: «ما در موزه قرآن آستان قدس رضوی بخشی را به نمایش آثار نفیس کهن اختصاص داده‌ایم اما اینکه موزه‌ای ویژه کتاب راه‌اندازی شود، می‌تواند تاثیر بسزایی در آشنایی مخاطبان با کتاب‌های موزه‌ای داشته باشد.»

جلیل گلشن مدیر کل حفاظت از آثار منقول تاریخی در معاونت میراث سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نیز در این زمینه به کتاب هفته می‌گوید: «در هر موضوعی اگر به صورت جامع برنامه ریزی شود، خوب است. در برنامه پنج‌ساله چهارم آمده است که دستگاه‌های اجرایی می‌توانند موزه‌های تخصصی و پژوهشی داشته باشند و راه‌اندازی موزه تخصصی کتاب هم از این قاعده مستثنی نیست.»

اما او تبصره‌ای را نیز یادآوری می‌کند: «البته سیاستگذاری راه‌اندازی هر موزه‌ای در کشور باید زیر نظر معاونت فرهنگ و ارتباطات سازمان میراث فرهنگی انجام شود. در عین حال با توجه به سابقه دیرینه کتابت و فنون پیوسته به آن در ایران، وجود موزه‌ای مختص کتاب، یک نیاز بسیار جدی است.»

دکتر حبیب الله عظیمی معاون فرهنگی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نیز درباره ضرورت وجود موزه‌ای مختص کتاب می‌گوید: «به دلیل پراکندگی کتاب‌های ارزشمند در نهادهای مختلف، محقق یا مخاطب علاقه‌مندی که در ایران یا خارج کشور به سر می‌برد، ممکن است امکان دسترسی به همه آنها را نداشته باشد چون زمان و هزینه زیادی را می‌طلبد. بنابراین لازم است موزه کتاب به صورت متمرکز برگزار شود.»

پراکنده یا متمرکز؟

با توجه به ضرورت ایجاد موزه کتاب و همچنین این مساله که هر یک از نهادهای ذیربط کتاب‌های ارزشمند مختص خود را دارند، این پرسش مطرح می‌شود که نمایش این کتاب‌ها در خود آن نهاد

سال تالیف آذرریعه توسط آقا بزرگ تهرانی شده است که این تقارن را به فال نیک می‌گیرم.

گلباز افزود: «مرحوم آقا بزرگ تهرانی می‌گفتند ما عالم نیستیم و خادم العلما هستیم. ایشان این حرف را از روی تواضع می‌زدند اما درباره ما کاملا صدق می‌کند. ما خادم العلما هستیم و قدمی برداشته‌ایم تا وقت پژوهشگران در لابه لای آثار خطی به هدر نرود، منابع اولیه تحقیق به سادگی در اختیارشان باشد و بیشتر به فکر تولید علم باشند.»

وی درباره مراحل انجام این طرح گفت: «مرحله اول این طرح در سال ۷۸ با یاری سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آغاز شد. مرحله دوم طرح در سال ۸۲ با همکاری مرکز پژوهشی میراث، کتابخانه‌های قم و حمایت مالی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شد. مرحله سوم نیز که مربوط به کتابخانه‌های سایر شهرستان‌ها بود، از سال ۸۵ با حمایت موسسه خانه کتاب و یاری کتابخانه ملی ایران انجام پذیرفت و در اسفند ۸۶ به پایان رسید.»

گلباز همچنین از تهیه بانک فهرست‌های نسخ خطی شبه قاره خیر داد و افزود: «بعد از به اتمام رسیدن بانک نسخ خطی ایران، در نظر داریم فهرست نسخ خطی شبه قاره، آسیای میانه، جهان عرب، آمریکای شمالی و اروپا را نیز در این بانک گردآوری کنیم و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهیم.»

وی افزود: «داشتن صرف نسخه‌ها به صورت اشیاء موزه‌ای، بدون شناسایی و در دسترس قرار دادن آنها، افتخار نیست. افتخار این است که تک تک آنها را بررسی و کارشناسی کنیم تا در دسترس پژوهشگران قرار گیرد.»

گلباز در تشریح اهداف این طرح گفت: «در برنامه کوتاه مدت تصمیم داشتیم و داریم که اطلاعات فهرست‌ها را قابل جستجو و قابل دسترسی کنیم که این مرحله ۹ سال به طول انجامیده است. من این ۹ سال را به ۹ ماهی تشبیه می‌کنم که برای تولد یک فرزند لازم است.»

وی درباره برنامه میان مدت این طرح گفت: «بازنگری اطلاعات موجود در فهرست‌های نسخ خطی و طبقه‌بندی و مقایسه آنها با نسخه‌های خطی در موارد خاص از اهداف مرحله میان مدت این طرح است.»

وی قابلیت‌های این بانک را نیز قابلیت جستجو در مشخصه‌های کتابشناسی و نسخه‌شناسی به صورت ترکیبی و مجزا، قابلیت مقایسه هر یک از موارد کتابشناسی و گرفتن فهرست مستقل از آنها، قابلیت چیدمان اختصاصی هر یک از مشخصات کتابشناسی و نسخه‌شناسی و قابلیت ارائه تصاویر نسخ خطی ذکر کرد و گفت: «برنامه بلندمدت این طرح قرار دادن این اطلاعات پس از بررسی و بازیابی مجدد، در یک فهرست مشترک جهانی است که به ترتیب موضوع، نام مولف، آثار مولف و نشانی نسخه‌های خطی و امکان ایجاد ارتباط برای دسترسی به نسخ خطی را در بر بگیرد.»

گلباز در پایان از تمامی کسانی که راه‌دراز و دشوار فهرست نویسی را در ایران آغاز کرده و ادامه داده‌اند و از کلیه کسانی که در به ثمر رسیدن این بانک اطلاعاتی تلاش کرده بودند، قدردانی کرد.

رونمایی از این بانک اطلاعاتی به نشانی www.aghabozorg.ir با حضور رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی، مدیر عامل خانه کتاب، مدیر کتابخانه آقابزرگ تهرانی در نجف، استاد احمد منزوی فرزند آقابزرگ تهرانی و از فهرست نویسان بزرگ کشور و سفیر قزاقستان در ایران انجام شد و این سایت برای نخستین بار بارگذاری شد.

مدیر عامل خانه کتاب نیز در این مراسم با اهدای لوح تقدیر از ناصر گلباز قدردانی به عمل آورد.

مراسم رونمایی از بانک اطلاعاتی نسخ خطی با ضیافت ناهار در لابی سالن همایش‌های یوسف شریعت زاده کتابخانه ملی به پایان رسید.

در حاشیه مراسم رونمایی از بانک اطلاعاتی نسخ خطی، کارگاه تخصصی فهرست نویسی نسخه‌های خطی نیز برگزار شد و تا روز ۱۵ مردادماه ادامه یافت.



اولویت اخبار کتاب و کتابخوانی در گفت و گو با دبیران گروه‌های فرهنگی روزنامه‌ها

تیر درشت برای کتاب



کتاب همچون هر کالای فرهنگی دیگری، قبل از هر چیز احتیاج به معرفی و تبلیغات دارد و این نکته بارها کارهای متفاوتی حاصل می‌شود. یکی از راهبردهای متفاوتی که می‌توان کتاب را از مسیر آن به جامعه فرهنگی شناساند، معرفی آن در رسانه‌هاست. کسانی که با حوزه کتاب و از سوی دیگر رسانه آشنا هستند می‌دانند که معرفی موثر یک کتاب، تا چه اندازه می‌تواند در موفقیت همگانی آن موثر باشد. این معرفی نیز می‌تواند در قالب‌های گوناگون صورت گیرد. ژانرهای مختلف مطبوعاتی، از قبیل گفت و گو، یادداشت و ژانرهای ترکیبی می‌توانند محمل مناسبی برای معرفی کتاب باشند. از همین روست که رسانه‌ها می‌توانند در قالب گفت و گو با مولف، مترجم، ناشر، ویراستار، گرافیست و کارشناسان امر، گام‌های موثری در معرفی کتاب داشته باشند. در کنار این گزارش، از فرایند تولید، چاپ، نشر و توزیع نیز می‌تواند برای آگاهی جامعه، دستاوردهای بسیاری داشته باشد. در کنار این دو عرصه، معرفی کتاب در قالب یادداشت، نقد، معرفی موضوعی و مقاله نیز می‌تواند بسیار مفید باشد. توجه به راهکارهای نامبرده سبب شده تا مطبوعات و رسانه‌های گروهی فرهنگی در سال‌های اخیر، گام‌های مثبتی را در جهت ترویج کتابخوانی در عرصه اجتماعی بردارند. هرچند که به گفته صاحبان امر، هنوز جایگاه واقعی خبر کتاب و معرفی آن، آنچنان که شایسته این کالای فرهنگی ناب و مادر است انجام نشده است. بسیاری از کارشناسان فرهنگی بر این باورند که هرچند با اختصاص دادن صفحات ویژه به کتاب در خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها گام بسیار بزرگی در جهت معرفی کتاب و ترویج آن برداشته شده اما این مهم به اندازه و شأن جامعه فرهنگی ایران نیست. در ادامه این گزارش آرای دبیران گروه فرهنگی را در این مورد جویا شده‌ایم.

ابراهیم زاهدی مطلق، دبیر گروه فرهنگی روزنامه جام جم، به اهمیت رسانه متبوع خود به کتاب اشاره می‌کند. او از صفحات ویژه روزنامه جام جم با محوریت کتاب می‌گوید که در این صفحات اخبار کتاب در حوزه‌های تالیف و توزیع ذکر می‌شود. به گفته این دبیر گروه فرهنگی، گسترش جریان کتابخوانی، یکی از بزرگ‌ترین اهداف روزنامه جام جم در عرصه فرهنگ بوده و این روزنامه در تلاش است با معرفی کتاب گام موثری در جهت ترویج آن در جامعه داشته باشد. وی به کتاب به مثابه یکی از بزرگ‌ترین ارکان جامعه اشاره می‌کند و می‌گوید: «هرآنچه که ما در عرصه علوم و فنون داریم، در کتاب متجلی می‌شود. شمامی توانید شاخصه‌های علوم ریاضی و پزشکی، دین، فلسفه، ادبیات و هنر را در کتاب بجویید. از این روست که کتاب به عنوان یکی از ارکان فرهنگی جامعه مطرح می‌شود.» به گفته زاهدی مطلق هرآنچه را که مربوط به کتاب است، از جمله گفت و گوها، گزارش‌ها و یادداشت‌های کتاب محور، در صفحات ویژه کتاب به چاپ می‌رسد. او در این مورد می‌گوید: «ما در صفحات

کتاب، همه مسائل کتاب را از زمانی که جرعه‌های اول در ذهن مولف و مترجم تولید می‌شود تا زمانی که کتاب مسیر نشر را طی می‌کند و در کتابفروشی‌ها عرضه می‌شود مورد توجه قرار می‌دهیم. هرکدام از مسائل طرح شده، دارای اهمیت ویژه خود است و نمی‌توان از آنها در عرصه نشر چشم‌پوشی کرد.»

دبیر گروه فرهنگی روزنامه جام جم، از توجه گردانندگان روزنامه‌ها به اخبار سیاسی می‌گوید و می‌افزاید: «متأسفانه ما گاهی با کتاب به صورت کالایی تزئینی برخورد می‌کنیم و کتاب را برای ژست گرفتن دست می‌گیریم، وی سپس به مسائل اقتصادی اشاره می‌کند و اعتقاد دارد که توجه کم ما به کتاب به سبب گرانی آن و مسائل اقتصادی نشر نیست. این نویسنده از توجه نسبی به کتاب در سال‌های اخیر می‌گوید و از روزهای خوب

نمایشگاه کتاب تهران به عنوان یکی از نقاط عطف توجه به کتاب یاد می‌کند. وی با این همه اعتقاد دارد که توجه به کتاب را نباید به روزهای نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران محدود کرد بلکه باید آن را در طول سال نیز گسترش داد.»

ساره دستاران، دبیر گروه فرهنگ و ادب خبرگزاری ایسنا، نیز به نکات مشابهی اشاره می‌کند. وی که هنوز خود را یک خبرنگار کتاب می‌داند و به این امر افتخار می‌کند در مورد معرفی کتاب در خبرگزاری متبوع خویش ما را به گزینه ویژه کتاب در صفحه فرهنگ و ادب ارجاع می‌دهد و هدف از ایجاد این بخش را معرفی و پوشش اخبار مرتبط با کتاب معرفی می‌کند. دستاران در مورد چگونگی پرداختن به اخبار کتاب در این بخش می‌گوید: «ما برای پوشش اخبار کتاب از چند منبع دست اول سود می‌جوییم. گفت و گو با مولفان و خالقان اثر یکی از منابعی است که به واسطه آن اخبار کتاب را در ایسنا منعکس می‌کنیم.» وی به معرفی کتاب بعد از نشر اشاره می‌کند و می‌گوید: «معرفی آثار منتشر شده نیز یکی از اهداف ماست. ما با معرفی این آثار، توجه مخاطبان را به آنها جلب می‌کنیم و از این رهگذر بخشی از رسالت فرهنگی خود در عرصه ترویج کتابخوانی را به انجام می‌رسانیم.» این دبیر گروه فرهنگی، از توجه مناسب مسئولان خبرگزاری ایسنا به کتاب می‌گوید و می‌افزاید: «خبرهای کتاب، گاه به صفحات اصلی خبرگزاری نیز راه می‌یابد به طوری که بیشتر توجه مخاطبان را به خود جلب کند. خوشبختانه در ایسنا به اخبار کتاب کمتری مه‌ری می‌شود و هرگاه ما اخبار خوب و دست‌اولی داشته باشیم، جایگاه مناسبی به آن اختصاص داده می‌شود.» به گفته وی، هرچند در حال حاضر نیز

توجه خوبی به کتاب از سوی رسانه‌های مختلف از جمله ایسنا صورت می‌گیرد، اما این توجه با آنچه که اهالی فرهنگ و کتابخوانی در ذهن دارند هنوز فاصله زیادی دارد. چنان‌که این دبیر گروه فرهنگی می‌گوید: «کتاب در مقایسه با بسیاری دیگر از حوزه‌های خبری و حتی برخی از اخبار حوزه‌های فرهنگی، هنوز دارای مطلوبیت است و اغلب به آن با نگاه حاشیه‌ای برخورد می‌کنند. وی اظهار امیدواری می‌کند که روند روبه‌رشد توجه به کتاب، سرعت بیشتری بگیرد.»

جلیل اکبری صحت، دبیر گروه فرهنگی روزنامه ایران که سال‌هاست در این عرصه فعالیت دارد نیز از توجه ویژه رسانه متبوع خویش به کتاب و صفحات ویژه کتاب و ستون ثابت گفت و گو با مولفان در مورد آثار تازه منتشر شده خود یاد می‌کند و می‌گوید: «از نظر حجم اختصاص یافته به اخبار کتاب که بخشی از صفحات فرهنگی را دربرمی‌گیرد و معرفی آن، روزنامه ایران یکی از رسانه‌هایی به شمار می‌آید که بیشترین توجه را همواره به این مسئله مبذول داشته است.» این دبیر گروه فرهنگی در مورد چگونگی معرفی و انتشار اخبار کتاب می‌گوید: «همه تلاش ما آن است که در کنار توجه به ناشران دولتی به ناشران فرهیخته بخش خصوصی نیز همواره توجه داشته باشیم. البته این نکته تلاش ماست اما این که تا چه اندازه در این عرصه موفق بوده‌ایم از جمله مسائلی است که باید از سوی کارشناسان فرهنگی مورد قضاوت قرار گیرد.» اکبری صحت سپس به وضعیت نه چندان مساعد مولفان و مصنفان اشاره می‌کند و می‌گوید: «متأسفانه و با تمام تلاش‌هایی که از سوی مدیران فرهنگی صورت گرفته، نویسندگی هنوز در کشور ما به مثابه یک شغل مورد توجه

تحت عنوان «نامک» در زیرشاخه گروه فرهنگی تعریف شده که در آن به معرفی کتاب‌ها با اولویت کتاب‌های تازه منتشر شده پرداخته می‌شود. وی سپس از اهداف درازمدت خبرگزاری فارس می‌گوید. فیضی خواه بخش فرهنگی را به ویژه در عرصه کتاب از جمله این اهداف عنوان می‌کند و می‌افزاید: «تلاش ما آن است که با جذب نیروهای متخصص در کنار نیروهای موجود، اخبار حوزه کتاب را بیش از پیش تقویت کنیم.» وی توجه فعلی خبرگزاری فارس را به عنوان یک خبرگزاری عمومی به اخبار و معرفی کتاب خوب و مناسب ارزیابی می‌کند و می‌گوید: «در صفحه «نامک» با گرافیکی ویژه سعی کرده‌ایم به معرفی آثار منتشر شده بپردازیم.» فیضی خواه سپس در پاسخ به این نکته که چرا اولویت خبری حوزه‌های دیگر همواره بیش از کتاب مورد توجه خبرگزاری‌ها بوده است می‌گوید: «حوزه کتاب به نوعی دارای مخاطب فرهیخته و متخصص است. از این رو شاید دارای جذابیت عمومی نباشد. در عین حال ما نیز نباید نگران آن باشیم که اخبار کتاب به اندازه سیاست و مسائل اجتماعی مورد توجه قرار نمی‌گیرند. ما باید به کتاب به عنوان پدیده‌ای فرهنگ ساز نگاه کنیم و این مسئله در کوتاه مدت و فوری به دست نمی‌آید.»

برنامه‌ریزی در حوزه کتاب و کتابخوانی یکی از مسائلی است که همواره مورد توجه مسئولان فرهنگی قرار داشته است. برپایی «نهضت کتابخوانی» و تقویت کتابخانه‌های کشور از جمله مسائلی است که در این رهگذر همواره مورد توجه بوده است. در کنار این نکته، برپایی جایزه‌ها و جشنواره‌های مختلف دولتی و خصوصی نیز کمک شایانی برای توسعه کتابخوانی در کشور است؛ وظیفه‌ای که همواره بخشی از آن بر دوش رسانه‌ها بوده است.

دبیرگروه فرهنگی روزنامه همشهری از توجه این روزنامه به کتاب‌های حوزه‌های مختلف علمی و فرهنگی یاد می‌کند و معتقد است که در این روزنامه کتاب‌های مختلف در حوزه‌های علم، فرهنگ، پزشکی، تاریخ و سیاست به تناوب معرفی می‌شوند. وی گرایش به کتاب‌های حوزه فرهنگ را به توجه ناشران این حوزه به رسانه‌ها مرتبط می‌داند. به گفته او روزنامه‌ها معمولاً آثاری را در اولویت معرفی خود قرار می‌دهند که کتاب‌های آن حوزه توسط ناشران به دفتر روزنامه فرستاده شده باشد. وی سپس به صفحات فرهنگی ویژه ادبیات و شعر روزنامه همشهری اشاره می‌کند و می‌افزاید: «توجه مادر این صفحات نیز با توجه به هویت آنها به طور ویژه به کتاب اختصاص دارد. به طور مثال در صفحات ویژه شعر، کتاب‌های ویژه این حوزه را بررسی می‌کنیم. حتی ستونی را تعریف کرده‌ایم که در آن به معرفی اولین کتاب شاعران اختصاص دارد.»

ابوالفضل فیضی خواه، دبیرگروه خبرگزاری فارس، صحبت‌های خود را از کم توجهی اهالی رسانه نسبت به کتاب آغاز می‌کند. به گفته این دبیرگروه فرهنگی، در کشور ما آنچنان که باید به عرصه اطلاع رسانی کتاب توجه نشده است. وی به نشریه کتاب هفته و خبرگزاری اینا اشاره می‌کند که به طور تخصصی به اطلاع رسانی در این حوزه مشغولند و آنها را برای اطلاع رسانی مقوله‌ای به گستردگی کتاب کافی نمی‌داند. به اعتقاد این دبیرگروه فرهنگی، مقوله‌ای با اهمیت همچون کتاب نیاز به اطلاع رسانی بیشتر دارد. وی بر این باور است که کتاب را باید هر چه بیشتر با اطلاع رسانی وارد جامعه و مسائل روزمره مردم کرد. فیضی خواه سپس از توجه خبرگزاری فارس به کتاب می‌گوید. به گفته وی علاوه بر درج اخبار مرتبط با کتاب در خبرگزاری فارس، گزینه‌ای نیز

سال‌های گذشته عنوان می‌کند و معتقد است که در این عدم توجه در سال‌های قبل سبب شده که در سال‌های اخیر، توجهی مضاعف به این حوزه صورت گیرد.

مریم فراهانی، دبیر گروه فرهنگی خبرگزاری ایرنا، خبرنگاری کتاب و انتشار اخبار آن را یکی از مهم‌ترین بخش‌های رسانه متبوع خویش عنوان می‌کند. او معتقد است که در سه سال گذشته رمان‌های قابل توجهی منتشر شده‌اند. با این همه رسانه‌ها آنچنان که باید به بازتاب اخبار مرتبط با این حوزه اقدام نکرده‌اند. او ساختار خوب این رمان‌ها را در مقابل با ساختار ژورنالیستی سال‌های پیش‌تر به عنوان عاملی موثر در جهت بهبود وضعیت آنها یاد می‌کند و می‌گوید: «وظیفه حرفه‌ای و خبری ما آن است که به انعکاس اخبار حوزه کتاب بپردازیم تا به ترویج این کالای فرهنگی کمک کرده باشیم.» وی گفت و گو با مولفان، مصنفان و ناشران را که با کتاب مرتبطند یکی از مهم‌ترین راه‌های معرفی کتاب معرفی می‌کند و می‌گوید: «مردم ما به طور بالقوه تشنه کتابخوانی هستند. اما آنها باید به گونه‌ای از اخبار کتاب باخبر شوند. در این مسیر، خبرنگار و رسانه، حلقه مفقوده بین کتاب و مردم است و این نکته وظیفه ما را دوچندان می‌کند.»

یکی از نکاتی که در انتقاد به خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های عمومی مطرح می‌شود، توجه ایشان به اخبار اجتماعی و سیاسی و توجه کمتر ایشان به اخبار فرهنگی به ویژه در عرصه کتاب است. مریم فراهانی در این مورد به توجه ویژه خبرگزاری ایرنا به کتاب اشاره می‌کند. او به صفحات ویژه شعر و داستان در خبرگزاری اشاره می‌کند و معتقد است که این انتقاد کمتر در مورد خبرگزاری ایرنا مصداق دارد. وی می‌گوید: «شما اگر همین الان صفحات فرهنگی خبرگزاری ما را باز کنید می‌بینید که مهم‌ترین اخبار ما به حوزه کتاب و مولفان آن اختصاص دارد و بخشی نیز از این اخبار به صفحات اصلی راه می‌یابند. به گفته دبیرگروه خبرگزاری ایرنا، انتشار اخبار جشن‌ها و رونمایی کتاب، جایزه‌های ادبی، جلسات نقد، بررسی و تحلیل و انتشار کتاب از جمله اخباری است که خبرگزاری متبوع وی، همواره آن را مورد توجه قرار داده است.

علی عمادی، دبیرگروه فرهنگی روزنامه همشهری از علاقه خود و سیاست‌های روزنامه متبوع خود به عرصه کتاب یاد می‌کند. این دبیرسریس فرهنگی در این مورد می‌گوید: «همه هم و غم ما آن است که با توجه به وضعیت بنیادین کتاب و نقش آن در عرصه فرهنگ، بیشترین تلاش را در این زمینه مبذول داریم. تلاش ما آن است که در عرصه کتابخوانی مروج باشیم.» وی می‌افزاید: «همه موانع و مشکلاتی که در راه ترویج کتابخوانی وجود دارد، سبب می‌شود تا ما بیشترین توجه را به این مسئله مبذول داریم. از این روست که ما همواره در تلاشیم که کتاب‌هایی که ارزش مطالعه دارند و کتاب‌هایی که می‌توانند سلیقه‌های مختلف را به خود جلب کنند و کتاب‌هایی که می‌توانند سبب ارتقای فرهنگی جامعه شوند را در صفحات ویژه کتاب معرفی کنیم.» علی عمادی سپس از فرایند انتشار کتاب در ایران انتقاد می‌کند و معتقد است که کتاب پس از تالیف و ارائه به ناشر باید در کمترین زمان ممکن و با کمترین غلط منتشر شود. چرا که برخی از آثار با گذشت زمان ارزش و اعتبار خود را از دست می‌دهند. وی از تقویت ناشران و مجهز شدن ایشان یاد می‌کند و از صدور اینترنتی مجوز به عنوان سرعت دهنده فرایند انتشار آثار یاد می‌کند و می‌گوید: «همه تلاش ما باید بر این نکته استوار باشد که کتاب، کمتر در صف انتشار بماند.»

قرار نمی‌گیرد و یک نویسنده از راه نویسندگی نمی‌تواند به کسب درآمد بپردازد.» این دبیرگروه فرهنگی سپس به تفاوت‌های اصحاب رسانه و نویسندگانی که در عرصه کتاب فعالیت دارند می‌پردازد و می‌افزاید: «ما روزنامه‌نگارها از راه نوشتن می‌توانیم به کسب درآمد بپردازیم. از این رو هر چند درآمدی که از این راه کسب می‌شود چندان قابل توجه نیست اما من دوستانی را می‌شناسم که تلاش‌های فراوانی را در عرصه نوشتن کتاب مبذول داشته‌اند و حتی یک ریال هم از این راه به دست نیاورده‌اند.»

جلیل اکبری صحت در ادامه از خبرنگاران عرصه کتاب به عنوان مظلوم‌ترین افراد حوزه خبری یاد می‌کند و می‌گوید: «یک خبرنگار سینمایی یا حوادث، معمولاً با اخباری مواجه است که از پتانسیل اولیه خبری برخوردارند، اما یک خبرنگار کتاب برای مطرح کردن اخبار خود باید تلاش فراوانی انجام دهد.»

بابک غفوری آذر، دبیر سرویس فرهنگی روزنامه اعتماد، از رسانه خود به عنوان محلی برای انتشار اخبار کمتر مورد توجه قرار گرفته عرصه فرهنگ یاد می‌کند. به گفته این دبیرگروه فرهنگی روزنامه اعتماد با اختصاص صفحات کتاب تلاش دارد آخرین کتاب‌های منتشر شده را همواره مورد توجه قرار دهد. وی می‌افزاید: «علاوه بر این ما در صفحات فرهنگی و با توجه به موضوع کتاب به معرفی آنها می‌پردازیم. به عنوان نمونه کتاب‌های مرتبط به سینما را در صفحات سینمایی و کتاب‌های ادبی را در صفحه‌های مرتبط با این موضوع معرفی می‌کنیم، افزون بر آن، صفحات ادبی در گفت و گوهای مسبو با مولفان اهداف اصلی معرفی کتاب است.» به گفته بابک غفوری آذر اخبار مرتبط به چاپ انتشار و سیاست‌گذاری کتاب نیز در صفحات اخبار فرهنگی روزنامه اعتماد، همواره مورد توجه بوده‌اند. وی سپس به بخش پیشنهاد صفحه اخبار فرهنگی اشاره می‌کند و می‌گوید: «ما در ستون پیشنهاد، معمولاً کالاهای فرهنگی را به خوانندگان خود معرفی می‌کنیم. کتاب یکی از ارکان تقریباً ثابت این ستون است. علاوه بر این به معرفی برنامه و جلسات فرهنگی نیز در این ستون می‌پردازیم که معرفی جلسات نقد و بررسی کتاب و مسائل مرتبط با آن برای ما از اولویت برخوردار است.»

نکته‌ای با دبیرگروه فرهنگی روزنامه اعتماد مطرح می‌کنیم که توسط بسیاری از اهالی فرهنگ مطرح می‌شود. برخی از علاقه‌مندان و کارشناسان حوزه فرهنگی معتقدند که در صفحات ویژه کتاب تنها به معرفی و نقد کتاب‌هایی پرداخته می‌شود که در حوزه ادبیات و حداکثر علوم انسانی منتشر شده باشد. آنها معتقدند که در صفحات کتاب باید دیگر حوزه‌ها از جمله علوم، ریاضی، پزشکی و... را نیز مورد توجه قرار داد. غفوری آذر در این مورد به تفکیک حوزه‌های خبری در روزنامه اشاره می‌کند و می‌گوید: «معمولاً در روزنامه رسم بر این است که هر گروه‌ی، اخبار و مسائل مرتبط به خود را مورد پوشش قرار دهد. از این رو، کتاب‌های مرتبط با حوزه فرهنگ در صفحات کتاب معرفی و نقد می‌شوند. چرا که صفحات کتاب زیرمجموعه گروه فرهنگی است. حال آن که کتاب‌های حوزه علم و پزشکی، در صفحات ویژه آن در روزنامه مورد توجه قرار می‌گیرند.» این دبیرگروه با پذیرش این استدلال که حتی در گروه‌های فرهنگی نیز کتاب‌های ادبی از توجه بیشتری برخوردارند می‌افزاید: «تلاش ما در روزنامه اعتماد این است که همه حوزه‌های فرهنگی را مورد توجه قرار دهیم. اما به هر حال همیشه کتاب‌هایی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند.» وی توجه به کتاب‌های ادبیات داستانی را ناشی از عدم توجه به آنها طی



فراخوان

فراخوان عمومی سال ۱۳۸۷

بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۸۷ برگزار می‌شود. بر این اساس دبیرخانه کتاب سال از کلیه پدیدآورندگان، مترجمان، مصححان و ناشران دعوت می‌کند، آثار خود را برای شرکت در مسابقه کتاب سال تا ۲۱ شهریور ۱۳۸۷ به نشانی زیر ارسال کنند.

اهداف کتاب سال:

- ارتقای فرهنگ جامعه اسلامی، حفظ استقلال و هویت فرهنگی
- حمایت و تشویق مولفان، مترجمان و مصححان و ناشران متعهد کشور

شرایط شرکت در کتاب سال:

- آثار ارسالی برای اولین بار در سال ۱۳۸۶ منتشر شده باشند.
- کتاب‌های درسی و کمک درسی نباشند.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۱۵، ساختمان سرای اهل قلم، طبقه پنجم

تلفن: ۶۶۹۶۶۱۳۹ دورنگار: ۶۶۹۶۶۱۸۱

www.ketabsal.ir



پای صحبت منوچهر احترامی، طنزنویس درباره «طنزآوران امروز ایران»

لبخند سیصدساله



«طنزآوران امروز ایران» عنوان کلی مجموعه‌ای چندجلدی است که هر جلد آن به قلم یک نویسنده و محقق و اختصاص به یکی از چهره‌های برجسته ادبیات طنز دارد. این مجموعه را حوزه هنری تدارک دیده و جلد اول آن که هفته گذشته به قلم فریبا شادمهر منتشر شده اختصاص به منوچهر احترامی دارد. منوچهر احترامی متولد ۱۳۲۰ تهران، لیسانس حقوق قضایی دارد و کارمند بازنشسته مرکز آمار ایران است. وی سال‌ها به عنوان طنزنویس با نشریات مختلف همکاری داشت و طی چند سال گذشته اغلب آثارش را در نشریه گل آقا چاپ می‌کرد و مجموعه‌ای از بهترین‌های خود را در کتاب «جامع الحکایات» منتشر کرد. او انتشار بخشی از داستان‌های کوتاه طنزش را در مجموعه «بچه‌ها، من هم بازی» برای چاپ تدارک دیده که جلد اول آن به بازار آمد و جلد‌های دوم و سوم نیز در دست چاپ است. منوچهر احترامی تاکنون بیش از پنجاه عنوان کتاب منتشر شده برای کودکان و نوجوانان دارد.

آقای احترامی! انتشارات سوره مهر وابسته به حوزه هنری مجموعه‌ای تحت عنوان کلی «طنزآوران امروز ایران» برای چاپ تدارک دیده که جلد اول آن به قلم فریبا شادمهر به شما اختصاص داده شده است.

درست است، سال‌ها پیش نشریه گل آقا هم چنین مجموعه‌ای را تدارک دیده بود که چهار - پنج جلد آن هم منتشر شد. این مجموعه به آقایان ابوالقاسم حالت، آقای فرجیان و مهندس گویا اختصاص داده شده بود. ضمناً یک جلد از این مجموعه هم ویژه کیومرث صابری منتشر شد. یعنی چاپ مجموعه‌هایی از این دست در صنعت نشر ایران سابقه دارد.

مجموعه‌ای هم که حوزه هنری تحت عنوان «طنزآوران امروز ایران» تدارک دیده اختصاص به چند تن از طنزپردازان باسابقه دارد که جلد اول آن به قلم خانم فریبا شادمهر اختصاص به من داشت و یک جلد اختصاص به ابوتراب جلی دارد که نوشتن آن را به عهده من گذاشتند و در حال حاضر مشغول این کار هستیم.

هر جلد از این مجموعه در چند فصل تالیف و تدوین می‌شود و به چه مسائل و موضوعاتی اختصاص دارد؟

این مجموعه، برحسب ذوق و سلیقه نویسندگان هر جلد تالیف و تدوین می‌شود و فصل‌بندی به صورت آکادمیک ندارد. مثلاً خانم شادمهر بر اساس ذوق خودش مطالبی از من را که قدیم‌الایام در نشریات مختلف مانند مجله توفیق سال‌های ۳۷ چاپ شده بود جمع‌آوری کردند مقداری از مطالب را هم من پیشنهاد دادم که حذف و اضافه شود. در واقع انتخابی از آثارم در طول سال‌های مختلف بود. نوع نثر کلاسیکی که من در آثارم به کار می‌گیرم از ویژگی‌هایی است که برای تدوین این کتاب بیشتر به آن سمت توجه شده است. من اما سعی کردم آثاری که به سبک و زبان امروز نوشتن از جمله چند قصه را برای چاپ در این مجموعه پیشنهاد کنم. به هر حال این کتاب بیانگر دوره‌های مختلفی از کار و آثار من با سبک و سیاق متفاوت است. یک مصاحبه مفصل هم با من به صورت کتبی داشتند که در بخش اول کتاب آمده است.

بنشینند. حالا گاهی فضای ادبی به حفظ این خصلت کمک می‌کند.

در ادبیات عامیانه ایران، آثاری مثل ابومسلم نامه، بختیارنامه و... بودند که رگه‌های طنز بسیار قوی داشتند. این آثار چقدر موثر بودند؟

در این حوزه دو نوع آثار یا دو نوع مجموعه وجود دارد. یک نوع قصه‌های قدیمی و قصه‌های نقلی هستند که به هند می‌رسد و از مهابهاراتا و اوپانیساده‌ها و رامایا و... نشأت می‌گیرند. اما قصه‌هایی هم هستند که توسط نقالان روایت شده‌اند.

مثل ابومسلم نامه و بختیارنامه و... که حجم زیادی هم دارند. این قصه‌ها توسط نقالان روایت شده و فضای قبل از اسلام را در این نوع قصه‌ها بدون تغییر و دخل و تصرف می‌بینید. این قصه‌ها آن چیزی است که شما مطرح کردید. این گونه آثار تا قرن هفتم و هشتم به شکل نقلی تداوم داشت، وقتی هم مکتوب و ثبت و ضبط شد همان روایت‌ها را ثبت و ضبط کردند. بنابراین اگر شما امروز داستان نسیم مهر عیار را بخوانید، می‌بینید آن نثر، آن شیوه و آن ویژگی‌ها با آن فضاهای تصویری دقیقاً منعکس شده است. این یک بخش قضیه است. بخش دوم قضیه این است که در زمان قاجاریه یا بعد از آمدن صفویه، عده‌ای نوعی از آن قصه‌ها را مکتوب کردند که نیم‌نگاهی هم به ادبیات اروپا داشتند. این قصه‌ها نه آنقدر ارزش مضمونی دارند تکنیکی و ساختاری. این گونه آثار در زمان قاجاریه زیاد نوشته شده است. این به خاطر فضای جامعه در آن روزگار است. این نوع کار مربوط به همین دویست - سیصد سال اخیر است و من فکر می‌کنم ارزش آن هم به مراتب پایین‌تر از آن رمان‌های خیلی طولانی متاخر است. شاید یکی از قصه‌های خوب این دوران قصه‌های نقیب الممالک باشد، مثل قصه باغ بلور، امیر ارسلان نامدار و... قصه‌هایی از این دست که امروز هم خوانندگان خودش را دارد.

زیادی ندارد. در مجله گل آقا، مرحوم کیومرث صابری تلاش زیادی کرد تا با چاپ قصه‌های کوتاه طنز به گسترش و شکوفایی آن کمک کند. در سال‌های قبل از انقلاب هم کم نبودند کسانی که در این زمینه کار می‌کردند؛ کسانی که با اقتباس از آثار خارجی، داستان کوتاه طنز می‌نوشتند یا به شکل خلاصانه داستانی تازه می‌آفریدند. آن آثار اقتباسی که نوعی بازسازی داستان‌های روسی و ترکی بود، هیچ‌کدام ماندگار نشد.

عده‌ای از منتقدان می‌گویند مخاطبان جدی ادبیات بیشتر آثار دراماتیک را می‌پسندند تا آثار طنز را. چه در حوزه سینما، چه در حوزه داستان و شعر، چه در حوزه تئاتر. شما تا چه حد با این نظر موافقت می‌کنید؟ همین طور است. من و شما هم به عنوان نویسنده و روزنامه‌نگار وقتی یک قصه درام می‌خوانیم انگار بیشتر به دل‌مان می‌نشیند وقتی هم که از آن فضا خارج شدیم دیگران را تشویق و ترغیب به خواندن آن قصه و دیدن آن فیلم می‌کنیم. یاد می‌آید یکی از قصه‌هایی که طی پنجاه - شصت سال اخیر بارها تجدید چاپ شده، قصه‌ای است متعلق به جهانگیر جلیلی که نام من هم گریه کردم. این قصه را وقتی می‌خوانید، انگار در قرن هجدهم اروپا، با آن فقر و فلاکت هستید و بایک چنین فضا و موقعیتی روبه‌رو می‌شوید. این قصه را جهانگیر جلیلی در آن زمان نوشت. این قصه در سال ۱۳۱۸ نوشته شد. معنی‌اش این است که علاقه عده‌ای از مخاطبان به این دست آثار سبب می‌شود ناشران مختلفی این رمان را چاپ و منتشر کنند. حتی در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ چند تا از این نوع داستان بلند نوشته شدند که همین سرنوشت را پیدا کردند. حتی قصه‌های پهلوانی مانند قصه «حسن صباح» و «آشیانه عقاب» که به سبک رمان‌های چندجلدی اروپایی نوشته شدند، آن بخش‌هایی از قصه که احساسات خواننده را تحریک می‌کند، سبب می‌شود این گونه آثار بیشتر به دل

الان کار جدیدی در دست نوشتن یا چاپ ندارید؟ الان جز مطالب برای مطبوعات، کار پژوهشی و تحقیقی مفصلی ندارم که بخواهم به صورت کتاب منتشر کنم. یکی - دو مقاله مفصل در دست نوشتن دارم که آن هم در حد کار مطبوعاتی است. غیر از این، از مجموعه «طنزآوران امروز ایران» کتابی درباره ابوتراب جلی در دست تالیف و تدوین دارم. البته همه ما اهل قلم کارهای نیمه تمام زیاد داریم. مثلاً اگر شش ماه به ما فرصت بدهند و جای دنجی پیدا کنیم، یک رمان نیمه تمام را تکمیل و آماده چاپ می‌کنیم. یا اگر یک فرصت سه ماهه پیدا کنیم، یک مجموعه را جمع‌آوری و به دست چاپ می‌سپاریم. از این دست کارهای نیمه تمام زیاد داریم. وقتی هم که انسان از دست می‌رود، کوله‌باری از این آرزوها و آرمان‌ها همراه با او به خاک می‌رود.

در زمینه داستان کوتاه بعد از انقلاب، به گواهی قریب به اتفاق منتقدان و نویسندگان و علاقه‌مندان ادبیات داستانی رشد چشمگیری داشته‌ایم هم به لحاظ کمی هم به لحاظ کیفی. به اعتقاد شما در زمینه داستان کوتاه طنز هم چنین موفقیتی داشته‌ایم؟ داستان کوتاه طنز را کمتر مورد توجه قرار داده‌ایم و کمتر به آن پرداخته‌ایم. به خاطر این که خواننده



داستان کوتاه طنز را کمتر مورد توجه قرار داده‌ایم. مرحوم کیومرث صابری تلاش زیادی کرد تا با چاپ قصه‌های کوتاه طنز به گسترش و شکوفایی آن کمک کند



نشست نقد کتاب «حقیقت بوف کور» نوشته محمدرضا سرشار در سرای اهل قلم

بوف کور زیر آفتاب نقد



یکصد و چهل و دومین نشست از مجموعه نشست های سرای اهل قلم با موضوع نقد کتاب «حقیقت بوف کور» اثر محمدرضا سرشار روز سه شنبه پانزدهم مردادماه با حضور احمد شاکری، سمیرا اسلانیور و محمدرضا سرشار نویسنده اثر در سرای اهل قلم خانه کتاب برگزار شد.

اسلانیور داستان نویس در ابتدای جلسه با اشاره به این نکته که این جلسه، جلسه نقد نقد است (چرا که کتاب «حقیقت بوف کور» در واقع خودش یک کتاب نقد است) مخاطبان چنین جلساتی را مخاطبانی خاص دانست و بر ضرورت حضور منتقدانی که آراء متفاوت دارند در این گونه جلسات تاکید کرد. وی در ادامه با یادآوری این نکته که هر اثر هنری فارغ از این که چه کسی آن را خلق کرده باید این قابلیت را داشته باشد که خودش را توضیح دهد گفت: «قاعدتا باید بتوان یک اثر هنری را فارغ از حواشی و عوامل جنبی مورد نقد و بررسی قرار داد و بدین معنا، هر اثر هنری یک کار مستقل است چراکه ما وقتی یک رمان را می خوانیم انتظار نداریم خالق آن بیاید و جزئیات را برای ما شرح دهد یا تفسیر کند یا این که لزوماً ما مجبور باشیم شرایط اجتماعی نویسنده را موقع خلق اثر بدانیم تا بتوانیم آن را نقد کنیم».

وی افزود: «در این مورد دو دیدگاه وجود دارد؛ عده ای معتقدند فقط باید خود اثر مورد نقد و بررسی قرار گیرد و برخی هم معتقدند باید وجوه شخصیتی و شرایط زندگی نویسنده مورد توجه و نقد قرار بگیرد. نهایتاً من بر این باورم که گاهی این دو دیدگاه می توانند با هم ادغام شوند و لزوماً هیچ تضاد و تناقضی هم نداشته باشند و در مورد کتاب بوف کور اگر بخواهیم خود اثر را نقد کنیم شاید به راحتی بتوانیم ضعف ها و قوت هایش را پیدا کنیم اما به نظر من آنچه ضرورت پرداختن به حواشی این کتاب را پیش روی ما می نهد این است که این اثر به دلیل ضعف ها و نقص هایی که دارد به تنهایی و فارغ از حواشی قابل بررسی نیست».

اسلانیور فضای نقدنویسی دهه های گذشته را درباره کتاب بوف کور فضایی خودباخته توصیف کرد و گفت: «آنبوه مطالبی که درباره بوف کور نوشته شده، اکثر ادراستایش و به نوعی تفسیر به رای نویسنده بوده است تا حدی که این کتاب در جایگاهی قرار گرفته که برداشت عموم را این طور شکل داده که این کتاب یک شاهکار است و هدایت یک اسطوره! و این ذهنیت آنچنان قوام گرفته که افراد به خودشان اجازه نمی دهند نزدیک آن شوند و آن را نقد کنند».

وی در ادامه درباره کتاب «حقیقت بوف کور» گفت: «این کتاب با توجه به حواشی زندگی نویسنده نوشته شده است و اصلی ترین مشخصه اش این است که فضای خودباختگی نسبت به بوف کور را می شکند و از آن نگاه ستایشگرانه فاصله می گیرد». وی افزود: «بوف کور یک اثر کامل نیست که بتواند خودش، خودش را تعریف کند بنابراین ما مجبور هستیم برای تعریف آن حواشی زندگی هدایت را در کنار آن بررسی کنیم».

در ادامه جلسه، احمد شاکری نویسنده و منتقد ادبی با تذکر این نکته که بهتر بود مدافعان آثار هدایت و مخالفان این اثر نیز در جلسه حضور پیدا می کردند، مخاطبان کتاب محمدرضا سرشار را کسانی دانست که تحت تاثیر نقدهای غیر واقعی نسبت به بوف کور بوده اند و اساساً این کتاب با در نظر گرفتن تفکر این افراد نگاشته شده است. شاکری در ادامه

داستان نویسی را نیمه ساخته اند، عامه مردم که از گروه اول کم اطلاع ترند و شاید صرفاً شهرت صادق هدایت آنها را به خواندن نقدی در مورد آثارش برانگیخته است، کسانی که نویسنده نقدهایی بر آثار هدایت بوده اند و محققان، داستان نویسان و منتقدان که اعضای خانواده ادبیات داستانی محسوب می شوند. در مجموع، افرادی که نسبت به عناصر داستانی آگاهی و شناخت کافی ندارند نمی توانند اساساً چیزی جز ابهام یا نگره ای شخصی از بوف کور برداشت کنند».

وی افزود: «همان طور که در پیش درآمد کتاب آمده است، این کتاب بر پایه نقد برداشت های ناروا از بوف کور بنا شده است و با پیش کشیدن این برداشت ها و طرح و نقد آنها در صدد پاسخ دادن به سوال هایی است که از گوناگونی و سطح علمی متفاوتی برخوردارند. چگونه می توان برای مخاطبی که اساساً تفاوتی میان داستان و خاطره یا حتی تاریخ یا تفاوتی میان فیلمنامه و داستان قائل نیست از عهده ادیب صحبت کرد یا مقوله نمادها را شرح داد؟ چگونه می توان برای مخاطبی که از اقتباس جز مفهومی مبهم در ذهن ندارد، اقتباس و اصطلاحات مشابه آن را مطرح کرد و به اقتباسی بودن یا نبودن بوف کور رای داد اما آنچه روشن است این که این کتاب برخلاف نکته ای که در پیشگفتار آمده است مخاطب خود را باید در بین افراد خاصی دنبال کند».

سمیرا اسلانیور در ادامه در پاسخ نقد شاکری تصریح کرد: «من فکر می کنم مخاطبان این کتاب اتفاقاً منتقدانی که بر بوف کور نقد نوشته اند نیستند چراکه آنها عمداً چشم بر یک سری واقعیت ها بسته اند تا هدایت را در هاله ای از تقدس نگه دارند تا دیگران جرئت نقد آن را نداشته باشند. مخاطب این کتاب دانشجویی است که طی جریانی که در دانشگاه برایش به وجود آمده وادار شده کتاب های هدایت را بخواند زیرا اگر این کار را نکند و وجهه روشنفکرانه نخواهد داشت!».

اسلانیور با تاکید بر این که این کتاب می تواند مخاطب عام داشته باشد، گفت: «این کتاب به رغم این که وارد مباحث پیچیده می شود بسیار ساده و همه فهم است برای مثال اگر کسی حتی آشنایی با نمادها نداشته باشد با خواندن این کتاب می تواند با نمادها آشنایی ابتدایی پیدا کند. این کتاب برای همه است مخصوصاً جوانانی که تحت تاثیر جو و فضای

صحبت هایش اهمیت شیوه های ورود و خروج به یک اثر را یادآور شد و گفت: آنچه در نهایت از یک منتقد باقی می ماند روش و شیوه ورود و خروجش به یک اثر است و ما به عنوان مخاطب باید دنبال شیوه هایی باشیم که با آن بتوانیم بسیاری از آثار دیگر را نیز نقد کنیم و در حقیقت هنر نقد در این است که روش ها شناخته شوند. تعیین این روش ها اتفاقاً کار بسیار پیچیده ای است چراکه برای رسیدن به چنین نقطه ای هم باید نقد ادبی دانست و هم ادبیات را به خوبی شناخت».

اسلانیور نیز بحث درباره کتاب «حقیقت بوف کور» را در دو بخش قابل طرح دانست و گفت: «فصول این کتاب را می توان به دو قسمت تقسیم کرد؛ یکی فصل هایی که در مورد کتاب است یعنی محتوای کتاب نیست و مثلاً درباره هدایت و شرایط زندگی اوست و دوم فصولی که فقط به محتوای کتاب مربوط می شود یعنی آنچه در کتاب آمده است. فصول اولیه بیشتر درباره کتاب است و خلاصه ای از زندگی و شرایط خانوادگی هدایت و بعد تاریخچه نگارش و انتشار بوف کور، شناختنامه و منابع و مآخذ ادبی بوف کور و باقی فصول یعنی عهده ادیب، نمادها، ساختار، نثر و درونمایه ها در دسته بندی دوم قرار می گیرد».

شاکری در ادامه عنوان کتاب «حقیقت بوف کور» را مورد بحث قرار داد و با برشمردن مفاهیم مختلفی که از واژه «حقیقت» در عنوان این کتاب می توان اراده کرد سخن گفت.

وی گفت: «اسم گذاری تابع قواعد و ضوابطی است، اسامی ای که ما در زندگی روزمره آنها را به کار می بریم غالباً اعتباری اند اما در عالم داستان و در مرحله بعد در مقاله، این اسامی دیگر اعتباری نیستند و از قواعدی نسبی پیروی می کنند و مشخص می کنند که چطور باید نام داستان را انتخاب و ارزش گذاری کرد».

وی یادآور شد: «عنوان بندی در داستان می تواند تابع سلیقه باشد اما عنوان بندی در نقد باید بر اساس دلیل علمی صورت بگیرد».

نویسنده کتاب «نفس» در ادامه با طرح این سوال که مخاطبان «حقیقت بوف کور» چه کسانی هستند؟ ضمن بررسی پیشگفتار نویسنده کتاب گفت: «در مجموع، احتمالاً آنی را می توان برای مخاطبان این کتاب در نظر گرفت: جوانان و دانشجویانی که اطلاعاتشان از داستان نویسی کم است و قواعد

تعصب آمیز مدافعان هدایت قرار گرفته اند». در خاتمه جلسه، محمدرضا سرشار با مثبت ارزیابی کردن برگزاری جلسات نقد، به توضیح نکاتی چند درباره کتاب «حقیقت بوف کور» و ایرادات وارد به آن پرداخت و گفت: «مصیبت برای یک نویسنده، منتقد یا داستان نویس، توطئه سکوت است نه نقد کردن و رد کردن آن اثر و هر نویسنده ای در بلوغ فکری خودش باید خوشحال باشد که کتابش را نقد کنند و هر کس با هر عقیده ای حرفش را بزند و البته چه بهتر که اگر یک اثر خوب است به خوبی آن اذعان کنند».

نویسنده کتاب «در مسیر تندباد» در پاسخ به این گلایه منتقدان که چرا از مدافعان هدایت برای نقد این اثر دعوت نشده گفت: «ما پیش از این هم تجربه دعوت از این افراد را داشتیم یعنی پیش از این گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران خواستند که کتاب «راز شهرت صادق هدایت» را به نقد بگذارند و همه تلاششان را کردند تا منتقدانی را که حدس می زدیم نظر کاملاً متفاوتی با ما دارند دعوت کنند. بعد از روزهای متمادی و تماس های مکرری که گرفته شد در نهایت هیچ کس بحث رودررو را نپذیرفت و البته بهتر بود که درباره این جلسه هم خانه کتاب این مسیر را طی می کرد و این دعوت را به عمل می آورد و اگر باز هم نمی آمدند لاقلاً این جلسه توجیهی داشت».

سرشار درباره «حقیقت بوف کور» گفت: «زحمت بسیاری روی این کار کشیده شده. کلمه به کلمه این کتاب مستند است یعنی هر کلمه ای که آورده ام یا به متن خود اثر استناد کرده ام یا از کسانی که موافق او هستند. گمان نمی کنم بتوانید نقدی را پیدا کنید که تا این حد استقرایی باشد».

وی همچنین درباره صحبت های شاکری درباره مفهوم نقد گفت: «آقای شاکری تصورشان درباره نقد این است که منتقد هر واژه ای را که می گوید باید اول بنشیند تعریفی کامل از آن بدهد بعد تمام جوانب آن را بسنجد و بعد وارد بحث راجع به آن شود، درحالی که چنین روشی را نه تا به حال کسی در نقد به کار برده و نه از این به بعد به کار خواهد برد و نه اصلاً شدنی است. بنای ما بر این است که یک تفاهم ابتدایی بین نویسنده و مخاطب وجود دارد».

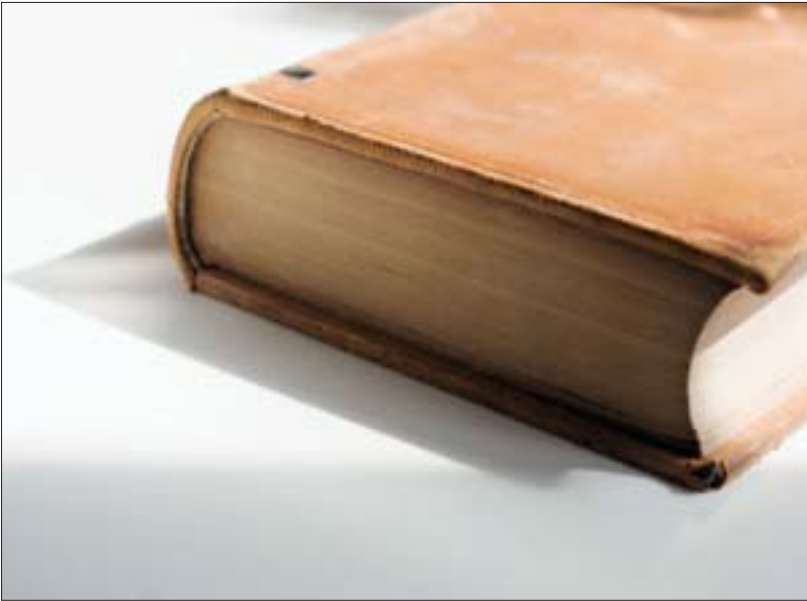
سرشار در ادامه با یادآوری این نکته که نقد لزوماً به معنای بدگویی و رد کردن اثر نیست، گفت: «خود من در عین حال که تندترین نقدها را راجع به بعضی آثار دارم، در کنار اینها نقدهایی هم دارم که جز زیبایی و حسن اثر را ذکر نکرده ام. چه عیبی دارد که اگر می بینیم اثری ایرادی ندارد، آن را عنوان کنیم و محاسنش را بگوییم و اصلاً یک معنای نقد این است که منتقد، ظرافت ها، زیبایی ها، قوت ها و نوآوری های یک نوشته را که ممکن است مخاطب عادی متوجه آن نشود، آشکار کند. در بعضی آثار منتقد واسطه بین اثر و خواننده است».

سرشار درباره این که مخاطبان نقد چه کسانی هستند، با تایید صحبت های اسلانیور در این مورد یادآور شد: «در نقد اصلاً به این معنا تقسیم مخاطب نداریم مثل این که بیایم بگوییم فلان نقد را برای دانشجویان می نویسیم! این تقسیم بندی در ادبیات کودکان وجود دارد؛ شعر و داستان کودکان مخاطب دارد و اگر نقد هم برایش بنویسیم باید اصولی را رعایت کنیم ولی برای بزرگسالان چنین تقسیم بندی هایی نداریم».



گزارشی از کتاب «تصاویر بی رنگ»

همصدایی باور و هنر



بی رنگ در قالب ستونی به چاپ رسیده است و درباره چگونگی کار خود و ویژگی‌هایش می‌نویسد: «در این شیوه بیانی از استعارات و کنایات و دیگر فنون لازم بهره بسیار جستم و اگرچه در آن مفاهیم و مضامین به اقتضای حال هر یک تن پوش مناسب خود را برمی‌گزینند، اما در تنه‌ای مشترک به وحدت می‌رسند. مصداق‌های این گفته را می‌توان در کتاب نیز دید. دسته‌ای از جملات رنگ شعر به خود گرفته‌اند و دسته‌ای دیگر جوشن رزم به تن کرده‌اند. وی در این باره می‌افزاید: «پاره‌ای از جملات به تلخی‌ها از منظر طنز نگریسته به فرم کاریکاتور نزدیک شده یا به آن تن می‌سپارند، اما متفاوت. وی در توضیح بیشتر می‌نویسد: اگر کاریکاتور به مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و محتواهای متداول گفته می‌شود، این تفاوت در حد تبری جستن پیش می‌رود. سید علیرضا شاهین معتقد است که اگر همه تلاش‌های ادبی به نقطه‌ای نینجامد که معنا آنجاست، مولف پا به بیراهه نهاده است؛ لفظ در چینش و ترکیب کلمات خلاصه می‌شود. اگر پیام از سخن حذف شود، اثری از آن نمی‌ماند تا اثر نام گذاشته شود. تصاویر بی رنگ توسط سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در زمستان امسال منتشر و به تازگی وارد بازار نشر شده است.

را دنبال نمی‌کند. او وجهه غیردینی نواندیشی! را برآمده از لیبرالیسم می‌داند و معتقد است که لیبرال‌های جهان، پس از آن که در برابر دژ اسلام به بن بست رسیدند، از این راه وارد شده‌اند. او در این باره می‌نویسد: این بار جریان روشنفکری که خود مولود عصر روان‌پریشی و گسست باورها است، در جامعه ما حرکتی منفور، خیانت‌بار و وقاحت‌آمیز شناخته می‌شود. وی در برابر حرکت‌هایی از این دست، راه حل فرهنگی را پیشنهاد می‌کند. او از موعظه حضرت سیدالشهداء(ع) در برابر سپاه خصم می‌نویسد و رسالت هنر را در وهله نخست امدادسانی به نقاط خطر خیز عنوان می‌کند و معتقد است که جامعه هنری باید به گونه‌ای معنوی، پاک و تطهیر شده، بر کلیت زندگی مردم احاطه پیدا کرده و در مسیر آن حرکت کند. او همچنین اعتقاد دارد که موفقیت یک هنرمند در نهایت به این دو مسئله بستگی دارد. وی در این مورد می‌افزاید: «یافتن راه‌های صحیح درمان، همراه حفظ هماهنگی، ترمیم نواقص، رفع موانع پیوند، درمان مبتلایان و پیشگیری از گسترش ویروس به دست آنهاست.» به گفته مولف، مجموعه حاضر طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ در روزنامه کیهان با عنوان تصاویر

اشاره می‌کند که دم از رسالت آرمانی هنر می‌زند، اما در عمل آن را به غرایزی پست فرو می‌کاهد. او در مقابل از هنرمندانی متعهد نام می‌برد که آثارشان پاسدار حرمت انسانی و ارزش‌های معنوی اوست: «در این میان، متعهدانی که مهر پابرهنگان و دغدغه‌تعالی و نجات‌انسان‌ها با آثارشان ممزوج است و پاسدار حرمت و منزلت جامعه خویش‌اند، نستوه و مقاوم ایستاده‌اند.» این مولف سپس به آموزه‌های پیامبر اسلام(ص) و اهل بیت(ع) ایشان اشاره می‌کند و کلام آنها را در کنار قرآن، بزرگ‌ترین منبع و منشأ خلق آثار هنری می‌داند. او در این مورد می‌نویسد: «کلام نورانی قرآن از غلتیدن به دام لهو و لعب سخت بر حذر می‌دارد. چه بسا اینها با وسوس جاذب خود مدام در کمین نوع بشرند. در جای جای نهج البلاغه سیمای حقیر و فانی دنیا به طرق مختلف ترسیم شده‌است. وی می‌افزاید: حسرت از قلت زاد و توشه، وحشت از راه طولانی و تعقیب بی‌امان و سایه‌گستر مرگ مجالی برای دل بستن به دنیای فانی باقی نمی‌گذارد. حال اگر این میزان توجه نصب‌العین قرار گیرد و هنرمند و مخاطب مجهز به این سلاح باشند، روشن است که تا چه حد می‌توانند بر هم اثر بگذارند.»



مولف کتاب تصاویر بی رنگ یکی از دلایل افت آثار هنری را بی‌مبالاتی و پایبند نبودن به موازین از سوی خالق آثار، بی‌توجهی و ساده‌انگاری مخاطب عنوان می‌کند. او به هیچ وجه ساده‌انگاری مخاطب را نمی‌پذیرد و معتقد است در روزگاری که بسیاری می‌خواهند مخاطبان به آثار سطحی توجه کنند، هنرمند متعهد باید مخاطب و خواسته‌های او را بشناسد و با خلق آثار خوب، توجه همگان را به خود جلب کند. او در مقدمه خود در این مورد می‌نویسد: «تجربه نشان داده که آثار خوب مخاطبان خود را با روشنگری خواهد یافت و عرق ریزان روحی به بار می‌نشیند. اما درازی این درد جز به تربیت انسان مومن نیست. در پر تو معرفت، هنرمند درمی‌یابد که اسلامیت بر همه چیز رجحان دارد و هرگز شناسه دیگری جای آن را نخواهد گرفت.» این مولف سپس به نقد نواندیشی دینی با تعبیر خاصی که برخی به کار می‌برند، می‌پردازد چرا که دین در ذات خود به جز نواندیشی، هدف دیگری

گزیده نویسی یکی از سبک‌هایی است که همواره مورد توجه اهل قلم قرار داشته است. در این شیوه نگارشی، آنها به جای آن که به مطالب بلندپردازند، تلاش می‌کنند اندیشه‌های خود را در قالب جملاتی کوتاه بیان کنند. این شیوه نگارشی، هرچند ممکن است دشواری‌هایی برای فهم خوانندگان داشته باشد، اما آنها را از خواندن مضمون بلند می‌رهاند و این با توجه به مضیقه‌های زمانی خوانندگان امروزی می‌تواند نکته‌ای با اهمیت محسوب شود. از این رو توجه سید علیرضا شاهین در کتاب تصاویر بی رنگ به این مسئله را می‌توان از اولین نکات مثبت مندرج در کتاب برشمرد. او در جملاتی که در کتاب آورده، بیش از همه مفاهیم دینی را مورد توجه قرار داده و تلاش دارد با جملاتی کوتاه مفاهیمی مذهبی را بیان کند. او ضمن بیان این نکته که همه آرامش دنیوی و اخروی را باید در دنیای دینی جست، از فضای بی‌ابهام این دنیا می‌نویسد و می‌افزاید: «به یقین تنها مرجع ذی‌صلاحی که حق اظهار نظر محتوایی در حوزه فرهنگ و هنر را دارد دین است. هر گونه تزلزل در این پیوند مستحکم حاصل دوری از هدف آفرینش و غفلت از ره توشه طریق لقاء باری تعالی است. هنر در هر مرتبه‌ای تجلی ذات قدسی و حاصل لطایف عالم شهود است. اما آن که را بار امانت سنگین تر، و وظیفه ابلاغ خطیرتر و در وادی قرب محبوب تر است.» به گمان این هنرمند، دین و هنر دو عرصه جدانشدنی از هم هستند و چنانچه او معتقد است آثار تخریبی جدایی دین از هنر، کمتر از جدایی دین از سیاست نیست. او با اشاره به این نکته که اصولاً کنکاش در هر پدیده، بدون توجه به خاستگاه آغازین آن عبث و نافرجام است، در مقدمه‌ای که بر کتاب تصاویر بی رنگ نوشته آورده است: «چه بسیار مباحث مغالطه‌آمیزی که بدون اتصال به مبدأ و گسیخته از رشته‌های آسمانی، پیروانش را به مسقط ظلمانی خسران سوق می‌دهد و اگر ذکر مدام و توجه به مقصد غایی، تنها نسخه شفای دل‌ها و رهایی از بند نسیان و تعلقات مادی است، آیا هنر که باشکوه ذاتی خود بهترین ابزار انتقال مفاهیم عالی و جلای جان است و خالق اثر از دایره خودسازی به عرصه هدایت بشر پای می‌نهد، برای این تمهید سزاوارتر نیست؟» سید علیرضا شاهین، سپس به افراد فریبکاری

خواننده و نخواننده

سیامک انصاری و کتاب‌های دوست‌داشتنی اش

سالاد کتاب



سارا برومند: سیامک انصاری در طنزهای مهران مدیری اغلب نقش شخصیت فیهمی را برعهده دارد که می‌خواهد کمی متفاوت باشد. او در این کارها مخاطب را به تعمق وامی‌دارد؛ مخاطبی که آینه تمام‌نمای جامعه خود را در این طرح‌ها و کارها بازمی‌یابد. اما این که این شخصیت فیهمی چطور در بازی او رخ می‌نماید جای تامل دارد. آیا سیامک انصاری گستره مطالعاتش همین سمت و سورا دنبال می‌کند؟

سیامک انصاری به مشغولیات و دغدغه‌های خود اشاره می‌کند و می‌گوید: «در این روزها با فشارها و دغدغه‌های روزمره کمتر کتابی ناگهان به دنیای دیگری پرتمان می‌کند. کتاب‌های برخی از نویسندگان به لحاظ محتوایی و ساختار چنین امکانی را فراهم می‌کند.» انصاری برخی از آثار انتشارات کانون پرورش را به یاد می‌آورد که با طرح‌های ساده اما جذاب و تاثیرگذار، سیامک انصاری نوجوان را مرعوب خودش می‌کرد. کتاب‌هایی که مطالعه و کتابخواندن را برای او تبدیل به امری جدی می‌کند. این تاثیر تا جایی است که نام کتاب با نام فرشید مثقالی تصویرگر کتاب در هم می‌آمیزد و همیشه در ذهن سیامک انصاری باقی می‌ماند. بعدها کتاب «داستان راستان» هم به این کتاب‌ها اضافه می‌شود و یک نسل کتابخوان را می‌سازد. دوستان نزدیک سیامک انصاری مثل خود او از علاقه‌مندان شعر



با مهدی نصرالله زاده و «راهبردهای نمایشنامه نویسی جدید»

تنفس در سیاره تئاتر



مهدی نصرالله زاده از مترجمان جوانی است که تاکنون چند اثر مهم را ترجمه کرده است. پیش از کتاب «راهبردهای نمایشنامه نویسی جدید» از این مترجم کتاب «نظریه اجرا» اثر شکندر ایدیه ایم که بسیاری از تئاترشناسان آن را بوطیقای اجرا می دانند. «راهبردهای نمایشنامه نویسی جدید» اثری است که در بعضی جهات می توان آن را با «فن شعر» ارسطو مقایسه کرد. آنچه در پی می آید گفت و گویی با مهدی نصرالله زاده است.

کتاب به جز ویژگی های نظری دارای چه جنبه هایی است؟

این کتاب جنبه شگردشناسانه دارد و همین امر آن را در زمره کتاب های بلاغت شناسانه و آموزشی قرار می دهد اما تکیه به برخی مفاهیم کلیدی باختینی، به ویژه اصل محوری گفت و گو و نیز مفاهیم چندصدایی و چند آوایی در مقام تمییز این شگردها، به آن نوعی وحدت و جهت گیری وحدت یافته نظری بخشیده است. کتاب، مفاهیم و نظریه های نمایشنامه نویسی را تشریح نمی کند و بیش از آن بر شیوه های عمل تاکید دارد. کاستانیو در جای جای کتاب تمرین هایی برای خوانندگان وضع کرده است که تمایل اثر مذکور را به شیوه های عملی نشان می دهد. این گرایش از ابتدا و از عنوان کتاب پیداست.

نمایشنامه نویسان زبان چه کسانی هستند؟

نمایشنامه نویسان زبان یا نمایشنامه نویسان جدید که این کتاب روش و نگاه آنان را تبیین می کند، گروهی از نمایشنامه نویسان خلاق هستند که طی بیست سال گذشته وارد صحنه های تئاتر شده و قلمروی مهم و حیاتی را نیز در تئاتر آمریکا به خود اختصاص داده اند. آنان از دهه ۱۹۷۰ در نیویورک و خارج از آن آثار خود را اجرا و منتشر کرده اند و تاثیر فراوانی بر شیوه عمل و نظام تعلیم و تربیت نمایشنامه نویسی گذاشتند. اما به رغم تاثیر فوق العاده ایشان در حوزه تئاتر جریان اصلی، تا حد زیادی از این نمایشنامه نویسان غفلت شده و غالباً درباره این گروه پژوهش های انتقادی چندانی صورت نگرفته است. شیوه نگارش این نمایشنامه نویسان بیشتر در بهره گیری نامحدود آنان از قابلیت ها و ظرفیت های زبان متجلی شده است. مک ولمن، لک جنکین، اریک اورمایر و جفری جونز از جمله نمایشنامه نویسان برجسته جریان نمایشنامه نویسی زبان هستند. علاوه بر

این افراد نویسندگان دیگری چون ریچارد نلسون و تونی کوشنر در مراحل اولیه کار خود در این حوزه طبع آزمایی کردند، اما بعدتر به حوزه های دیگری که ضامن موفقیت های تجاری بیشتری بود وارد شدند. شماری از نویسندگان یادشده هدایت کلاس های نمایشنامه نویسی را نیز در سطح دانشگاه برعهده دارند.

شگردها و راهبردهای نمایشنامه نویسی جدید

از چه ابعادی مورد مطالعه قرار گرفته اند؟

پل کاستانیو نمایشنامه نویسی زبان را از دو منظر کلان مورد بررسی قرار داده است. او در یک نگاه کلی گونه نمایشنامه را از بعد ساختار و فرم بررسی می کند و در یک نگاه جزئی آن را از بعد زبان و شخصیت مورد مطالعه قرار می دهد. پشتوانه نظری کاستانیو در تحلیل این ابعاد نظریه های باختین است.

بنابر ارزیابی باختین، متن چند صدایی نظام تعاملی است که در آن هر عنصر با عناصر دیگر در گفت گو است و متن هر بخش در تعامل یا تضاد با بخش های دیگر است تا حس پویا و موثری از معنا و کشش بیافریند امری که نمی توان آن را به شیوه نمایشنامه های سنتی در قالب گزاره ای ساده یا قوسی شکل و وحدت یافته خلاصه کرد. صداهای چندگانه و غالباً متضاد، به متن گفت و گویی، آزادی عمل می دهند. در اینجا به جای یک راوی یا زاویه دید راویان متعدد با یکدیگر بر سر نقل داستان رقابت می کنند. حال کاستانیو

شیوه نمایشنامه نویسان جدید را از اساس گفت و گویی و چند صدایی می داند.

بعد تئاتری شخصیت در نمایشنامه نویسی جدید چه تغییراتی کرده است؟

در یک توضیح کلی راجع به نمایشنامه نویسی جدید باید گفت که روابط و اساساً ساختار در این نمایشنامه ها همانند نمایشنامه های ارسطویی ارگانیک نیست. نمایشنامه های زبان ساختاری چهل تکه دارند. به این معنی که تلاش می کنند عناصر مختلف و از جمله شخصیت ها را بدون رابطه ای ارگانیک با دیگر عناصر و شخصیت ها، کنار یکدیگر قرار دهند. در نمایشنامه نویسی دراماتیک یا ارسطویی شخصیت ها با پیشینه و ویژگی های روانی شان توصیف می شوند. حال آن که شخصیت ها در نمایشنامه نویسی جدید به صورت حاضر و آماده جدای سیر تکوین شان در اثر حضور پیدا می کنند. این گونه است که تحلیل شخصیت های نمایشنامه های زبان را نمی توان با نگاهی ارسطویی و با بوطیقای ارسطویی تحلیل کرد.

آیا این رویکرد، ما را به سوی شخصیت های

روایت های کهن رهنمون نمی کند؟

این رویکرد به زبان و شخصیت چنان گسترده است که ما را به سوی تمامی امکانات و ظرفیت های زبان رهنمون می شود؛ بنابراین می توان در این رویکرد از ویژگی های شخصیت پردازی در روایت های کهن نیز استفاده کرد. در کتاب نیز

اشاراتی به روایات و حکایات سنتی، داستان گویی کهن، فرم و ساختار و شخصیت های کهن وجود دارد؛ اما باید توجه کنیم که این شباهت میان شخصیت های نمایشنامه نویسان زبان و شخصیت های کهن، ذاتی نیست. چرا که در آن حکایات و روایات، مانند داستان های بلند مقاصد تعلیقی وجود دارد، در حالی که در نمایشنامه های جدید چنین هدفی دنبال نمی شود. چنان که اشاره شد، رویکرد نمایشنامه نویسی جدید هوای تازه ای در فضای نمایشنامه نویسی دمیده که امکان نفس کشیدن را به همه امکانات، حتی امکانات زبانی نمایشنامه های کهن می دهد.

به نظر شما سویه های نمایشنامه های جدید چه چیزهایی هستند؟

شاید یکی از ویژگی های بارز نمایشنامه های جدید این باشد که نمی توان در آنها عنصر مشترک یافت. حتی کتاب هم چنین ادعایی ندارد و تلاش می کند به شگردهای گروهی از نمایشنامه نویسان امروزی بپردازد. این امر که نمی توان در نمایشنامه های زبان عنصر و سویه های مشترکی یافت به خاطر ویژگی مکانیکی آنهاست. چرا که طی یک ساختار مکانیکی نمی توان به یک عنصر ویژه و خاص پرداخت. در این جا هم نگاه باختین چه در شیوه برخورد با موضوع و چه در شیوه نگارش وجود دارد. این نگاه متکثر که از ویژگی های نمایشنامه نویسان جدید است، موجب خلق نمایشنامه هایی چندصدایی شده که در آنها استراتژی خاصی دنبال نمی شود.

در نمایشنامه نویسی جدید چه تغییراتی در نظام گفت و گو به وجود آمده است؟

چنانچه می دانید در نمایشنامه های سنتی نظام سلسله مراتبی کنش، شخصیت، دیالوگ وجود دارد اما در نمایشنامه های زبان به جای نظام سلسله مراتبی، نظامی شبکه ای وجود دارد. تغییر این نظام موجب تفاوت و تغییر در نوع گفت و گو هم می شود، به این معنی که دیالوگ از کنش و شخصیت پیروی نمی کند. در نظام گفت و گویی سنتی، گفت و گو، دیالوگی است که حاوی کنش است و روندی دیالکتیکی را دنبال می کند. حال آن که در نظام گفت و گویی نمایشنامه های جدید گفت و گوها بر اساس دستورالعمل خاصی پیش نمی روند. نمایشنامه نویسان جدید اعتقاد ندارند که نمایشنامه دیالوگ است و برای آنها، دستور صحنه ها هم می تواند شامل ارزش های نمایشی به اندازه دیالوگ باشد.

جدید نه -روالی، ویژگی چند صدایی را که باختین برای ارزیابی برخی از رمان های روسی قرن نوزدهم به کار برد، دارا هستند. بدین ترتیب پایه های نظری کتاب، چنان که مولف نیز شرح داده در آرای باختین و نمایشنامه هایی است که آنها را به عنوان نمایشنامه های جدید یا زبانی می شناسیم. از دیگر ویژگی های اثر مذکور، مقدمه ای است که مترجم بر ابتدای کتاب افزوده است. در این مقدمه مترجم بدون آن که درباره اهمیت «راهبردهای نمایشنامه نویسی جدید» اغراق کند، با نثری مسحورکننده به تشریح مواضع، فرض ها و دیدگاه های کتاب می پردازد. از دیگر جنبه هایی که کتاب را به صورت اثری بارز در می آورد، آمیختن تحلیل های نظری با تمرین های عملی است. بدین ترتیب، کاستانیو تلاش کرده که ارزش های عملی، عینی و کاربردی تحلیل هایش را نشان دهد و خواننده مشتاق فراگیری فن نمایشنامه نویسی جدید را با ارائه تمرین های عملی، از حوزه نظریه به حوزه نمایشنامه نویسی نزدیک تر کند.

بازیگران تاریخ فکر بشر هستند اما هیچ کدام اثر مستقل و نظری برای تشریح تئاتر نه -روالی ننوشتند. گرچه در این میان آرتو با کتاب «تئاتر و هنر دانش» استثناست؛ اما باید پذیرفت که این کتاب به رغم فوایدش، ویژگی های یک اثر نظری پژوهشی را ندارد. از آن پس تاکنون آثار نمایشی بسیاری خلق شده اند که ویژگی های تئاتر ارسطویی و برشتی را ندارند و طبیعتاً باید آنها را نه -روالی بدانیم؛ اما کتاب های مستقل چندانی این گونه تئاتر را به صورت نظری تشریح نکرده اند تا بتوان به پشتوانه آن به بررسی این آثار نه -روالی پرداخت.

«راهبردهای نمایشنامه نویسی جدید» از کتاب هایی است که تلاش می کند با رویکردی زبانی مرزهایی روشن میان گونه های جدید تئاتر و سنت های اپیک و دراماتیک ترسیم کند. پل کاستانیو مولف کتاب مذکور در بررسی زبانی اش آرای باختین را سرلوحه کار خود قرار داده و سعی کرده تا نظریه یا نگاهی را که باختین در تحلیل رمان به کار می برد، در نمایشنامه نویسی به کار برد و نشان دهد که نمایشنامه های

بدرود با ارسطو و برشت



پرویز فنی پور، همزمان با هر جنبش و حرکت متمایز در حوزه هنر، نیازی اساسی به تبیین اصول نظری و توجیه عقلی این جنبش احساس می شود به طوری که در بسیاری مواقع هنرمندان خود به حوزه نظری پامی گذارند و تلاش می کنند برای باز نمودن زوایای پنهان و ارجمند جنبش جدید، دلیل بیاورند. به عنوان مثال برشت با نگاه داشتن

درباره تئاتر مرزهای این هنر را با تئاتر ارسطویی روشن کرد و پس از آن به این مرزها یورش برد و قلمرویی را ساخت که امروزه آن را به عنوان تئاتر برشتی یا حماسی می شناسیم. پس از برشت، باکونین، باختین و از همه مهم تر آنتون آرتو، آبخخوران گونه ای از تئاتر شدند که عنوان نه -روالی را به خود گرفت. آبخخوران این گونه، اگرچه از بزرگ ترین



با بهرام معلمی، مترجم کتاب «آونگ گالیله»

سکونت در جغرافیای زمان

اتفاقی من آن را برای ترجمه نخریده بودم و فقط آن را برای مطالعه شخصی انتخاب کردم. چون ناشران عموماً از این گونه کتاب‌ها استقبال نمی‌کنند و کسانی مثل آقای کاظمی مدیر نشر مازیار که آن هم به دلیل علاقه شخصی این کار را انجام می‌دهند، کم هستند. اما وقتی به فصل دوم رسیدم، دیدم چه دنیای عجیبی در این کتاب توصیف شده چون نگاه گالیله به آونگ کلیسا آنقدر واقعی است که افتادن سیب از درخت و نگاه نیوتن به آن!

نکته اصلی که از مطالعه این کتاب برای من روشن شد این است که جوامعی که اکنون در صنعت پیشناز هستند چیزی در آنها وجود داشته به نام «دقت!» و این دقت موجب شده که صنعتگران آنها به فکر ساختن ساعت بیفتند و از همان زمان رقابتی عجیب برای ساختن ساعت و دقت زمان سنجی آن ساعت‌ها وجود داشته است. البته موضوع فقط ساختن یک چیز ظریف نیست، موضوع ریشه‌ها و تأثیراتی است که موجب ایجاد این دقت و موفقیت آنها شده است. به همین دلیل به فکر افتادم که این کتاب را ترجمه کنم تا دیگران هم از آن استفاده کنند.

آونگ گالیله ترجمه نام اصلی کتاب است؟
بله. نام انگلیسی کتاب هم دقیقاً ترجمه آونگ گالیله (Galileo, spendulum) است.

در مورد نویسنده کتاب، آقای راجر جی نیوتن اطلاعات خاصی دارید؟

نیوتن فیزیکدانی است که در رشته خود چندین کتاب تألیف کرده است و تخصص او هم فیزیک ذرات بنیادی است البته با جست‌وجوهای که در اینترنت انجام دادم متوجه شدم فلسفه علم هم جذابیت‌هایی برای ایشان دارد و در این زمینه هم فعالیت‌هایی داشته‌اند.

فکر می‌کنید با این که در زمینه علم فیزیک به نسبت سایر علوم آثار بیشتری برای عموم ارائه شده، هنوز چنین کتاب‌هایی جذابیت داشته باشند؟

من اصلاً معتقد نیستم که کارهای زیادی انجام شده. شاید دو درصد از کتب علمی ما درباره فیزیک باشند. در ضمن هرچه هم کار شده در زمینه کتب درسی است. بخشی از شیمی وارد مباحث فیزیک شده و بخشی از آن هم وارد صنعت و بیشتر مطالب در این دو مقوله است. در مورد زیست‌شناسی هم همین‌طور است و کتاب‌ها تلفیقی از شیمی، فیزیک و نجومند. در مورد ریاضی هم بیشتر آثار به مباحث پایه علوم کامپیوتر و کاربرد آن اختصاص دارد اما در مورد فیزیک هنوز خیلی جای کار هست و به نظر من باید سیل کتاب‌ها به بازار سرازیر شود و حتی جوانان به صورت فیلم یا برنامه‌های علمی دیگر از مباحث این علم استفاده کنند.



بحث توزیع آن پیش می‌آید. برای ایجاد شرایط بهتر و مناسب‌تر در راستای توزیع این گونه کتاب‌ها نظر و پیشنهاد خاصی دارید؟

جواب کاملاً واضح است که وضعیت توزیع کتاب‌های علمی آن هم از نوع عمومی آن باید متحول شود زیرا اغلب در حوزه کتب علمی عمومی، ناشر لطمه می‌بیند، از طرفی ما هم عادت نداریم برای کتاب‌هایمان تبلیغ کنیم. از آنجا که دولت در بیشتر امور حضور پررنگی دارد و رسانه ملی به عنوان یک مرجع دولتی بسیار توانمند می‌تواند معرفی و تبلیغ این گونه کتاب‌ها باشد و مخاطب را به خواندن آنها ترغیب و تشویق کند، من تبلیغ در رسانه ملی را بهترین روش برای معرفی کتب می‌دانم در صورتی که در این زمینه رسانه ملی ضعیف عمل می‌کند و فقط گاهی در بعضی ساعات کتاب‌هایی معرفی می‌شوند.

روندی که در کتاب آونگ گالیله پیش گرفته‌اید روند داستانی و جذابی است. نظر شما راجع به این شیوه نوشتن در کتاب‌های علمی چیست؟

این روش باعث می‌شود خواننده بتواند به سوالاتی که در مورد مفهوم زمان در ذهنش به وجود آمده پاسخ دهد علاوه بر آن درک عمیق و ملموس‌تری از مفهوم زمان را به وجود آورد. با اصل این کتاب چگونه آشنا شدید؟
آن را از نمایشگاه کتاب سال ۸۳ خریداری کردم. چه جذابیتهایی در کتاب دیدید که آن را انتخاب و ترجمه کردید؟

چرا باد می‌وزد؟ عنوان کتاب دیگر من است که موضوع آن درباره هواشناسی و محیط زیست و گرم شدن زمین است. کتاب حدود دو ماه دیگر وارد بازار خواهد شد. من در زمینه فیزیک در حال ترجمه کتابی هستم با عنوان انیشتین به آرایشگر خود چه گفت؟ این کتاب درباره فیزیکدانی است که به سوالات نوجوانان و جوانان تا سال اول دانشگاه در زمینه فیزیک و علوم پایه جواب می‌دهد. نام جالب کتاب هم به این خاطر است که علم، اذهان را پریشان و درگیر می‌کند و در افکار سوالاتی ایجاد می‌کند و آرایشگری لازم است که این آشفتگی را آرایش دهد، یعنی به سوالات پاسخ دهد تا ذهن مشوش و پرسوال مخاطب آرام گیرد.

چرا به سمت کتاب‌های علم برای همگان روی آوردید و به طور کل وضعیت این گونه کتاب‌ها را چطور ارزیابی می‌کنید؟

فکر می‌کنم ما در مرحله‌ای هستیم که کمبود مطلق علمی داریم و در حال حاضر این کمبود خیلی به چشم می‌آید علاوه بر آن خیلی قبول ندارم که اینترنت و رسانه‌های جمعی به ترویج علم و اشاعه فرهنگ کمک می‌کنند و معتقد نیستم که مراجع خوبی برای آموزش به جوانان هستند. به نظر من کتاب به حوزه علم کمک می‌کند و باید هم و غم خود را روی متون علمی و این گونه کتاب‌ها بگذاریم و روی آنها کار کنیم.

آقای معلمی! بعد از بحث تدوین کتب علمی،



هر چه که می‌دانیم و هر آنچه که در این جهان رخ می‌دهد، همه و همه بر اساس مقیاسی به نام زمان ثبت شده است و هنگامی که از تاریخ بحث می‌شود خواه ناخواه زمان است که به دنبالش می‌آید. اما خود زمان هم تاریخی دارد که مورد توجه یک استاد فیزیک به نام راجر نیوتن قرار گرفته است. این نویسنده کتابی نوشته و در آن داستان زمان را که چگونه بشر به روش‌های گوناگون آن را اندازه می‌گرفته شرح داده و در ضمن آن یافته‌های مشهور گالیله درباره آونگ‌ها را نیز مطرح می‌کند. ترجمه این کتاب به تازگی توسط نشر مازیار وارد بازار کتاب شده است. مترجم این کتاب بهرام معلمی است. وی که جایزه کتاب سال فیزیک را در بخش ترجمه در سال ۷۵ برای کتاب «دینامیک کلاسیک» و در سال ۷۸ برای کتاب «سیستم‌ها و ذرات از آن خود کرده، در زمینه فیزیک تا مقطع کارشناسی تحصیل کرده و به شکل تخصصی در زمینه ترجمه کتاب‌های حوزه فیزیک و زیست‌فعالیت می‌کند.

از آنجا که حوزه فعالیت شما فیزیک است، اولین سوالی که به ذهن می‌رسد این است که چطور شد کتابی در قلمرو علم برای مخاطب عام ترجمه کردید؟

فعالیت من در مرکز تخصصی نشر دانشگاهی است و اغلب روی کتب درسی و تخصصی کار می‌کنم اما کتاب‌های علم برای همگان را هم مطالعه و ترجمه می‌کنم. از جمله سرگذشت شگفت‌کوانتوم، شناخت الکترونیک دنیای گالیله و نیوتن، شش نظریه‌ای که جهان را تکان داد و ... این کتاب هم جزو همین دسته از کتاب‌هاست که نسبت به ترجمه آن اقدام کردم.

شما در زمینه زیست‌شناسی و محیط‌زیست هم کتاب ترجمه شده دارید؟

بله. حدود ۱۶-۱۷ سالی هست که به شاخه محیط‌زیست وارد شده‌ام و فکر می‌کنم محیط‌زیست و فیزیک ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و فیزیک در محیط‌زیست خیلی دخیل است. ضمن آن که علاقه شخصی من به محیط‌زیست هم باعث شده به سمت این حوزه بروم و معتقدم اگر برخی به محیط‌زیست آسیب می‌زنند به این علت است که نسبت به این حوزه آگاهی لازم را ندارند و اگر کمی بیشتر درباره‌اش می‌دانستند به آن ضربه نمی‌زدند، بنابراین سعی دارم با ترجمه کتبی در این زمینه به پیشرفت آگاهی عمومی کمک کنم.

آیا کتاب‌های دیگری نیز در این زمینه در دست ترجمه دارید؟

معرفی کتاب

مروری بر «دیرینه‌شناسی گیاهی»

گیاهان در باغ تاریخ



دیرینه‌شناسی گیاهی عنوان کتابی است که توسط انتشارات مرکز نشر دانشگاهی به چاپ رسیده است. نویسنده کتاب دکتر فاطمه واعظ جوادی است که در حال حاضر ریاست سازمان حفاظت محیط‌زیست را بر عهده دارد. ویراستاری کتاب هم به عهده دکتر سروش مدبری بوده که دانش آموخته رشته زمین‌شناسی است و کتاب‌های متعددی را در این زمینه ترجمه کرده است.

این فصل مقدمه‌ای برای چگونگی شناسایی گیاهان فسیل در نظر گرفته شده تا دانشجویان با دیدگاهی علمی به رده‌بندی و تشخیص تفاوت‌های گیاهان بپردازند.

فصل اول کتاب هرچند در هفت صفحه خلاصه شده ولی همین خلاصه به عنوان یک بخش مرجع برای این کتاب تلقی می‌شود. نویسنده کتاب در هشت فصل بعدی کتاب رده‌بندی گیاهان را شرح داده است.

نکته قابل توجه درباره این کتاب اشکال متعدد و ذکر منابعی است که نویسنده در پایان هر فصل قسمتی را به آن اختصاص داده است. اکثر این منابع مربوط به دهه ۱۸۲۰ تا سال ۲۰۰۳ هستند که دکتر واعظ جوادی برای تألیف این کتاب استفاده و برای مطالعه بیشتر به دانشجویان زیست‌شناسی و زمین‌شناسی که مخاطبان اصلی این کتاب هستند معرفی کرده است.

دانش دیرینه‌شناسی در واقع تجزیه و تحلیل فسیل‌های حفظ شده از پوسته زمین است. با مطالعه پیشینه‌های سنگی می‌توان شرایط زنجیره حیات را در زمان‌های مورد نظر مشخص کرد و به دلایل شکوفایی و یا نابودی آن دست یافت.

توسط این دانش بسیاری از رازهای طبیعت را هویدا کرده است و این مسئله یعنی کاربرد دیرینه‌شناسی برای حل مسائل و مشکلات موجود در جمعیت‌های جانوری و گیاهی را افزایش می‌دهد.

در پیشگفتار کتاب هم به این نکته تصریح شده که موضوع این کتاب با وجود اهمیت علمی و کاربردهای آن هنوز در جامعه علمی به جایگاه اصلی خود نرسیده است.

نویسنده نبود یک کتاب جامع و کامل در این زمینه و تعداد اندک متخصصان این حوزه را از جمله دلایل این امر ذکر می‌کند.

کتاب دیرینه‌شناسی گیاهی با شناسایی گیاهان آغاز می‌شود. در



لعیا درفشه

سبب شناسی و درمان ترس های مرضی نوشته مهناز حاجلو که به تازگی از سوی انتشارات قصیده منتشر شده کاوشی است درباره آنچه روان شناسان از آن با عنوان فوبیا (phobia) یا ترس های مرضی نام می برند؛ ترس هایی غیرمنطقی و بیمارگونه که گاه موجب مختل شدن زندگی عادی یک فرد می شوند و در صورت کنترل نشدن به اختلالاتی مزمن تبدیل می شوند که گاه اختلالات دیگری نظیر افسردگی را نیز به دنبال دارند. از آنجا که - به رغم شایع بودن این اختلال - آثار معدودی را می شناسیم که به طور مستقل به این موضوع پرداخته باشند برای آشنایی بیشتر با این کتاب با نویسنده آن به گفت و گو نشستیم. مهناز حاجلو متولد ۱۳۵۸ و فوق لیسانس روان شناسی بالینی است که علاوه بر کار مشاوره، دستی هم در نگارش و ترجمه آثار روان شناسی دارد و از جمله آثار قلمی او می توان به "راه های کاهش استرس"، "تحلیل نقاشی کودکان"، "قصه درمانی برای بچه ها" و "افزایش اعتماد به نفس" اشاره کرد.

«سبب شناسی و درمان ترس های مرضی» در گفت و گو با مهناز حاجلو

ترس و لرز ممنوع!



این کتاب در نگاه اول شباهت های زیادی به کتاب "فوبی" اثر دانلد گودین با ترجمه دکتر نصرت الله پورافکاری دارد. کتاب شما به عنوان یک اثر جدید شامل چه مولفه هایی است؟

درباره تفاوت این دو کتاب باید بگویم که منابعی که ما برای نگارش این کتاب جمع آوری کردیم منابع گسترده تری بود. در این کتاب حدوداً از ۵۶ منبع و مرجع استفاده کرده ایم در صورتی که کتاب گودین غالباً اطلاعات قدیمی را شامل می شود. این کتاب ضمن این که مفصل تر است بیشتر بر مسائل کاربردی تکیه کرده تا نظری، یعنی تمرکز اصلی ما در گردآوری این کتاب، بر شیوه های جدید درمانی بود به خصوص تمرین های رفتاری که در ارتباط با ترس های فرضی توصیه می شوند، تکنیک هایی غالباً کاربردی هستند که هم ساده ترند و هم زودتر به نتیجه می رسند برای مثال شیوه ای وجود دارد به نام حساسیت زدایی منظم یا تدریجی که یک شیوه کاملاً رفتاری است و به فرد یاد می دهد با وجود اضطراب هایی که دارد به منبع ترس نزدیک شود البته پیش از نزدیک شدن به منبع ترس نیز از یک سری تکنیک های دیگر برای کاهش اضطراب بهره می گیریم مثل ریلکسیشن یا تن آرامی. به این ترتیب یک سری پله ها و مراحل خاص هست که فرد باید برای از میان بردن ترس هایی که دارد آنها را یکی یکی پشت سر بگذارد، در کنار اینها ما دماسنجی داریم به نام دماسنج ترس به این معنا که فرد برای خودش دماسنجی فرضی درست می کند و هر مرحله ای را که پشت سر می گذارد سعی می کند با نزدیک شدن به منبع ترس، خود را به انتهای درجه دماسنج نزدیک کند.

گفتید حدوداً از ۵۶ منبع استفاده کرده اید. چرا هیچ یک از این منابع در کتاب ذکر نشده اند؟

فهرست منابع تهیه شده بود و قرار هم بود که در پایان کتاب چاپ شود اما به دلیل اشتباهی که رخ داد منابع ذکر نشد. اشتباهی که رخ داد این بود که من همزمان دو کتاب را به ناشر تحویل دادم که منابع این کتاب به اشتباه در پایان کتاب دیگر آمد و متأسفانه این کتاب بدون ذکر منابع چاپ شد.

شما گفتید این کتاب یک کتاب کاربردی است در صورتی که در مورد اختلالی مثل فوبی قول مشهور این است که مهم ترین بخش درمان، رسیدن بیمار به نوعی بینش و بصیرت در مورد خود - و غالباً گذشته خود - است یعنی اصلاً درمان در ذات این بینش است و به موازات تحقق آن، بیماری هم درمان می شود، به این ترتیب فکر نمی کنید اصطلاح کاربردی برای این کتاب قدری اغراق آمیز باشد؟

اگر منظورتان این است که باید سراغ رویکرد روانکاوی برویم باید بگویم خود روانکاوان که فریاد سردمدارشان بود ابتدا بر این باور بودند که وقتی فرد به بینش یا بصیرت نسبت به عامل ایجادکننده بیماری اش برسد خود به خود درمان هم می شود ولی سال ها بعد خود فریود متوجه شد که رسیدن به این بینش لزوماً مشکل بیمار را حل نمی کند البته در این که این بینش از اهمیت بالایی برخوردار است هیچ شک نیست اما موضوع این است که به تنهایی قادر به حل مسئله نیست، یعنی ضمن این که به پالایش روانی فرد کمک می کند اما لزوماً درمان نهایی را به دنبال ندارد. بنابراین استفاده از تکنیک های خیلی ساده - منظور از سادگی، سطحی بودن نیست - در مدت

حضرت امیرالمومنین علی (ع) در نهج البلاغه جمله ای دارند و می فرمایند: ترس آفت زندگی است. در فرهنگ ما و مشخصاً در احکام و احادیثی که به ما رسیده توصیه شده که ترس ها را بشناسید و بعد آنها را بر طرف کنید که اگر این کار را نکنید آفتی برای زندگی تان می شود. من ریشه ترس را خیلی مربوط به فرهنگ نمی دانم و معتقدم بیشتر باید به تفاوت های فردی توجه کرد و افراد هر جامعه را با خودشان مقایسه کرد. ضمن این که فکر می کنم در این زمینه به یک تحقیق کارشناسانه نیاز داریم. واتسون در این زمینه اعتقاد جالبی دارد. او می گوید انسان ها وقتی به دنیا می آیند با دو ترس کاملاً ذاتی و طبیعی روبه رو هستند؛ یکی ترس از صداهای بلند و دیگر، ترسی که بچه ها هنگام جدا شدن از یک آغوش را دارند، یعنی این که احساس کنند تکیه گاهی ندارند. ترس به طور ذاتی در وجود انسان هست. ضمن این که روان شناسان معتقدند ترس ها با توجه به نوع سن و جنس هم متفاوتند مثلاً بعضی ترس ها با توجه به نوع سن کاملاً طبیعی است مثل این که یک کودک یک ساله از این که از والدینش جدا شود می ترسد اما همین ترس ها در سن دیگری مثل سن دوازده سالگی دیگر طبیعی نیست.

در مجموع، کتاب هایی که تا به حال درباره ترس تالیف یا ترجمه شده اند را چطور ارزیابی می کنید؟ تا آنجا که به مطالعات من مربوط می شود و همچنین با توجه به منابعی که به آنها دسترسی داشتم فکر می کنم برخی از این کتاب ها یا به نظریه های پرداخته اند و تکنیک ها را جسته گریخته آورده اند و یا در برخی کتاب ها صرفاً به ارائه چند مدل درمانی پرداخته اند و از نظریه ها غافل شده اند. تمام سعی من این بود که در هر فصل اطلاعات جامعی را بکنجانم تا افرادی که علاقه مند به مطالعه در این زمینه هستند بتوانند در کمترین حجم به اطلاعات جامعی دست پیدا کنند.

مراجعاتی که حتی تحصیلات روان شناسی ندارند بسیار ضروری است چرا که به فرد کمک می کند در تعداد جلسات محدودتری با کمک این کتاب - که در واقع بر اساس پایه های علمی نوشته شده - بتواند مشکلش را در رابطه با ترس هایی که دارد حل کند. الگوهای فرهنگی تا چه حد در تعیین نوع ترس ها دخالت دارند؟

محدودتری می توانند درباره درمان عمیق تری برسانند. مطالعه این کتاب برای افرادی که دچار ترس های مرضی هستند تا چه حد می تواند مفید و راهگشا باشد؟

در پاسخ این سوال این نکته را یادآور می شوم که من به دلیل تجربه ای که در کار بالینی در کلینیک های مشاوره داشتم به این نتیجه رسیدم که وجود چنین کتابی برای

تئوری ترس

فاطمه صبحی: در میان اختلالات روان شناختی، ترس (phobia) جزو اختلالات شایعی است که از نظر مصادیق کمی، دامنه ای گسترده دارد و همین گستردگی و میزان شیوع آن در همه نقاط دنیا باعث شده روان شناسان اهتمام ویژه ای در به کارگیری راهکارهای عملی و نظری در این زمینه داشته باشند که ماحصل آن نگارش کتاب هایی است که با هدف آموزش تکنیک ها و ارائه رویکردهای مختلف درمانی سعی در کاهش کمی و کیفی این اختلال دارد. آنچه تاکنون در کشور ما درباره موضوع ترس نگاشته شده غالباً به صورت فصلی از یک کتاب جامع و مرجع روان شناسی بوده که همین کتاب های مرجع هم غالباً آثار ترجمه ای هستند. صرف نظر از این که موضوع ترس تا چه حد می تواند تابع الگوهای فرهنگی باشد، ضرورت نگارش کتاب هایی که به طور مستقل به این اختلال بپردازند و با توجه به مصادیق عینی و گوناگون آن را طرح کنند همچنان وجود دارد. تجربه روان شناسان نشان می دهد که شناخت موضوع های ترس و رسیدن فرد به بینش و بصیرت در ارتباط با موضوع ترس می تواند تا حد قابل قبولی این اختلال را کنترل کند از این رو تردیدی نیست که نگارش و چاپ کتاب هایی که بتواند به شکلی ساده تکنیک های عملی پیشگیری و مقابله با این اختلال را در اختیار خواننده قرار دهد حائز اهمیت است. کتاب سبب شناسی و درمان ترس های مرضی نوشته مهناز حاجلو نیز که به تازگی در جرگه آثار روان شناسی قرار گرفته، به نظر می رسد به دلیل استقلال موضوعی، کتابی قابل تامل است. گرچه این کتاب نوعی گردآوری از منابع فارسی ترجمه ای است که پیش از این به صورت ضمیمه دیگر موضوعات در کتاب های مرجع روان شناسی آمده اند. این کتاب که در چهار فصل تنظیم شده، پس از مقدمه در فصل اول به ارائه تعریفی از مفهوم ترس، فطری یا اکتسابی بودن آن، شیوع ترس و الگوهای پاسخ بدنی و تجربه هیجانی ترس پرداخته است. در فصل دوم با نگاهی اجمالی بر اختلالات اضطرابی عواملی نظیر علائم و اختلالات همراه، الگوی خانوادگی، همه گیری شناسی، اختلال هراس، حمله هراس، یافته های معاینه فیزیکی و حالات طبی عمومی همراه و ... مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم به سبب شناسی ترس های مرضی با ارائه رویکردهای روان پویایی، رفتاری، اجتماعی و کردار شناسی پرداخته و فصل چهارم در نهایت به موضوع پیشگیری و درمان ترس های مرضی و تکنیک های لازم در این زمینه اختصاص یافته است.

کمک های اولیه در ورزش؛ ضرورتی انکار ناپذیر برای مربیان

اول بخوانید، بعد مراقب باشید

شامل آناتومی پایه و اصطلاحات کمک های اولیه است آموزش داده می شود.

یکی از مباحث مهم این کتاب، آموزش ارزیابی صدمات ورزشی است و سپس در فصل بعدی راهنمایی های لازم در مورد روش های انجام مراقبت های اولیه و اضطرابی ارائه می شود.

در فصل بعد، به خوانندگان آموزش داده می شود که در صورت لزوم، چگونه یک ورزشکار مصدوم را با بیشترین ایمنی حرکت دهند. در بخش سوم که بیماری ها و صدمات در آن معرفی می شود، صدمات جدی و شدیدی مانند مشکلات گردش خون و تنفس، آسیب های سر و گردن و ستون فقرات، صدمات اندام داخلی، بیماری های گوناگون و بیماری های مرتبط با درجه حرارت محیط بررسی می شود.

در فصول پایانی کتاب، مطالبی برای تشخیص و انجام کمک های اولیه برای صدمات شایع تر ورزشی مانند صدمات اسکلتی، عضلانی و آسیب های صورت و پوست آموزش داده می شود. البته نویسنده این کتاب با وجود این که بر کاربردی بودن مطالب تاکید فراوانی دارد، به شدت اصرار می کند که آموزش های ارائه شده در این کتاب هنگامی کامل می شود که خواننده برای درک بهتر، در کلاس های عملی آموزش کمک های اولیه هم شرکت کند.

طرح ها، تصویرها و جداول آماری موجود در این کتاب، ارزش علمی و جنبه کاربردی این اثر را تا حد زیادی بالا برده است. در پایان کتاب نیز دو ضمیمه ذکر شده است. ضمیمه اول به تمرین های کششی برای پیشگیری از صدمات مربوط می شود و در ضمیمه دوم واژه نامه ای درباره صدمات ورزشی به صورت لاتین و فارسی آورده شده است. محسن ثالثی که ترجمه ویراست دوم این کتاب را بر عهده داشته است، این روزها سرگرم ترجمه ویراست سوم این اثر است. کتاب کمک های اولیه در ورزش را نشر علم و حرکت در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه با ۲۳۰ صفحه و قیمت ۴۰۰۰ تومان روانه بازار نشر کرده است.



مربی ارائه می کند، انتظارات والدین و موارد قانونی را به طور کامل توضیح می دهد. خوانندگان همچنین با پزشکان، متخصصان فوریت های پزشکی، فیزیوتراپ ها و پزشککاران ورزشی در این فصل آشنا می شوند.

در فصل دوم، نحوه کمک در هنگام بروز صدمات ورزشی و موارد پیشگیری آموزش داده می شود.

در این فصل توضیح داده می شود که یک مربی چگونه با تمرین فنون کمک های اولیه و احیای قلبی - ریوی، بالا بردن آمادگی جسمانی ورزشکاران برای مسابقه، تجهیز ورزشکاران با وسایل حفاظتی مناسب، تاکید بر اجرای تکنیک های صحیح ورزشی و اعمال قوانین ایمنی در هنگام تمرین و مسابقه می تواند بهترین محیط را برای ورزشکار فراهم کند. سپس اصول بنیادین کمک های اولیه در ورزش که

کمک کنند. در مقدمه بخش اول این کتاب آماری نسبتاً قدیمی ارائه شده است که بر ضرورت یادگیری کمک های اولیه از سوی مربیان ورزشی تاکید می کند. فلیگل در

این بخش می نویسد: در یکی از کشورها ورزشکارانی که مدراس آنها از یک پزشککار ورزشی تایید شده سوئد نمی جست، میزان بروز آسیب مجدد ورزشکاران ۷۱ درصد بوده، در حالی که در مدراس دارای پزشککار تایید شده ورزشی، این میزان فقط ۳ درصد بوده است.

بخش اول این کتاب خوانندگان را با کارگروهی و تمهیدات لازم برای تاثیر گذاری برنامه کمک های اولیه در ورزش آشنا می کند و خوانندگان در مورد نقش مربی در گروه طب ورزشی مطالبی را می آموزند. این فصل علاوه بر این که تعریفی مشخص از سطح توقع دیگران در مورد نحوه ایفای نقش یک



و طرز ساخت نوشابه انرژی زا توضیح داده شده است.

بهداشت کوهستان نیز در این کتاب از جایگاهی ویژه برخوردار است و بهداشت پوست و مو، چشم، دهان و دندان و دستگاه های تنفسی، ادراری و گوارشی را دربرمی گیرد. ارائه راهنما برای صعودهای بلند به کوهنوردان کمک می کند که با کمترین خطر به منظور خود دست یابند و حسن پور نیز از این موضوع در کتابش غفلت نکرده است. یک کوهنورد به کرات نیاز پیدا می کند که جهت رفت و آمد خود را در جریان صعود ارزیابی کند، به همین دلیل ضرورت دارد که بتواند درست جهت یابی کند. در این کتاب جهت یابی با استفاده از پدیده های طبیعی، جهات اصلی و فرعی و انواع جهت یابی در روز و شب تشریح شده است.

از دیگر بخش های این کتاب می توان به برنامه ریزی و طراحی برنامه های کوهنوردی، هنر سرپرستی کردن، اعلام برنامه و تشکیل گروه، تدارکات و تقسیم کار، حرکات و اجرای برنامه، وظایف افراد در مقابل گروه، اصطلاحات کوهنوردی، آشنایی با کوه های ایران و جهان و بلندترین قله جهان اشاره کرد. کتاب آموزش کوه پیمایی و کوهنوردی از مقدماتی تا پیشرفته در شمارگان ۳۰۰۰ نسخه در قطع وزیری با قیمت ۱۰۰۰ تومان از سوی نشر باهداد کتاب منتشر شده است.

نگاهی اجمالی به کتاب «آموزش کوه پیمایی و کوهنوردی از مقدماتی تا پیشرفته»

برگ برگ تا قله

تشریح کرده و در قالب آن اصول اولیه راه رفتن در کوهستان یا کوه پیمایی توضیح داده شده است. از آنجا که نگارنده این کتاب قصد دارد ورزش کوه پیمایی و کوهنوردی را از سطح مقدماتی تا پیشرفته آموزش دهد، لذا حتی به نحوه قدم برداشتن صحیح در کوهستان نیز پرداخته است.

تجربه کوهنوردان مبتدی و حرفه ای نشان می دهد که گاهی حرکت کردن در سرازیری ها به مراتب سخت تر و خطرناک تر از حرکت در سربالایی های تند است. به همین دلیل حسن پور در بخشی از این کتاب به آموزش نحوه حرکت در سرازیری می پردازد. تنفس صحیح در کوه، ایمنی در کوهستان و

راه رفتن روی برف و یخ بخشی دیگر از موارد آموزشی این کتاب را تشکیل می دهند.

یکی از موضوعات حیاتی در جریان کوه پیمایی و کوهنوردی، تغذیه در کوهستان است که در این کتاب در قالب موضوعاتی چون مصرف کالری بدن، مواد سوخت و ساز بدن، مصرف آب و مایعات

کامل عموم مردم از فنون این ورزش، مرا بر آن داشت که به تهیه این کتاب بپردازم تا وظیفه خود را به عنوان یک معلم و مسئول انجام دهم.

آموزش مقدماتی کوهنوردی، اولین مبحث این کتاب است که در آن مراحل ورزش کوهنوردی و اصول اولیه این رشته تشریح می شود.

همچنین توضیحات کاملی درباره وسایل و ابزار کوهنوردی ارائه می شود. البته از وسایل سنگ نوردی و وسایل فنی یخ و برف نوردی نیز سخن به میان می آید. عوامل موثر در راه پیمایی، بخش مهمی است که نویسنده کتاب اهمیتی ویژه به آن داده است. حسن پور در این بخش ابتدا به بیان تعیین سرعت

راه پیمایی و درستی آن می پردازد و سپس از آن توضیح می دهد که چگونه می توان روشی مناسب برای تنظیم سرعت راه پیمایی و ذخیره کردن انرژی در بدن اتخاذ کرد؛ موضوعی که در جریان راه پیمایی در محیط کوهستان بسیار با اهمیت است. وی حتی چگونگی حرکت در راه پیمایی های طولانی را نیز



اگر می خواهید بدانید که یادگیری کمک های اولیه در ورزش چقدر اهمیت دارد، کافی است این چند جمله را بخوانید: هر ساله در آمریکا بالغ بر ۵/۲۵ میلیون دانش آموز دبیرستانی در فعالیت های ورزشی مختلف شرکت می کنند. انجمن پزشککاران آمریکا (NATA) گزارش می کند که بیش از یک پنجم این ورزشکاران (حدود ۷۳ میلیون نفر) بر اثر شرکت در ورزش های مختلف آسیب می بینند. قسمت اعظم این صدمات (۶۲ درصد) در هنگام تمرین رخ می دهد، یعنی زمانی که پرسنل پزشکی مانند پزشکان و پزشککاران ورزشی معمولاً حضور ندارند. در نتیجه شما به عنوان یک مربی مسئول مستقیم کمک رسانی به ورزشکار مصدوم مطرح هستید.

با خواندن همین چند جمله، تا حد زیادی به اهمیت آشنایی یک مربی ورزشی با کمک های اولیه پی می برید. در حقیقت یک مربی و حتی یک ورزشکار باید با کمک های اولیه تا حد زیادی آشنا باشند. کتاب کمک های اولیه در ورزش اثر ملیندا جی. فلیگل کمک های اولیه را به صورت تئوری آموزش می دهد و نویسنده آن اعتقاد دارد که حفظ سلامتی و بقای ورزشکار به عنوان سرمایه ملی برای تداوم قهرمانی در آینده، از ضروریات است.

محسن ثالثی - عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز - که ترجمه ویراست دوم این کتاب به فارسی را انجام داده است، انگیزه خود را از این کار، نبود یک منبع معتبر برای جامعه دانشگاهی علوم تربیت بدنی و ورزشی و همچنین نبود کتابی کاربردی آموزشی در حوزه کمک های اولیه برای مربیان ورزشی می داند. طراحی کتاب به گونه ای است که در سه زمینه افزایش سطح دانش مرتبط با صدمات ورزشی، تشخیص آسیب های رایج در ورزش و انجام کمک های اولیه متناسب با نوع صدمه به مربیان ورزشی کمک می کند.

فلیگل معتقد است که مربیان باید یادگیری کمک های اولیه در ورزش، بهتر می توانند به ورزشکاران مصدوم

کوهنوردی را می توان یکی از سالم ترین، کم هزینه ترین و سودمندترین ورزش ها دانست که علاوه بر پرورش جسم و روح انسان، به آشتی دوباره اشرف مخلوقات با طبیعت کمک می کند. این رشته ورزشی آنچنان جذاب است که افراد مختلف در تمامی رده های سنی از کودکان گرفته تا کهنسالان را جذب خود می کند.

واقعیت این است که کوه پیمایی و کوهنوردی دارای اصول و روش هایی است که دانستن آنها مانع بروز بسیاری از مخاطرات و مضرات می شود و لذت این ورزش مفرح را دوچندان می کند.

در کتاب آموزش کوه پیمایی و کوهنوردی از مقدماتی تا پیشرفته که توسط غلامحسین حسن پور به رشته تحریر درآمده، این اصول و روش ها به صورتی کاملاً علمی بیان شده است.

حسن پور نیز بر لذت بردن هر چه بیشتر از طبیعت با دانستن اصول و مبانی کوه پیمایی و کوهنوردی تاکید دارد و در مقدمه کتاب این گونه می نویسد: ورزش مفرح کوهنوردی از دیرباز مورد توجه علاقه مندان به طبیعت و کوهستان بوده و در چند سال اخیر شدت بیشتری گرفته است. رشد روزافزون گروه های کوهنوردی در بین زنان، مردان، دانشجویان، دانش آموزان و اقشار مختلف مردم و علاقه مندی آنها به برنامه های کوه پیمایی و لذت بردن از مواهب زیبای الهی در طبیعت و عدم آگاهی



نگاهی به «بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه پردازی ها»

انقلاب اسلامی به روایت نظریه پردازان



بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه پردازی ها از تازه ترین کتاب های گروه مطالعات انقلاب اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و مطالعات اجتماعی است که حاصل دو سال تحقیق و پژوهش دکتر مصطفی ملکوتیان است.

این کتاب به موضوع بازخوانی فرضیه های علل وقوع انقلاب اسلامی پرداخته و در آن فرضیه های مطروحه با پردازش های متنوع نویسندگان و تحلیلگران انقلاب اسلامی جمع آوری، نقد و ارزیابی شده است. نویسنده هدف از نگارش این کتاب را باز کردن راهی برای شناخت دقیق تر و علمی تر پدیده انقلاب اسلامی می داند. از همین روز از هفت دسته دیدگاه ها و نوشته های فرهنگی، جامعه شناختی، روان شناختی، اقتصادی، سیاسی، ترکیبی و سایر نوشته ها برای تحلیل علل و عوامل موثر در شکل گیری انقلاب بهره گرفته است و معتبرترین فرضیه ها را برگرفته از دیدگاه های فرهنگی می داند.

این کتاب به یک رهیافت تمام عیار فرهنگی معتقد است و نقش عوامل فرهنگی چون آموزه های انقلابی اسلام و مذهب تشیع، نهضت عاشورا، نهضت های اسلامی در تاریخ ایران و سایر کشورهای اسلامی، نقش روحانیت و انجمن های اسلامی، نقش قاطع امام خمینی (ره) در تدوین راهبردها و تاکتیک های انقلابی، تلاش نیروهای مذهبی در دهه های آخر حکومت شاه در مبارزه با القائاتی مانند جدایی سیاست از دین و ناسازگاری علم و دین را پررنگ توصیف می کند.

فصل اول که به آسیب شناسی دیدگاه های نویسندگان پرداخته ابتدا از غافلگیری نویسندگان از پیشگویی انقلاب اسلامی و علت این غافلگیری که عبارت از وقوع نوع ویژه ای از انقلاب یعنی انقلاب اسلامی بود، سخن گفته است. این فصل با بحث آسیب شناسی نظریه های انقلاب که این نظریه ها مبنای تعداد زیادی از نوشته های مربوط به علل وقوع انقلاب اسلامی هستند ادامه یافته است. آخرین مطلب این فصل بحثی تحت عنوان امام خمینی (ره) و نظریات غریبان است که می تواند در آسیب شناسی دیدگاه های غربی مورد توجه قرار گیرد.

فصل دوم به معرفی دیدگاه های فرهنگی پرداخته و از آن میان به مکتوبات تئو چند از نظریه پردازان

اشاره داشته است. نویسنده علاوه بر این، تحلیل های مبتنی بر نظریه گفتمان را نیز در زمره دیدگاه های فرهنگی قرار داده، زیرا آنها به سیطره گفتمان و نقش آن در تحولات اجتماعی - سیاسی معتقدند.

در فصل سوم دیدگاه ها و نوشته های جامعه شناختی مورد بررسی قرار گرفته اند. منظور از دیدگاه ها و نوشته های جامعه شناختی آن دسته از آثار و نوشته هاست که در تحلیل خود نقش عوامل جامعه شناختی مانند نظام اجتماعی، طبقات اجتماعی و قشر بندی اجتماعی را در درجه اول اهمیت تلقی کرده یا مبنای تحلیل خود را بر یکی از نظریه های جامعه شناختی از قبیل نظریه کارکردگر-ساختاری و نظریه کاربزمای ماکس وبر قرار داده است.

دیدگاه ها و نوشته های روان شناختی موضوع فصل چهارم کتاب است. دیدگاه های روان شناختی

سابقه طولانی در بررسی پدیده انقلاب دارند. دسته ای از این نظریه ها به نقش روان شناسی فردی در تحلیل انقلاب معتقدند و دسته ای دیگر بر نقش روان شناسی اجتماعی در تحلیل پدیده انقلاب تاکید دارند. نظریه های افزایش انتظارات و نظریه محرومیت نسبی نیز از نظریاتی هستند که در تحلیل انقلاب اسلامی توسط برخی نظریه پردازان مورد نظر بوده اند.

آن دسته از آثار و دیدگاه ها در مورد علل وقوع انقلاب اسلامی ایران که دو یا چند مورد از عوامل و رهیافت های جامعه شناختی، روان شناختی، اقتصادی و سیاسی را با یکدیگر ترکیب کرده و با دیدگاه دوعلتی، سه علتی و چند علتی به معرفی علل وقوع انقلاب اسلامی پرداخته اند در فصل هفتم تحت عنوان نوشته های ترکیبی معرفی شده اند. فصل پایانی



کتاب نیز دربرگیرنده نوشته ها و آثاری است که در قالب هیچ یک از رهیافت ها و دیدگاه های منفرد یا ترکیبی نمی گنجد و اساساً کمتر جنبه نظری داشته و بیشتر مبتنی بر بیان حوادث پراکنده تاریخی بوده یا خاطرات مأموران رژیم پهلوی و نمایندگان سیاسی خارجی در تهران در زمان وقوع انقلاب اسلامی است. در میان این افراد می توان به ویلیام سولیوان، برژینسکی، رابرت هایزر، فریدون هویدا، عباس قره باغی و... اشاره کرد.

نویسنده کتاب معتقد است که نقش عوامل مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در وقوع انقلاب اسلامی ایران تنها در بستر عوامل فرهنگی معنا می یابد و فرهنگ هم در زمینه سازی وقوع انقلاب برای فراهم ساختن شرایط پیروزی انقلاب به صورت جدی ایفای نقش کرده است.

این کتاب در ۲۶۷ صفحه با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و با قیمت ۳۰۰۰ تومان منتشر شده است.

نگاهی به کتاب «شرق شناسی، پسامدرنیسم و جهانی شدن» اثر برایان ترنر

پایان شرق شناسی کلاسیک

غرب را به طور روز افزون پیچیده ساخته و اعتبار معرفت شناسانه شرق شناسی کلاسیک با تهاجم مشترک پراگماتیسم و پسامدرنیسم رو به فرسایش نهاده است.

بنابراین می توان خوش بین بود که جهانی شدن، پیوند و تنوع همگی فضاهای فکری را به وجود می آورد که در آن فهم میان فرهنگی بدیع و خلاق می تواند گسترش یابد و به تولید اشکال فربه تر و متنوع تر جامعه شناسی فرهنگی بپردازد.

نویسنده در مقدمه ای که بر ترجمه حاضر ترجمه سعید وصالی) نوشته از درک تاثیر وقایع



حال وقوع است.

جهانی شدن مفهوم دیگری است که نویسنده کتاب سعی در روشن ساختن رابطه آن با اسلام دارد. مطالب این کتاب نشان از توجه برایان ترنر به جامعه شناسی اسلام دارد. وی از لزوم توجه به اسلام در عرصه جهانی سخن می گوید و معتقد است که علت این لزوم در وجود

شخصیت ها و پدیداری رویدادهای عصر حاضر است. در کنار ظهور جنبش هایی ترکیه، سوریه، عراق و مصر، نویسنده به پیدایی اسلام مبارز اشاره می کند. ترنر در کتاب حاضر بر این باور است که روند جهانی شدن، تقسیم ساده انگارانه میان شرق و

برایان اس ترنر در کتاب «شرق شناسی، پسامدرنیسم و جهانی شدن» در پی یافتن رابطه سه مفهوم شرق شناسی، پسامدرنیسم و جهانی شدن با اسلام است.

نویسنده با انتقاد از شرق شناسانی که سعی در تقلیل پیچیدگی های شرق به درجه معینی از سنخ ها، ماهیت ها و خصایص دارند از زمینه های نیرومند دو آیین اسلام و مسیحیت برای گفت و گو با یکدیگر تاکید دارد.

همچنین ترنر سعی در برقراری رابطه میان اسلام و پسامدرنیسم دارد چرا که پس از سقوط کمونیسم تشکیلاتی، اسلام به عنوان نیرویی جدید وارد عرصه شده است. اما به نظریه اسلام، خودروایتی بزرگ با مفاهیم خاص همچون عقل گرایی، انضباط و زهد گرایی است؛ اما موضوعی که برای نویسنده دارای اهمیت است پرشدن فاصله بین مدرنیسم و پسامدرنیسم توسط دین است. یعنی آنچه اینک اهمیت دارد تغییراتی است که در عرصه فرهنگ در

یازده سپتامبر و متعاقب آن جنگ ضد تروریسم، بر بسط مطالعات اسلامی سخن به میان آورده است و در پاسخ به این سوال که آیا حمله به سازمان تجارت جهانی در نیویورک و کشمکش ها در افغانستان و عراق، نظریه های پسامدرنیسم و جهانی شدن را منسوخ و نامربوط می کند چنین اظهار می دارد: حمله به مرکز تجارت جهانی، هیچ اشتباه تجربی را درباره نظریه جامعه شناختی جهانی شدن به اثبات نمی رساند. برعکس وقایع یازده سپتامبر تنها در دنیایی امکان پذیر هستند که حمل و نقل جهانی، ارتباطات و مبادله کاملاً توسعه یافته اند.

کتاب «شرق شناسی، پسامدرنیسم و جهانی شدن» در ۳۶۸ صفحه با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و قیمت ۴۵۰ تومان توسط انتشارات بنیاد نهج البلاغه به چاپ رسیده است.

این کتاب توسط سعید وصالی به فارسی برگردانده شده و سومین ترجمه از این اثر است که وارد بازار نشر شده است.



یادداشت

اکبر صحرائی

مطالعه روی پرده سینما

به گمان بسیاری از کارشناسان ضعف کیفی فیلم‌های دفاع مقدس به فیلمنامه آنها برمی‌گردد. این در حالی است که عده‌ای از سینماگران تنها برای کسب تجربه‌اندوژی و بدون تجارب قبلی به سراغ فیلمسازی در این حوزه رفته و بیشتر سعی در تولید کارهای سفارشی دارند، درحالی که بسیاری از آثار نویسندگان مادر حوزه ادبیات پایداری از درونمایه‌ای قابل قبولی برای تبدیل شدن به فیلمنامه برخوردارند که متأسفانه این موضوع تاکنون کمتر مورد توجه دست‌اندرکاران قرار گرفته است و نتیجه آن خلق آثاری کم محتوا و یک بار مصرف در سینمای دفاع مقدس به ویژه در سال‌های اخیر شده است.

بنابراین اقتباس فیلمنامه از روی آثار موجود نه تنها منجر به تنوع فیلمنامه‌های جنگی خواهد شد بلکه به غنابخشی آن نیز کمک بسزایی می‌کند. در واقع رمز ماندگاری فیلم‌های هر حوزه به ویژه دفاع مقدس توجه به ادبیات داستانی و نمایشی است و کشورهایی که به درک صحیح از این موضوع رسیدند توانستند آثار تصویری و فیلم‌های ارزشمندی را به بازار جهانی عرضه کنند. البته به ایران نیز فیلمسازانی همچون مرحوم رسول ملاقلی‌پور و ابراهیم حاتمی‌کیا با شناخت دقیق مخاطب و بهره‌گیری از اصالت‌های واقع‌گرایانه جنگی بر اساس ادبیات داستانی فیلم‌های پرطرفدار و درخور تحسینی را روانه بازار کردند که متأسفانه تعداد این فیلمسازان انگشت‌شمار است.

ضابطه هنری بیشتر فیلم‌های دفاع مقدس در مقایسه با سایر حوزه‌های فیلمسازی و فاصله گرفتن نسل امروز از آن دوران باعث شده تا وظیفه سنگین‌تری بر دوش فیلمسازان برای خلق آثار هنری پر مخاطب و جذاب محول شود که در چنین شرایطی تولید فیلمنامه متناسب با ذائقه نسل جوان نیاز اصلی یک فیلمساز جنگی است.

یک داستان‌نویس باید ویژگی‌هایی را برای تبدیل شدن اثرش به فیلمنامه مورد توجه قرار دهد که رعایت این نکات منجر به تولید آثار ادبی فراتر از یک کتاب با قابلیت تبدیل به ده‌ها فیلم، زندگینامه و کتاب دیگر خواهد شد. متأسفانه برخی از داستان‌نویسان امروزی با وارد کردن شیوه‌های نوین و جدید در قالب داستانی جذابیت و بار عاطفی موجود در داستان را در ذهن مخاطب کاهش می‌دهند. چنین داستان‌هایی که بدون تحقیقات و پژوهش کافی تولید می‌شود قابلیت تولید فیلم را نخواهد داشت، بنابراین شرط اول برای داستان‌نویسان و نویسندگان تحقیق و پژوهش در حوزه جنگ است. هر چند ممکن است نویسنده تخیلات خود را وارد جریان داستان کند اما تخیل تا آنجایی می‌تواند در ادبیات داستانی جنگ وارد شود که برگرفته از ذهن حقیقی نویسنده و برای مخاطب قابل لمس باشد به گونه‌ای که مخاطب با مطالعه آن وارد فضای واقعی داستان شده و خود را در نقش شخصیت‌های حقیقی ببیند، گویی که داستان از زبان او بازگو می‌شود.

شرط دیگر این است که نویسنده دفاع مقدس نباید تنها ذهن خود را محدود به یک کتاب کرده و به کلی گویی و سانسور بسیاری از وقایع پردازد بلکه توصیف جز به جز و شخصیت‌های داستان در قالب دیالوگ و تصویرسازی نه تنها به ماندگاری اثر کمک خواهد کرد بلکه قابلیت تبدیل فیلم را نیز در اثر تولید شده ایجاد می‌کند. توجه به رده سنی مخاطب نیز به عنوان نکته دیگر باید مورد توجه نویسنده قرار گیرد، زیرا بین نوجوانی که به هیچ وجه در فضای واقعی جنگ حضور نداشته یا فردی که از نزدیک آن را لمس کرده تفاوت چشمگیری در درک حقایق وجود دارد بنابراین هر چه شخصیت‌های داستان به رده سنی مخاطب نزدیک‌تر باشند ارتباط ساده‌تری را با او برقرار می‌کنند.

گفت‌وگو



محسن فراهانی

اقتباس فیلمنامه‌های دفاع مقدس از ادبیات داستانی در گفت‌وگو با مجتبی شاکری

کتاب، نقش اول سینما



دفاع مقدس به دلیل گره خوردن با ابعاد آرمانی، سیاسی و فرهنگی، یک دوره تاریخی ماندگار به شمار می‌رود. مهم‌ترین ویژگی که دوران هشت سال دفاع مقدس را از سایر جنگ‌ها مجزای می‌کند ماهیت عقیدتی آن است. در عین حال نگاهی به تلاش‌های فرهنگی و هنری صورت گرفته در بازخوانی اصول و ارزش‌های دفاع مقدس ما را به این واقعیت می‌رساند که با وجود این تلاش‌ها هنوز به تصویر ماندگاری از جنگ و شهید به اندازه عظمت این حدودی به شکاف میان نسل‌ها برگرده، اما هیچ‌یک از این عوامل نمی‌تواند ارزش و جایگاه شهید بکاهد؛ جایگاهی که در هر جامعه و فرهنگی ارزش انسانی خود را حفظ کرده است. ادبیات جنگ ما، ادبیات پایداری است.

واقعیت این است که امروز بسیاری از سینماگران با نگاه قهرمان‌پر دانه غیر ملموس و اسطوره‌سازی از شخصیت‌های خیالی که شکاف بین نسل امروز با شخصیت‌های واقعی را در پی دارد، ما را از نزدیک شدن به واقعیت اصلی زندگی شهدا بازمی‌دارند. موضوعی که تاکنون مورد غفلت این فیلمسازان قرار گرفته به ساختار فیلمنامه‌های تولید شده برمی‌گردد که بیشتر از تخیلات غیر قابل تصور الهام گرفته است. در واقع کم‌توجهی فیلمنامه‌نویسان به واقعیت‌های جنگ موجب شده تا جذابیت لازم برای مخاطب این فیلم‌ها حاصل شود. این در حالی است که ادبیات دفاع مقدس، آثار ادبی انبوهی را در کارنامه خود دارد که پراختن به این آثار می‌تواند سینمای دفاع مقدس را متحول سازد بنابراین بهره‌مندی هر چه بیشتر از نویسندگان جنگ می‌تواند موفقیت بیشتری را در عرصه سینمای دفاع مقدس به ارمغان بیاورد. در این راستا سیما فیلم چندی پیش با افتتاح دفتر پژوهش ادبیات داستانی در ساختار خود در صدد پیوند هر چه بیشتر ادبیات داستانی و نمایشی با فیلمنامه‌های تولید شده برآمده که بخش قابل توجهی از فیلمنامه‌های تولید شده به حوزه پایداری مرتبط است.

مجتبی شاکری مدیر دفتر پژوهش ادبیات داستانی سیما فیلم معتقد است جوهره اصلی فیلم را فیلمنامه آن تشکیل می‌دهد و می‌گوید که سیما فیلم از سال ۸۵ با تأسیس دفتر پژوهش ادبیات داستانی در صدد ایجاد ارتباط منسجم و عینی‌تری با فیلمنامه برآمد تا آثاری که توسط نویسندگان تولید می‌شود پس از تلخیص و بازنگری به فیلمنامه تبدیل شود. به باور شاکری سینمای دفاع مقدس به ویژه در سال‌های اخیر کم‌رونق‌تر از گذشته بوده است که شاید علت اصلی آن به ضعف فیلمنامه‌های تولید شده در این حوزه برگردد در نتیجه تقویت هر چه بیشتر فیلمنامه‌های دفاع مقدس، آثار تصویری فاخری را نیز به همراه دارد و می‌تواند به پویایی سینمای دفاع مقدس کمک کند که این موضوع هم‌اکنون در دستور کار سیما فیلم قرار گرفته است.

به گفته شاکری تاکنون ۲۰۰ اثر از مجموع آثار ادبی ارسال شده به سیما فیلم مورد تأیید شورای سیاست‌گذاری سیما فیلم رسیده است. او با بیان این که سهم قابل توجهی از این آثار به حوزه پایداری برمی‌گردد، می‌گوید: در حوزه پایداری می‌توان به آثار نویسندگانی همچون اکبر صحرائی، داوود امیریان، راضیه‌تجار، سهیلا عبدالحسینی، نصرت‌الله

محمودزاده، ابراهیم حسن بیگی و عبدالمجید نجفی اشاره کرد که هم‌اکنون حق اقتباس آثارشان برای تولید فیلمنامه خریداری شده است. به اعتقاد شاکری افزایش تولید داستان و رمان در یک جامعه به ساده‌تر شدن حق انتخاب آثار برای سینماگران در تولید فیلمنامه کمک می‌کند و از سوی دیگر ساخت فیلم را با روند علمی‌تری پیش می‌برد.

مدیر دفتر پژوهش ادبیات داستانی سیما فیلم به راهکارهای تولید فیلمنامه در این موسسه اشاره کرده و می‌گوید: سه روش برای تولید فیلمنامه در سیما فیلم به کار گرفته می‌شود؛ در راهکار نخست از طریق جمع‌آوری ایده‌های اهالی قلم و مراجعه مستقیم آنها به سیما فیلم اقدام به تولید فیلمنامه می‌شود که به زودی سایت ایده‌های سیما فیلم راه‌اندازی خواهد شد. راهکار دوم به جست‌وجو در ادبیات داستانی و نمایشی موجود در جامعه و خرید آن آثار توسط سیما فیلم برمی‌گردد که از این طریق مضامین مناسب برای تولید فیلمنامه انتخاب می‌شود و در راهکار سوم نیز با برگزاری کارگاه فیلمنامه‌نویسی و ایجاد ارتباط بین نویسندگان و فیلمنامه‌نویسان به تولید فیلمنامه کمک می‌شود. به باور شاکری در حال حاضر تعداد داستان‌های کوتاه تولید شده در مقایسه با داستان‌های بلند و رمان‌های موجود بسیار بیشتر است.

آثار دفاع مقدس به اعتقاد کارشناسان و منتقدان فیلم‌های دفاع مقدس در سه گروه تقسیم‌بندی می‌شوند؛ گروه نخست کسانی هستند که شور و حال حماسه سال‌های جنگ به ویژه سال‌های اولیه را در آثارشان نشان می‌دهند. در گروه دوم آثاری گنجانده می‌شود که فیلمسازان آنها، سینمای دفاع مقدس را به خوبی شناخته و آن را با سینمای جنگ و فیلم جنگی اشتباه گرفته‌اند و تنها صدای گلوله در فیلم‌هایشان شنیده می‌شود اما گروه سوم را فیلمسازانی تشکیل می‌دهند که به خوبی آنچه را درک کرده‌اند به تصویر می‌کشند و چنین فیلم‌هایی که از ماندگاری زیادی برخوردار است خیلی کمتر در میان فیلمسازان ما دیده می‌شود.

مدیر دفتر پژوهش ادبیات داستانی سیما فیلم به تفکیک ناپذیری حوزه فیلم و ادبیات داستانی اشاره

کرده و می‌گوید: به اعتقاد بسیاری از کارشناسان حلقه اتصال بین ادبیات داستانی و فیلمنامه وجود ندارد و اگر هم تاکنون فیلمنامه‌ای بر اساس اقتباس از داستان یا رمانی شکل گرفته تعداد آن بسیار اندک است. اما اتفاقی که اخیراً در سیما فیلم افتاده به دنبال ایجاد جریان مداوم از طریق نقد ادبیات داستانی در حوزه فیلم است و بدین ترتیب سوژه‌های موجود در کشور از طریق این سازوکار وارد عرصه سینما می‌شود و برخی از سوژه‌های تکراری که وام گرفته از فرهنگ بیرون مرزهاست جای خود را به سوژه‌های جدید در عرصه فیلمنامه‌های داخلی می‌دهد که تحول جدی را در فیلم‌های دفاع مقدس ایجاد خواهد کرد. شاکری تأثیر تولید فیلمنامه‌های اقتباس شده از ادبیات داستانی را فراتر از تولید یک کتاب دانسته و می‌گوید: اقتباس فیلمنامه از ادبیات داستانی جنگ باعث می‌شود نویسندگان دیگر تولیدات خود را محدود به کتاب‌ننداند و میدان جدید و وسیع‌تری را پیش روی خود ببینند که این اقدام نه تنها جهشی در حرکت داستان‌نویسان جنگ به تولید فیلم‌های فاخر را به همراه دارد بلکه دست سینماگران را نیز برای انتخاب فیلمنامه‌ها بازتر کرده و کار دشوار انتخاب یک فیلمنامه مناسب برای تولید را به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر دوش داستان‌نویس خواهد گذاشت. مجتبی شاکری با اشاره به بی‌نظیر بودن آثار اقتباسی خریداری شده حوزه دفاع مقدس در سیما فیلم می‌افزاید: از آنجا که دفاع مقدس امنیت ملی و هویت نسل‌های امروزی و آینده را به همراه دارد، مانیز و وظیفه داریم با انتقال هر چه بهتر ارزش‌های جنگ از دستاوردهای دفاع مقدس پاسداری کنیم اما این موضوع مطرح می‌شود که بسیاری از افراد به ویژه نسل جوان که از آن دوران فاصله گرفته‌اند شاید نتوانند با مطالعه کتاب به خوبی از وقایع و حقایق موجود در جنگ آگاه شوند بدین ترتیب تصویرگری از این منابع بر اساس مستندات می‌تواند به گونه بهتری این حقایق را برای جوانان بازگو کند.

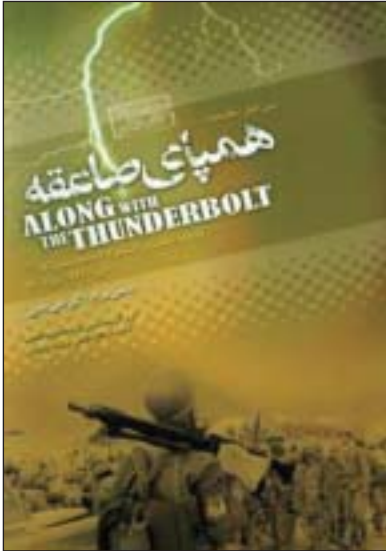
شاکری با اشاره به اعضای ناظر بر تأیید آثار خریداری شده برای حق اقتباس می‌گوید: این گونه نیست که هر اثری مورد تأیید شورای سیما فیلم قرار بگیرد، بلکه معیارهای خاصی در انتخاب آثار برای خرید حق اقتباس وجود دارد و داوران ناظر بر اقتباس آثار از سالی اغلب از مدیران با سابقه و استادان در عرصه تولید و مدیریت شبکه هستند که داوری و نظارت عرصه‌هایی همچون کتاب سال ادبیات داستانی و جشنواره‌های مختلف فیلم دفاع مقدس را برعهده داشته‌اند.

به باور شاکری زاویه دید نمایش، زاویه دید خوبی است که در تبدیل یک داستان به فیلمنامه، کار را راحت می‌کند ضمن این که ما با فضای جدیدی مواجه هستیم که اگر به خوبی این گنجینه‌ها را که در ادبیات داستانی موجود است با تولید فیلم مرتبط کنیم فیلم‌های برتری تولید خواهد شد. البته خاطره‌نویسان نیز باید دقت کنند که ضعف در بهره‌برداری از وقایع و مستندات برای تولید یک خاطره، آثار آنها را به محصولات بی‌مصرف تبدیل می‌کنند بنابراین باید علاوه بر غنابخشی به ادبیات و تاریخ کشور، طوری بنگارند که گویی آثارشان در معرض دید جمعیت زیادی قرار گرفته است.



گلعلی بابایی از «همپای صاعقه» می گوید

۳۳ هزار ساعت صدای جبهه



۳۳ هزار و ۸۰۰ ساعت نوار صوتی است که با کیفیتی بسیار پایین و در سخت ترین شرایط در نهایت به گزارش لحظه به لحظه ای از لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در عملیات های فتح المبین و بیت المقدس تبدیل شد. این کتاب یک منبع پژوهشی تحقیقاتی است اما به خاطر انسجام و زنجیره ای که در روایت جزئی عملیات های دفاع مقدس دارد به زمانی تبدیل شده است که مخاطب با مطالعه آن احساس خستگی نخواهد کرد.

بابایی ادامه داد: این کتاب روایت مستندگونه ای است که در آن راوی بر اساس حقایق و تحقیقات انجام گرفته گوشه ای از حقایق جنگ را بازگو می کند و سادگی موجود در این کتاب باعث شده سلیقه های نسل جوان را بر آورده کند و تاکنون مورد توجه و استقبال دانشجویان زیادی قرار گرفته است. اگر این روش ساده نویسی در سایر کتاب های دفاع مقدس وارد شود

به چاپ رساندم که در درجه اول هدف از چاپ آنها ثبت خاطرات شخصی بود و همین موضوع انگیزه مرا برای ورود به عرصه داستان و خاطره فراهم کرد. گلعلی بابایی درباره نحوه تهیه کتاب «همپای صاعقه» گفت: پس از آن که در سال ۷۶ در صدد برگزاری کنگره ۳۶ هزار شهید لشکر ۲۷ محمد رسول الله برآمدیم، کمیته های مختلفی در سپاه تشکیل شد که یکی از این کمیته ها وظیفه گردآوری اطلاعات شهدای این عملیات را بر عهده داشت. در پایان سال ۷۶ پس از برگزاری این کنگره و مطرح کردن ایده هایم با برخی از فرماندهان وقت سپاه اقدام به تولید و تدوین کارنامه لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در دو پروژه کردم.

پروژه اول که به جمع آوری تصاویر این لشکر طی هشت سال دوران دفاع مقدس برمی گشت با شهادت شهید جان بزرگی مسئول این پروژه متوقف شد. پروژه دیگر تدوین کارنامه تاریخی لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) بود که کار جمع آوری مدارک و اسناد موجود برای تولید آن را با همکاری حسین بهزاد آغاز کردم و در نهایت پس از چهار سال پیگیری مداوم، کتاب «همپای صاعقه» را در سال ۷۹ به چاپ رساندم. این کتاب فاصله زمانی دی ماه ۱۳۶۰ تا تیر ۶۱ را روایت می کند.

او افزود: جلد دوم کارنامه عملیاتی این لشکر در کتابی تحت عنوان «ضربت متقابل» به روایت عملیات رمضان می پردازد و در حال حاضر نیز با همکاری حسین بهزاد در حال جمع آوری جلد سوم این کتاب از عملیات های مسلم بن عقیل و والفجر مقدماتی هستیم. بابایی گفت: علت اصلی موفقیت کتاب «همپای صاعقه» در درجه اول به غنی بودن منابع موجود در حوزه دفاع مقدس برمی گردد که در این کتاب سعی شده با استفاده روش ها و اسلوب جدید از اسناد موجود بهره برداری شود.

گلعلی بابایی افزود: کتاب «همپای صاعقه» حاصل

دومین نشست از سری نشست های «یک کتاب، یک نویسنده» عصر روز شنبه دوازدهم مردادماه از ساعت ۱۸ تا ۲۰ در سالن اجتماعات فرهنگسرای پایادری برگزار شد. نشست های «یک کتاب، یک نویسنده» که با مشارکت کتابخانه تخصصی جنگ و دفاع مقدس و فرهنگسرای پایادری برگزار می شود گامی مثبت در جهت ترویج فرهنگ کتابخوانی است. قرار بود در این نشست به نقد و بررسی کتاب «همپای صاعقه» نوشته گلعلی بابایی و حسین بهزاد پرداخته شود که تنها به معرفی و شرح این کتاب از زبان نویسنده تبدیل شد.

محمد مومنی رئیس کتابخانه تخصصی جنگ و دفاع مقدس فرهنگسرای پایادری در ابتدای جلسه با نگاهی به زندگینامه نویسنده کتاب «همپای صاعقه» گفت: گلعلی بابایی سال ۱۳۳۹ در نو شهر متولد شد که پس از مراجعت به تهران در سال ۶۱ وارد عرصه دفاع مقدس شد. از وی تاکنون چندین کتاب به چاپ رسیده است که از آن جمله می توان به کتاب های «نقطه راهی»، «غریب هور»، «عقابان بازی دراز»، «نبردهای جنوب اهواز» و «قنوس فاتح» اشاره کرد.

گلعلی بابایی در خصوص کتاب «همپای صاعقه» گفت: این کتاب چه به عنوان اثری که مورد عنایت و تفریظ مقام معظم رهبری قرار گرفته و چه از حیث تاکید فرماندهان و مسئولان مبنی بر ماندگاری آن، یک منبع تاریخی درباره جنگ برای افراد جامعه به ویژه نسل جوان به حساب می آید که مطالعه آن می تواند آنها را با گوشه ای از وقایع جنگ آشنا کند.

بابایی در پاسخ به سوال مومنی مبنی بر چگونگی علاقه مندی خود به نویسندگی افزود: پس از آن که وارد جبهه شدم شروع به نوشتن یادداشت هایی کردم که ماحصل آن تولید هفت دفترچه خاطرات از زمان حضورم در لشکر ۲۷ محمد رسول الله تا پایان جنگ شد. پس از پایان جنگ این خاطرات را در دو کتاب نخست خود یعنی «نقطه راهی» و «غریب هور»

بدون شک استقبال بی نظیری از آن خواهد شد. گلعلی بابایی گفت: «با توجه به تقریظ مقام معظم رهبری، این کتاب یک منبع بسیار غنی و ارزشمند است که می توان ده ها کتاب، فیلمنامه و زندگینامه از آن استخراج کرد. در حال حاضر هم به درخواست گروه سازنده فیلم مستند «سیره عملی امام روح الله» این کتاب برای تولید فیلمی با موضوع هشت سال دفاع مقدس در اختیار آنها قرار گرفته است»

قاسم خانی یکی از همزمان گلعلی بابایی در ادامه جلسه گفت: کتاب «همپای صاعقه» با سپری کردن ۲۰ سال از وقوع ماجرا به عنوان یک مرجع تاریخی محسوب می شود که به عنوان یک کتاب مرجع در قالب داستان و خاطره روایت شده و تنها به زمان محدودی از دوران جنگ تحمیلی اشاره دارد. حال با توجه به این که با گذشت زمان، بسیاری از روایان یا اسناد در خطر نابودی قرار دارند، از این رو طی سالیان آینده دسترسی به آنها کمتر خواهد شد، بنابراین شاید بهتر باشد که برای سرعت دهی به نگارش کتاب های تحقیقاتی بعدی، از روش مختصرنویسی در تحقیقات استفاده شود. از سوی دیگر این اسناد تنها قابلیت دسترسی برای متخصصان را دارد و آیا امکان وجود دارد که آنها را در اختیار افراد عادی نیز قرار داد؟

گلعلی بابایی در پاسخ گفت: «محقق وظیفه تالیف یا ترجمه یک کتاب مرجع را بر عهده دارد و گنجاندن تمام اتفاقات و وقایع موجود بدون هیچ کم و کاستی از ملزومات تدوین کتاب های تاریخی و مرجع است. به همین دلیل باید از روش هایی همچون تولید فیلم و زندگینامه، امکان انتقال ساده تر مفاهیم این کتاب را به نسل جوان فراهم کرد. بنابراین غنابخشی به یک اثر تاریخی نیازمند استفاده از تمام اسناد موجود بدون کم و کاست است، به خصوص این که برخی مسائل حیرت انگیز در لابه لای این اسناد به چشم می خورد که ارائه آنها بر جذابیت موضوع می افزاید.»

«دوستان خداحافظی نمی کنند» در سرای اهل قلم نقد شد

گفت و گوهای تصویری در خاکریز

یکصد و سی و هشتمین نشست سرای اهل قلم که به پنجمین نشست «چهل هفته، چهل کتاب» اختصاص داشت، ساعت ۱۷ تا ۱۹ دوازدهم مردادماه در سرای اهل قلم برگزار شد. در این نشست جواد ماه زاده، لیلا جلیلی و نویسنده اثر به نقد و بررسی کتاب «دوستان خداحافظی نمی کنند» نوشته داوود امیریان پرداختند.

خداحافظ کرخه، داستان مریم، آخرین سوار سرنوشت، آقای شهردار، داستان بهنام، دوستان خداحافظی نمی کنند، جام جهانی در جوادیه، بهشت برای تو، بهشت منتظر نمی ماند و آخرین نبرد از جمله آثار امیریان هستند که دو اثر آخری به فیلمنامه نیز تبدیل شده است. در ابتدای جلسه لیلا جلیلی با نگاهی به زندگی نامه نویسنده کتاب گفت: داوود امیریان در سال ۱۳۴۹ در شهر کرمان متولد شد و از سال ۶۹ به قلم زدن در حوزه جنگ پرداخت که تاکنون ۲۶ اثر در حوزه ادبیات دفاع مقدس تالیف کرده است.

داوود امیریان در ادامه نشست به چگونگی علاقه مندی خود به نویسندگی اشاره کرد و گفت: از سال ۶۹ دفتر ادبیات و هنر مقاومت فعالیت خود را آغاز کرده و سپس به مدت دو سال با مجموعه کتاب های فرهنگ جبهه همکاری داشتم. با توجه به علاقه ای که به فیلمنامه نویسی دارم، سعی کردم آثار خود را بر اساس دیالوگ بنویسم. به همین خاطر بسیاری از نوشته هایم تاکنون به فیلم و سریال تبدیل شده اند و هم اکنون نیز مشغول تالیف داستان بهنام هستیم.

امیریان ضمن اشاره به خلاصه ای از داستان «دوستان خداحافظی

نمی کنند» گفت: شخصیت های اصلی این داستان را مرتضی و آرش تشکیل می دهند که وارد فضای جبهه شده و با اتفاقاتی مواجه می شوند در واقع کسانی که در دوران جنگ حضور داشتند، از آن دوران با افسوس یاد کرده و آن را بهترین دوران زندگی خود می دانند که این داستان به گونه ای سعی در به تصویر کشیدن این افراد دارد. جواد ماهزاده منتقد ادبی جلسه نیز با اشاره به نقاط ضعف و قوت موجود در داستان گفت: «داستان دوستان خداحافظی نمی کنند با فرار دو کودک به نام های آرش و مرتضی به سمت ایستگاه قطار آغاز می شود که شروع خوبی برای وارد کردن مخاطب به فضای جدید است اما در بخش هایی از داستان که مخاطب از این فضا فاصله گرفته و وارد فضای تصویری و سینمایی می شود مشکلاتی در ساختار داستان ایجاد می شود. ماهزاده افزود: «متکی بودن داستان بر تصاویر و صحنه های مختلف، وقایع را در ذهن مخاطب ماندگار می کند اما از آنجا که صحنه های داستان به جای تصویر توسط ادبیات پیش می روند بسیاری از موقعیت های داستان به طور کامل مورد توجه قرار نگرفته و از دست رفته است.»

این منتقد ادبی با اشاره به فرصت زیاد نویسنده گفت: «داستان بر اساس چارچوبی شکل گرفته است که ابتدا تا انتهای آن در دست شخصیت ها نبوده بلکه در اختیار نویسنده است و این نوع نگاه در داستان مانع بروز بسیاری از خلاقیت ها و پیشرفت های شخصیت های داستان شده است به گونه ای که موضوع داستان با وجود روایت

گذشته ای پر محتوا و با هیجان از شخصیت ها در ابتدای داستان به طور ناگهانی و با عجله و بدون ایجاد آمادگی ذهنی لازم در مخاطب، داستان را به پایان رسانده است. جواد ماهزاده ادامه داد: نگاه نویسنده در برخی بخش های داستان، لطمه زیادی بر موضوع آن وارد کرده و منجر به اتکای سرنوشت شخصیت ها بر اساس تصادف شد است. در واقع تصمیم گیری درباره بسیاری از شخصیت ها را به عهده مخاطب گذاشته است که ممکن است مخاطب را دچار سردرگمی کند.»

ماهزاده توجه نداشتن به درون کاوی شخصیت ها را از نقاط ضعف این اثر برشمرد و گفت: اتفاقات و حوادث داستان مخاطب را مجاب به درون کاوی بیشتر نسبت به شخصیت ها کرده است و از طرفی دیالوگ ها نیز نتوانسته در برخی بخش های داستان، حالات درونی افراد را بازگو کند. جواد ماهزاده گفت: از آنجا که موضوع داستان به رده سنی نوجوانان اختصاص دارد، تیپ سازی در آن می تواند به ساده تر شدن ارتباط مخاطب با شخصیت ها کمک کند. زیرا مخاطب داستان به دلیل فاصله ای که با دوران جنگ دارد نمی تواند با توصیف کلی به درک حقایق برسد بلکه نیاز به تشریح جزئی از زبان شخصیت ها دارد.»

امیریان در ادامه گفت: «سعی کردم برای نخستین بار در داستان دوستان خداحافظی نمی کنند به ایجاز بپردازم و با تصویرسازی، شخصیت ها، کنش ها و واکنش های مورد نظر را به ذهن مخاطب انتقال دهم. لیلا جلیلی هم اظهار داشت: اتفاقات داستان از آنجا که اسباب اذیت و آزار خواننده را فراهم نمی کند تعاریف را در درونش به همراه دارد و مخاطب را از مطالعه آن دلزده نمی کند.»

جلیلی نیز در پایان به موقعیت دراماتیک و مناسب داستان اشاره کرد و گفت: اگر توصیف بیشتری از اتفاقات و لحظه های داستان می شد، پایان بهتری را برای خواننده به همراه داشت و ماندگاری این داستان بیش از هر چیز به تصویرسازی قوی نویسنده برمی گردد.»



بنفشه محمودی

وقتی سوپرمن با آن شئل مسخره، تخته سنگی را بلند می کرد و روی کوه آتشفشان می گذاشت، با خودم فکر می کردم که تخته سنگ حتما از اسفنج ساخته شده! اما وقتی پدر، نقاشی نبرد رستم و فراسیاب را در آن دفترچه فیلی کشید، جهان رویاهایم رنگ دیگری به خود گرفت. شک ندارم که جهان رویاهای نوجوان امروزی هم در مواجهه با اسطوره ای ایرانی، رنگ دیگری به خود می گیرد. یک ماه قبل، نخستین جلد از دومین سه گانه آرمان آیین با عنوان "آشوزدنگه اسطوره هم اکنون" در محل انجمن نویسندگان کودک و نوجوان رونمایی شد. آیین، متولد آبان ۱۳۶۰ و دانش آموخته رشته سینما، که پیش از این با استفاده از داستان های شاهنامه، سه گانه "پارسیان و من" را نوشته بود، در این کتاب، یک اسطوره امروزی را به نوجوانان معرفی می کند. او که این روزها به همراه ناشر آثارش "نشر موج" خود را برای حضور در جشنواره آی بی بی وای (کتاب برای نسل جوان) آماده می کند، می گوید: "باید ایرانی بودن را به نوجوانانمان یاد بدهیم. این راهکاری است که من در کتاب هایم دنبال می کنم."

آرمان آیین و «آشوزدنگه اسطوره هم اکنون»

لبخند یک اسطوره امروزی



و شرقی بودن او را احاطه کرده است. ما باید روی هویتمان کار کنیم. نوجوان ما باید بخواند، با منابع آشنا شود و به تاریخ خود عشق بورزد. باید ایرانی بودن را به نوجوانانمان یاد بدهیم. این راهکاری است که من در کتاب هایم دنبال می کنم. نوشتن جلد های بعدی الان در چه مرحله ای است؟

الان جلد دوم را شروع کرده ام و خون تازه ای در رگ های آن دمیده شده است. قصد دارم هر دو جلد را با هم برای چاپ بفرستم تا به طور همزمان به دست مخاطبان برسد.

حسی از گالوم در من بود. اما کاملا متفاوت است چون کتاب آشوزدنگه یک اثر کاملاً ملی و بر اساس بن مایه های ایرانی است. شما هیچ چیزی در این کتاب پیدا نمی کنید که شباهتی به فانتزی ها و اسطوره های غربی داشته باشد. گاهی گفته ام که شبیه اسپایدرمن و بتمن و سوپرمن است اما منظورم این نبوده که شباهت کمیک استریپی دارد. آن شخصیت ها، متعلق به جهان امروز غرب هستند و آشوزدنگه هم اسطوره هم اکنون ماست. به غیر از این شباهت ظاهری و کلی که گاهی خودم برای تفهیم بیشتر از آن استفاده کرده ام، هیچ شباهت دیگری با اثر دیگری ندارم و کاملاً برگرفته از افسانه ها و رسوم فراموش شده یا باقیمانده خود ماست. ما در زمینه آثاری که بن مایه اسطوره ای دارند، تا حدی ضعیف عمل کرده ایم. فکر می کنید مطرح کردن بن مایه های اساطیری در آثار نوجوان چه اهمیتی دارد؟

کودک ما چطور باید یاد بگیرد که ایرانی باشد؟ برای موج های فراوانی از هر سو برای غربی بودن

حتی کتاب های دانشگاهی این رشته خوانده بودم استفاده کردم. در این کتاب رد پای شاهنامه، هزار و یک شب، افسانه ها و فولکلور ایران دیده می شود و در واقع این کتاب، تلفیقی از همه اینهاست. هر آنچه که در این کتاب اتفاق می افتد، اشاره ای به یک کتاب تاریخی دارد و هیچ چیز آن برساخته صرف نیست. ممکن است در بخش هایی دامنه تخیل را بازتر کرده باشم و تلاش کرده باشم خلأها را پر کنم، ولی به هر حال یک جرعه تاریخی وجود داشته که این شعله از آن فروخته شده است.

در این کتاب اشاراتی هست که شباهت هایی به "هری پاتر" و "آرباب حلقه ها" دارد. مثلاً طریقه صحبت کردن شاه جن ها "چیس وهوش" که در جاهایی شبیه "دابی جن هری پاتر" است یا توصیف چهره اش که خواننده را به یاد چهره "گالوم" در آرباب حلقه ها می اندازد. این شباهت ها عمدی است؟

هری پاتر اصلاً مرجع من نبوده اما درباره اشاره دوستان باید بگویم که وقتی چیس وهوش رامی نوشتم،

در سه گانه "پارسیان و من" با استفاده از بن مایه های شاهنامه فردوسی به روایتی نو دست پیدا کرده بودید اما در "آشوزدنگه، اسطوره هم اکنون" با شیوه ای پازل گونه از روایت تاریخی، داستان نویی را خلق کردید. چگونه به این شیوه روایت رسیدید؟

برای رسیدن به این شیوه روایت، از خود تاریخ سود جستیم. همان طور که خاطرات هیچ وقت به صورت خطی به خاطر نمی ماند، جهان ذهنی آشوزدنگه و کتابی که بر مبنای زندگی او نوشته شده نیز به همین شکل است. بنابراین چرخش و پیچش زمان در شش سلسله تاریخی که در پیوست کتاب مشخص شده، در درجه اول از خود فلسفه تاریخ الهام گرفته شده است و به جای روایت پیوسته و سلسله وار، نوعی نگاه فلسفی و تحلیلی به تاریخ دارد.

درباره وقایع تاریخی که آشوزدنگه از کنار آنها عبور می کند، از چه منابعی استفاده کرده اید؟ از هر آنچه که در کتاب های تاریخی صرف و

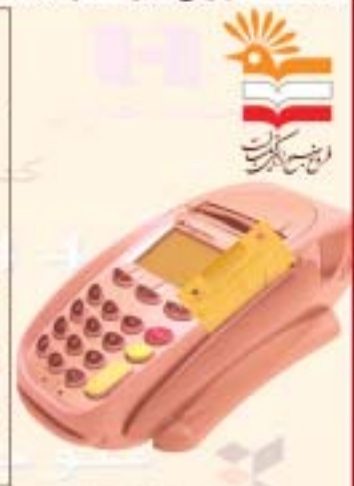
بسمه تعالی فراخوان



به منظور اجرای قانون برنامه چهارم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور و برای هدمند کردن یارانه های حوزه نشر و هدایت آنها به سوی مصرف کنندگان واقعی، طرح توزیع کارت الکترونیکی خرید کتاب ویژه دانشجویان، طلاب علوم دینی، اهل قلم و دیگر واجدان شرایط با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط موسسه خانه کتاب به اجرا درمی آید.

بر اساس این طرح، کارت الکترونیک خرید کتاب جایگزین بن های کاغذی شده و افراد با در اختیار داشتن این کارت و یک شماره رمز می توانند تا سقف شارژ شده در کارت، اقدام به خرید کتاب نمایند. بر اساس محاسبات و آمارهای موجود پیش بینی می شود در سراسر کشور حدود چهار میلیون نفر مشمول این طرح شوند. بر این اساس و به منظور ایجاد زیرساخت های لازم، ضروری است کتابفروشی ها که آخرین حلقه توزیع کتاب در کشور محسوب می شوند، به سامانه دریافتی این کارت ها مجهز شوند. لذا از کلیه ناشران و کتابفروشان که دارای مجوز معتبر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و یا اتحادیه صنفی بوده و تاکنون موفق به استفاده از این سیستم در فروشگاه خود نشده اند، تقاضا می شود جهت نصب دستگاه کارت خوان، فرم زیر را تکمیل و به همراه تصویر مجوز مربوطه به نشانی: خیابان انقلاب- بین صبای جنوبی و فلسطین- موسسه خانه کتاب- طبقه منفی دو ارسال و یا به صورت حضوری به موسسه خانه کتاب ایران بخش کارت الکترونیکی خرید کتاب مراجعه نمایند.

فرم درخواست نصب دستگاه کارت خوان	
نام واحد فروشگاهی / کتاب فروشی / انتشاراتی	نشانی:
شماره تلفن:	نشانی الکترونیکی:
سال تاسیس:	مشخصات مدیر مسئول:
شماره شناسنامه:	نام خانوادگی:
کد ملی:	متولد:





نگاهی به کتاب «لالا لالا گل شب بو» و ضرورت لالایی سرایی برای کودکان

خواب‌های طلایی با طعم ترانه

که بابا پیر و غمگین است/تویی که مرد فردایی
لالایی/تفنگم را/به دست می دهم فردا
بگیری جای بابا را/بجنگی با سیاهی‌ها. (گل
چایی/ص ۷)

وامایی از بهترین روش‌ها برای شناخت زندگی
زنان در گذشته و پی بردن به افکار و اندیشه‌های
آنان، مراجعه به لالایی‌ها و پژوهش در شکل و
محتوای آنهاست. خلق و خوی زنان و آرزوهای
آرمان‌های آنان را از این روش، به راحتی می‌توان
دریافت. مادری که فکر می‌کند فرزندش می‌تواند
همه آرزوهای او برآورده کند و همدم تنهایی‌اش
باشد: لالا، لالا، گل شب بوی مادر/گل زیبا، گل
خوشبوی مادر

لالا، لالا، گل صحرایی من/تو هستی، همدم
تنهایی من... (گل خوشبوی مادر/ص ۱۷)
پس می‌توان گفت، لالایی، همان داستان درمانگر
و پرتاثیر است. همچنان است شعر درمانی، آواز
درمانی و بسیاری از تکنیک‌های نوپدید روان‌درمانی
در روزگار ما و بر این بنیاد، لالایی نیز گونه‌ای دیر
سال از روان‌درمانی اطفال است. تنها تفاوت اساسی
لالایی قدیم با شیوه‌های روان‌درمانی یادشده این
است که در لالایی، درمانگر و درمان‌پذیر، یکدیگر
را از صمیم دل باور داشته و دارند. اما در سایر
شیوه‌ها، این پذیرفتاری متقابل، چنان که باید رخ
نمی‌دهد.

امروز، رشد وسایل ارتباط جمعی مدرن، کودکان
را از بسیاری یادگارهای گذشته و گذشتگان جدا
می‌کند. انتشار کتاب‌هایی چون لالا، لالا، گل
شب بو شاید بتواند این عنصر دیرپای فرهنگی را
نجات دهد و این در صورتی امکان‌پذیر است که
همه علاقه‌مندان به فرهنگ و سنت این سرزمین
دست به دست یکدیگر دهند و به انتشار، گردآوری
و به روز کردن لالایی‌ها با ابزار مدرن بپردازند. هنوز
هم هستند کودکانی که هر شب، ساعت ۹، با شنیدن
قصه‌های شب بخیر کوچولو از رادیو به خواب
می‌رفتند و همچنان گهگاه زیر لب زمزمه می‌کنند:
گنجشک لالا/سنجاب، لالا/آمد دوباره/مهتاب،
لالا

لالا، لالایی، لالا، لالایی
گل زود خوابید/مثل همیشه/قورباغه ساکت/
خوابیده بیشه
لالا، لالایی، لالا، لالایی
جنگل! لالا/لا/برکه! لالا/شب بر همه خوش/
تا صبح فردا
لالا، لالایی، لالا، لالایی...



است. آن گونه که مصطفی رحماندوست سروده
است:

عجب چشمی، چه ابرویی، خدایا! چه لب‌هایی،
چه دندان‌هایی، چه زیبا!
خدایا شکر از این بچه خوب/لالا جانم، لالا
عمرم، لالا

از لالایی در زمینه‌های تاثیرگذاری اجتماعی و
سیاسی هم سود جسته‌اند. برای مثال بعد از شهادت
میرزا کوچک خان جنگلی، گیله‌زنان، سرود
واره‌هایی در وصف او و حماسه‌ها و مهربانی‌هایش
ساختند و با لحنی غم‌انگیز برای کودکان خود در
کنار گاهواره‌ها زمزمه کردند. هنوز هم در برخی
روستاها و شهرهای گیلان، این ترانه‌ها خوانده و
شنیده می‌شود.

در این کتاب نیز می‌توان نمونه‌ای از این گونه
لالایی‌ها را مشاهده کرد:
لالایی/گل چایی/اعصابی دست بابایی

لالایی‌ها را همچون شعر معمولی خوانند.
لالا، لالا، بهار آمد دوباره/ وزید از کوه باد
نوبهاری

لالا کن مثل شب‌نم روی گل‌ها/لالا کن مثل
گنجشک و قناری (گل لالا، ص ۳۶)
شاید بتوان گفت که مضمون بیشتر لالایی‌های
دنیا، از هر زبان و فرهنگی که باشند، این است که:
بچه جان! بخواب، مامانت اینجاست، تو سالم و
تندرستی و هیچ دلیلی برای بی‌تابی و گریه کردن در
کار نیست. راحت بخواب! همه چیز رو به راه است!
و این درون‌مایه است که در لالایی‌های گردآوری
شده در این کتاب هم می‌توان دید:

لالای اشک، ای شب‌نم/بشوی از برگ گل‌ها، غم
لالا کن، چون گل مریم/بخواب آرام تا فردا/لالا،
لالا، لالا، لالا (ماه من لالا، ص ۲۸)
دسته‌ای از لالایی‌ها نیز بر ستایش مادر از کودک
خویش و تصویر کردن چهره‌ای باشکوه از او استوار

لالا، لالا، گل خورشید لالا
گل خورشید من خوابید لالا
گل خورشید، پشت کوه و دریاست
گل خورشید من اینجاست، اینجاست
لالا، لالا، گل خورشید زیباست.

لالایی، جز و بدوی‌ترین آثار موسیقی جهان است
و به آوازی‌هایی گفته می‌شود که مادران کنار گاهواره
و برای خواباندن کودکان خویش می‌خوانده‌اند.
واژه لالا، هم به معنی دایه است و هم به معنی
خواب و خوابیدن؛ بنابراین می‌توان پسوند «ی» در
لالایی را نشانه نسبت گرفت و لالایی را آوازی
دانست که دایه یا مادر برای خواب کردن کودک
خویش به کار می‌برد.

از سوی دیگر، تقریباً همه لالایی‌های ایرانی با تکرار
سیلاب «لا» آغاز می‌شود. پس می‌توان چنین پنداشت
که لالایی به معنی سروده‌ها و آوازی‌هایی است که با
هجاهای «لا» شروع می‌شوند؛ اگرچه در زبان‌های
دیگر هم گاه لالایی را با مکرر کردن هجای «لا» آغاز
می‌کنند. در زبان انگلیسی «لال» (lull) به معنی لالایی
است و این واژه در انگلیسی به معنی خاموش کردن،
ساکت و آرام کردن به کار رفته است و در حقیقت
لالایی، ابزاری برای بچه‌ها به شمار می‌رود.

لالایی، همچنین به عنوان عامل القاکننده نظم و
هارمونی به ذهن و روان طفل نه خود آگاهانه که
ناخودآگاهانه از سوی مادران به کار گرفته می‌شده
است.

از این همه که بگذریم می‌توان تصور کرد که
لالایی برای مادران، حکم درددل کردن را داشته
است... چون می‌بینیم گاه لالایی هیچ نیست جز
نسخ به هم بافته‌ای از گلایه‌های مادر... آری، لالایی،
علاوه بر این که در ارتباط با خود بچه و زندگانی
اوست با مادر و زندگی او هم پیوندی ژرف دارد.
آری مادر در اینجا حرف‌های خودش را می‌زند و
کودک سنگ صبوری بیش نیست.

کتاب لالا، لالا، گل شب بو که از سوی انتشارات
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و کتاب
نیستان منتشر شده، مجموعه لالایی‌هایی را از شکوه
قاسم نیا، افسانه شعبان‌نژاد، مصطفی رحماندوست،
جعفر ابراهیمی (شاهد)، اسدالله شعبانی و ناصر
کشاورز گردآورده است.

آنچه در این لالایی‌ها، بیش از هر چیز به چشم
می‌خورد، بعد موسیقایی است. به این معنی که این
لالایی‌ها، علاوه بر این که موزون هستند، از درونه‌ای
شاعرانه هم برخوردارند و از ریتمی خاص پیروی
می‌کنند. به این معنی که نمی‌توان هیچ کدام از این

معرفی کتاب

لطیفه‌ها بر بوم



معمولاً همه کودکان دوست دارند نقاشی
کنند یا چیزهایی که در فکر خود دارند را روی
کاغذ بکشند. عده‌ای از کودکان نیز دارای
استعداد خلق صحنه‌های خنده‌دار و فکاهی
یا متمایل به آفرینش شوخ طبعی هستند و
کتاب لطیفه‌های تصویری و نوشتاری چگونه
ساخته می‌شوند؟ بر آن است تا به کودکان و
نوجوانان علاقه‌مند به شوخ طبعی به طور
ساده بیاموزد که چگونه فکرهای خنده‌دار خود را نوشته و یا بکشند.
غلامرضا کیانی و محمدرفع ضیایی که این کتاب را نوشته و

است به صورت ساده، روش‌های ساخت لطیفه‌های تصویری
(کارتون - کاریکاتور) و نوشتاری را توضیح بدهیم و کسانی که
علاقه‌مند و دارای استعداد خلق شوخ طبعی تصویری و نوشتاری
هستند را راهنمایی کنیم که چگونه می‌توان لطیفه‌ها را مصور کرد
یا برعکس، آنها را به صورت نوشتاری درآورد.

این کتاب، توسط غلامرضا کیانی جمع‌آوری و در آن کوشش
شده که لطیفه‌های ساده و کودکانه‌ای انتخاب شود تا بهتر بتواند
مورد استفاده گروه سنی کودکان و نوجوانان قرار گیرد. سایر
مطالب کتاب، انتخاب کارتونها و نیز طرح‌های تزئینی، به همت
محمدرفع ضیایی، از کاریکاتوریست‌های نشریه توفیق و گل آقا
فراهم شده است.

کتاب لطیفه‌های تصویری و نوشتاری چگونه ساخته می‌شوند؟
را موسسه انتشارات کتاب چرخ فلک در ۲۲۰۰ نسخه و به قیمت ۱۹۰۰
تومان منتشر کرده است.

تصویر کرده‌اند، شوخ طبعی را مجموعه آثاری می‌دانند که به طور
جدی مطرح نشده‌اند و می‌توانند در قالب یک شوخی ساده، موضوعات
خنده‌دار، فکاهی و طنز مطرح شوند.

همچنین نویسندگان این مجموعه معتقدند: «شوخ طبعی را می‌توان
به وسیله گفتار، نقل یک لطیفه از راه نوشتار، نوشتن یک لطیفه، نمایش،
اجرای یک صحنه در تئاتر یا به وسیله یک کارتون - کاریکاتور نمایش
داد».

لطیفه‌ها در این کتاب کوچک‌ترین واحد شوخ طبعی شمرده و به
انواع لطیفه‌های نوشتاری، گفتاری، تصویری - نوشتاری و تصویری
تقسیم شده‌اند.

در مقدمه کتاب لطیفه‌های تصویری و نوشتاری چگونه شناخته
می‌شوند؟ آمده است: «معمولاً لطیفه‌ها را یا تعریف می‌کنند یا
می‌خوانند و کمتر کسی جز متخصص این فن به فکر می‌افتد که
بداند لطیفه‌ها چگونه ساخته می‌شوند. در این کتاب کوشش شده



این هفته با عماد ابراهیمی و جمع آوری ۷۰ لایایی دزفول

نغمه های مادرانه



نمی توان به چشم تحقیر نگاه کرد. شما برای برون رفت از این وضعیت چه راهکاری پیشنهاد می دهید؟

باید به بسیاری از ناشران یادآوری کرد که با دقت بیشتر به بررسی یک کتاب بپردازند و به این نکته توجه نکنند که مثلاً چندمین کتاب پدیدآورنده است. شما در این کتاب چند لایایی را مورد مطالعه قرار داده اید؟

حدود هفتاد لایایی. این هفتاد لایایی مربوط به چند قسمتی از منطقه دزفول است؟

حدود ده منطقه. مشکل عمده ای که در این کار وجود داشت این بود که بسیاری از لایایی ها شباهت عجیبی به همدیگر داشتند و به درستی نمی شد آنها را تفکیک کرد، بر همین اساس تصمیم گرفتم این گونه لایایی ها را در تعریفی دیگر یعنی ارتباط آنها به همه منطقه ارائه بدهم.

گمان نمی کنید کار سختی را شروع کرده اید؟ این سختی کار برایم شیرین است زیرا نمی خواهم کاری بکنم که خیلی زود فراموش شود.

وقتی مادر خلال یک لایایی خشکی و قحطی می بینیم معلوم می شود که این لایایی نمی تواند مربوط به منطقه شمال کشور باشد.

این کدها آنقدر زیاد نیستند که بشود تفکیکشان کرد.

اتفاقاً زیاد است اما تا حالا کسی به این مسئله فکر نکرده. لایایی ها معمولاً از زبان افراد عامی ساخته و پرداخته شده اند و چنین افرادی بنا به سرشت محلی شان نمی توانند آن گونه که باید و شاید پرواز خیال داشته باشند و مجبور هستند محیط اطراف خود را در سروده ها توصیف کنند پس وصف دنیای پیرامون در همه لایایی ها یافت می شود.

در این کتاب تا چه اندازه از تجربیات دیگران استفاده کرده اید؟

در این کار مدیون همه استادان حوزه ادبیات عامه هستم اما به طور مستقیم از اثر یا تجربیات فرد دیگری استفاده نکرده ام. زیرا تلاش من نگاهی دیگرگونه برای ثبت لایایی هاست.

گمان نمی کنید نگاه تخصصی به لایایی ها از زیبایی های آنها بکاهد؟

خیر، زیرا آنچه جای خالی اش در این حوزه احساس می شود همین نگاه تخصصی است در واقع هر لایایی از جنبه های گوناگون ادبی، اجتماعی، اقتصادی و

عماد ابراهیمی متولد ۱۳۵۷ در اولین کتابش تلاش کرده که نگاهی متفاوت به لایایی های منطقه دزفول داشته باشد. او با جمع آوری بیش از هفتاد لایایی در پی اثبات این نظریه است که می توان با توجه به کدهای معنایی به تعلق هر لایایی به منطقه ای خاص نائل آمد.

شما در اولین کتابتان دست به ابتکار جالبی زده اید و لایایی های منطقه دزفول و توابع را جمع آوری کرده اید. سوال اینجاست که قبل از شما هم شخص دیگری دست به این کار زده یا خیر؟

به طور منسجم خیر، در کتاب های دیگر دیده بودم که بسیاری از این لایایی ها با گونه های مشابه دیگر نقاط کشور مخلوط شده اند و به عنوان مثال در ردیف لایایی هایی از استان خراسان معرفی شده اند که برایم بسیار عجیب بود.

بسیاری از لایایی های سراسر کشور به لحاظ درونمایه و حتی شکل به هم شبیهند و نمی توان آنها را به راحتی تفکیک کرد. به نظر شما این تفکیک چگونه باید شکل بگیرد؟

درست است، درونمایه لایایی ها معمولاً یکسان است اما در دل هر کدام از آنها کدهایی وجود دارد که تعلقشان به یک منطقه خاص را نشان می دهد. مثلاً

در هفته گذشته از نظر انتشار کتابهای چاپ اول، انتشارات حدیث نیلوا با بارزده عنوان کتاب پرکارترین ناشر: مهدی وحیدی - صدر با شش عنوان پرکارترین موقعا و مجید عمیق با نه عنوان پرکارترین مترجم بودند.

شاخص های آماری کتابهای بزرگسال

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
بزرگترین کتاب	۱۰۰۰ ریال	غیر استغفار معجزه ساسا و محراب از مولی الموحیدین، حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) نقاشی برای کوثر، چاپ ۳۲، ۷ صفحه، ۱۰۰۰۰ نسخه
کوچکترین کتاب	۲۲۰۰۰۰ ریال	مجموعه قوانین و مقررات مربوط به استان، شهرستان، روستا و شهرداری، تفهیمات کشوری - انتخابات - شوراهای اسلامی - قوانین شهرداری - ناشر: نشر دیدار، چاپ ۱۴، ۱۸۵۴ صفحه، ۱۵۰۰ نسخه
بیشترین قیمت چاپ	۶۵ مریه	حکایت دولت و فرزندی، مارک فینشگر، خوشدل، ناشر: انتشار فقهی، چاپ ۱، ۱۳۳۰، ۶۵ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۱۵۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۵۰۰۰۰ نسخه	مقاله های فقهی، ناشر: نشر آجا (سازمان عقیدتی سیاسی ارتش)، چاپ ۱، ۱۲۰۰، ۵۰۰۰۰ نسخه
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	پایبسته و سوسه گر، مانا هری، محمدجواد کامران، ناشر: جود، چاپ ۱، ۵۶، ۱۰۰۰۰ نسخه، ۲۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۲۰۴۶ صفحه	فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی: در یک جلد، ناشر: فرهنگ معاصر، چاپ ۱۲، ۵۵۰۰ نسخه، ۲۵۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۱۲ صفحه	خط (۱۴) پهلوان خبیر، محمد کامران، ناشر: حدیث نیلوا، چاپ ۲، ۵۰۰۰ نسخه، ۶۰۰۰ ریال

شاخص های آماری کتابهای کمکدرسی

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
بزرگترین کتاب	۱۶۰۰۰ ریال	فقه کتبی ساختمان: مهارت فنی درجه ۱، بهسازی، شهرسازی و محیط سازی، قابل استفاده: ۱ - دانشجویان و هنرمندان هنرستان های کاروفتن - عیدالله حرجانی، ناشر: دانش و فن، چاپ ۹، ۲۸۲، ۵۰۰۰ نسخه
کوچکترین کتاب	۹۵۰۰۰ ریال	فرهنگ ۲ و آزمایشگاه ویژه دانش آموزان سال دوم تجربی و ریاضی و دوله پستان، ناشر: انتشارات سروش، چاپ ۱۸، ۵۰۴، ۵۰۰۰ نسخه، ۳۰۰۰ نسخه
بیشترین قیمت چاپ	۴۵ مریه	ریاضیات سال دوم راهنمایی شامل: ۳۳۰ مثال، ۱۴۷ مسئله حل شده، ۳۱۳ تمرین، ۴۰۰ پرسش چهار گزینه ای، حسین شماری، ناشر: مینگران، ۳۰۴ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۳۷۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۵۰۰۰ نسخه	راهکار کار درجه ۲، فلاهرسا خلق، ناشر: ارتقا، چاپ ۱۷، ۴۹۶، ۵۰۰۰۰ نسخه، ۲۰۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	نکات برتر جامع ترین مجموعه نکات کنکور و سؤالات طبقه بندی شده درس به درس مدیریت مهندسی، محمدرضا میری پور، ناشر: راد، چاپ ۱، ۱۹۲، ۳۵۰۰۰ نسخه، ۳۵۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد پدیدآورندگان				تعداد کتابهای اقتت
	مؤلف*	مترجم	زن	مرد	
۳۱۰	۷۲	۴۳۲	۳۶	۹۷	۸۷

* مؤلف: تمامی پدیدآورندگان باشد نویسنده، شاعر، گردآورنده، مترجم و ... به جز مترجم

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی خانه کتاب و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۸/۵/۸۷ تا چهارشنبه ۱۱/۵/۸۷، ۳۳۵ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتابها در موضوع دین و سپس کودک و نوجوان بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات ادبیات، علوم عملی، علوم اجتماعی و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتابهای منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد اثر	تایید*	ترجمه	چاپ اول	نویسنده	شهرستان	شمارگان متوسط	صفحه متوسط
۱	ادبیات	۴۶	۴۴	۲	۴	۴۱	۱	۱۹۰۱	۱۰۶
۲	فلسفه و روانشناسی	۳۴	۱۷	۱۷	۱۶	۱۸	۷	۲۱۳۶	۲۸۰
۳	دین	۱۵۱	۱۱۸	۳۳	۳۳	۹۷	۷۷	۲۸۳۲	۲۵۷
۴	علوم اجتماعی	۶۲	۵۴	۸	۸	۱۹	۵۷	۱۸۶۵	۲۸۷
۵	زبان	۳۱	۳۱	۰	۰	۲۸	۳	۲۷۵۰	۴۸۴
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۳۱	۱۵	۱۶	۸	۱۳	۳	۲۳۲۹	۳۱۷
۷	علوم عملی	۸۶	۷۰	۱۶	۱۶	۴۰	۱۹	۲۳۸۰	۲۵۹
۸	هنر	۱۹	۱۱	۸	۸	۱۱	۰	۲۹۷۴	۲۴۹
۹	ادبیات	۱۰۰	۸۱	۱۹	۱۹	۵۲	۱۶	۲۶۶۵	۳۲۲
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۳۵	۳۱	۴	۴	۲۵	۶	۲۰۷۲	۳۵۴
۱۱	آموزشی و کمک درسی**	۴۶	۴۶	۰	۰	۳۶	۰	۴۲۲۲	۳۰۵
۱۲	کودک و نوجوان	۱۱۶	۶۹	۴۵	۶۵	۵۹	۳۱	۴۴۸۶	۴۸
	جمع بندی	۷۴۵	۵۸۷	۱۵۸	۱۵۸	۴۳۴	۱۶۵	۳۰۱۰	۲۷۸

* تأیید: به معنی اثری اعلام می شود که ترجمه نشده است. ** آموزشی و کمک درسی: کتابی که به نوعی با مواد درس و برنامه های آموزشی شام مطبق تعریفی نشانی، راهنمایی و توجیهی مربوط هستند و مخاطبان آنها دانش آموزان از پیش دبستانی تا دبیرستان هستند.

شاخص های آماری کتابهای کودک و نوجوان

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
بزرگترین کتاب	۷۰۰۰۰ ریال	به من بگو چرا و چگونه، از کاترین اتوکوم، سعید درودی، ناشر: بهزاد، چاپ ۶، ۷۷۲ صفحه، ۱۵۰۰ نسخه
بیشترین قیمت چاپ	۳۹ مریه	مهارت های برای زندگی: اول دبستان، روحانه نیک سپهر، ناشر: سازمان بهزیستی کشور، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری، ۹۶ صفحه، ۲۵۰۰۰ نسخه، ۱۴۱۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۵۰۰۰ نسخه	مهارت های برای زندگی: اول دبستان، روحانه نیک سپهر، ناشر: سازمان بهزیستی کشور، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری، چاپ ۱۶، ۹۶ صفحه، ۱۴۱۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	نگارخانه های جهان، فرید فرشاد، ناشر: انتشارات سروش، چاپ ۱، ۴۸، ۱۰۰۰۰ نسخه، ۱۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۷۷۲ صفحه	به من بگو چرا و چگونه، از کاترین اتوکوم، سعید درودی، ناشر: بهزاد، چاپ ۶، ۱۵۰۰ نسخه، ۷۰۰۰۰ ریال



خدا حافظ آقای سولژنیتسین

بریل ۷۲ ساله ای است که با ماشین تصادف کرده و حالا در استراحت به سر می برد. وی در مدت نقاهت خود به یاد مرگ زود هنگام همسر خود و همچنین مشکلات نوه اش می افتد و بدین ترتیب مدام برای خودش داستان سرایی می کند. در این بین وی وارد دنیایی خیالی می شود که در آن دنیا آمریکا در حال جنگ با کشور عراق نیست و در حال جنگ با خودش است. به عبارتی آمریکا با خودش جنگ دارد و ...

پل استر تا به حال داستان های زیادی را درباره شهر نیویورک نوشته است اما هیچ گاه درباره واقعه یازده سپتامبر اظهار نظر نکرده بود. وی برای اولین بار در این رمان از این واقعه می نویسد.

اعطای جایزه نرودا

هفته گذشته جایزه شعر پابلو نرودا به شاعر شیلیایی کارمن برنگوئر رسید. رئیس جمهور شیلی در حالی جایزه شعر پابلو نرودا را به شاعر هموطنش اهدا کرد که این جایزه که یکی از معتبرترین جوایزه دولتی شیلی به حساب می آید. این جایزه که با هدف تجلیل از شخصیت پابلو نرودا از سال ۲۰۰۴ به برجسته ترین شاعر آمریکای لاتین اعطای می شود، پیش از این به خوزه امیلیو پاچکو نویسنده مکزیکی، خوان خلمن شاعر آرژانتینی، کارلوس بلی شاعر پرویی و فینا گارسیا شاعر کوبایی رسیده بود این اولین بار است که یک شاعر شیلیایی جایزه نرودا را دریافت می کند.

اعطای این جایزه توسط رئیس جمهور و با حضور وزیر فرهنگ شیلی و سفرای کشورهای آمریکای لاتین انجام شد. در این مراسم میشل باچلت رئیس جمهور شیلی از نرودا تجلیل کرد. برنگوئر در سال ۱۹۴۶ متولد شد. او از زبان شعر برای مبارزه با خشونت در عصر حاضر و نقد وضعیت اجتماعی و فرهنگی زنان استفاده کرده است. او تاکنون جوایز زیادی را کسب کرده است.

نویسنده چینی ممنوع القلم شد

هفته گذشته گای ژینخیان نویسنده چینی برنده نوبل ادبیات سال ۲۰۰۰ ممنوع القلم شد. گای ژینخیان تنها نویسنده چینی است که تا به حال موفق به دریافت جایزه نوبل ادبیات شده است. وی در حالی ممنوع القلم شده است که آثارش در چین و به طور زیرزمینی چاپ و توزیع می شود. آثار این نویسنده همچنین پس از جایزه ادبیات نوبل به بیش از سی زبان دنیا ترجمه شده است.

تازه ترین رمان دانیل سیلوا

رمان قوانین مسکو نوشته دانیل سیلوا نویسنده ۴۸ ساله آمریکایی در لیست پرفروش ها قرار گرفت. دانیل سیلوا نویسنده ای با روزنامه نگاری شروع کرد.

سیلوا رمان نویسی را به طور رسمی از سال ۱۹۹۴ شروع کرد و اولین رمانش را به نام "جاسوس نامحتمل" در سال ۱۹۹۷ منتشر کرد. نخستین کتاب وی با فروش خوبی روبه رو شد بدین ترتیب روزنامه نگاری را رها کرد و برای همیشه به رمان نویسی روی آورد و تا به حال نزدیک به ده رمان نوشته است.

قوانین مسکو نام جدیدترین رمان این نویسنده آمریکایی است. این رمان نیز همانند رمان های قبلی وی رمانی جاسوسی است و ماجرای فروش اسلحه در مسکو را روایت می کند.

رمان قوانین مسکو نوشته دانیل سیلوا انتشارات به تازگی در ۴۴۸ صفحه منتشر شده است.



سال های زندگی، سردبیری و نشر چند مجله را عهده دار شد. پاز در سال ۱۹۹۰ جایزه نوبل ادبیات را نیز دریافت کرد.

پل استر و یازدهم سپتامبر

پل استر نویسنده آمریکایی با اعلام اینکه رمانی درباره واقعه یازده سپتامبر در دست انتشار دارد هفته گذشته اعلام کرد که این رمان یازدهم سپتامبر عرضه و توزیع می شود. سه گانه نیویورکی با عنوان اصلی "مردی در تاریکی" در روزهای پایانی ماه اگوست سال میلادی جاری وارد بازار کتاب ایالات متحده آمریکا و همچنین بریتانیا می شود و بیانگر ماجرای اگوست

نامواره مخالفت کرد ولی با پیگیری های کمیسیون فرهنگی سنا این اقدام روز پنجشنبه ۳۱ جولای انجام شد.

اوکتاویو پاز در سال ۱۹۱۴ در مکزیکوستی به دنیا آمد. پدرش وکیل و پدربزرگش داستان نویس بود. وی در سال ۱۹۴۳ راهی آمریکا شد و در آنجا مطالعاتی را درباره تاریخ و هویت مکزیک آغاز کرد که حاصل آن کتاب "هزارتوی تنهایی" شد. در سال ۱۹۶۲ پاز به عنوان سفیر مکزیک در هند به این کشور آسیایی رفت و تأثیر این سفر را در برخی کتاب های او می توان مشاهده کرد. پاز در سال ۱۹۶۸ از مقام خود کناره گیری کرد و از آن موقع تا واپسین

روی قفسه ها

کتاب "میزبان" به قلم استفانی میر و نشانه اثر نورا روبرت در صدر کتاب های پرفروش در هفته گذشته قرار گرفتند.

"میزبان" به قلم استفانی میر، نشانه اثر نورا روبرت، آخرین وطن دوست داستانی از براد تور، رمان "سفر دریایی" نوشته جیمز پاترسون و هوارد روگان، "درون آتش" اثر سوزان بروکمن و کنترل زبان به قلم جی.ای. جنز در صدر جدول پرفروش ها دیده می شوند. چهارده ساله بی باک نوشته ژانت ایوانویچ، رمان تعقیب هری وینستون به قلم لورن ویسبرگر، قوانین دروغ اثر کریستوفر ریچ و نقطه اوج قو اثر طبع جیمز.لی بروک نیز همچنان پرطرفدارند.

رمان همه چیزهایی که نمی توانیم بگوئیم نوشته مارک لوی نیز همچون هفته گذشته در اروپا خوب فروخت در حالی که رمان تسلی بخش از آنا گاولدا، نویسنده معروف فرانسوی نیز بازار کتاب فرانسه را به تسخیر درآورد. این رمان داستان آرشیبتکتی ۴۷ ساله است که در پاریس زندگی می کند و ناخواسته از مرگ زنی باخبر می شود که او را در دوران کودکی و نوجوانی می شناخته است.

آلکساندر سولژنیتسین نویسنده معروف ضد دیکتاتوری که از او در دهه های متمادی با عنوان ساز مخالف کمونیسم یاد می شد، هفته گذشته درگذشت.

سولژنیتسین که هفته گذشته بر اثر حمله قلبی در منزل خود درگذشت، نویسنده ای بود که در خلال کتاب هایش وقایع نگاری سیستم ترور شخصیتی شوروی کمونیسم را به جهانیان معرفی کرد. آثار این نویسنده در کنار شهرتی جهانی، برایش ۲۰ سال تبعید به ارمغان داشت و او را به یکی از مشهورترین مخالفان شوروی و به نماد مخالفت در برابر حکومت کمونیستی تبدیل کرد.

اثر مشهور سولژنیتسین به نام "مجمع الجزایر گولاگ" که به صورت مخفیانه در شوروی سابق نگارش یافت و در سه جلد در فاصله سال های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸ در پاریس منتشر شد بیانگر سیستم ظالمانه شوروی بود که ده میلیون نفر را در اردوگاه های کار اجباری به اسارت و مرگ کشید. تجربیات او در اردوگاه کار در رمان کوتاهش "یک روز از زندگی ایوان دنیسوویچ" تصویر شده است. آثار برجسته او مثل "دایره اول" و "بخش سرطان" باعث شناسایی اش به جهانیان شد. نویسنده ای که در دانشگاه روستوف، فیزیک و ریاضی خواند و پس از تجاوز هیتلر به شوروی در سال ۱۹۴۱ به عنوان افسر ارتش از خاک کشورش دفاع کرد. اما مخالفت با سیاست های استالین، اندکی پیش از پایان جنگ او را به اردوگاه اجباری کار فرستاد؛ جایی که او هشت سال از زندگی خود را در آن جا سپری کرد.

رمان کوتاه "یک روز از زندگی ایوان دنیسوویچ" همه چیز را تغییر داد. این اثر سولژنیتسین که سیاست های پلیسی استالین را روشن کرده و دهشت حاکم بر اردوگاه های اجباری کار را توصیف کرده بود، باعث تبعید او و سانسور کتابش در روسیه شد. او که به ساز مخالف دیکتاتوری استالین شهرت داشت در حالی به استقبال مرگ رفت که سال گذشته بزرگ ترین جایزه ملی روسیه را توسط خانواده اش از ولادیمیر پوتین دریافت کرد.

دریافت جایزه ادبی پس از یک سال

نویسنده اسکاتلندی معروف به نویسنده پشت هم انداز بالاخره بعد از یک سال جایزه اش را هفته گذشته دریافت کرد. ای.ال کندی نویسنده اسکاتلندی که سال گذشته در نمایشگاه بین المللی فرانکفورت برنده اعلام شد بعد از یک سال جایزه اش را در اتریش دریافت کرد. کندی که یکی از مهم ترین شخصیت های ادبیات اروپا به حساب می آید، در سال ۱۹۶۵ متولد شد. او اولین داستانش را در سال ۱۹۹۰ منتشر کرد و از آن به بعد تاکنون ۱۲ اثر اعم از داستان کوتاه و رمان خلق کرده است. از آثار اومی توان به "من هم خوشحالم"، "چای و بیسکویت"، "پهشت" و... اشاره کرد. وی سال گذشته برنده جایزه کاستا شد.

نام اکتاویو پاز بر دیوار مجلس مکزیک

نام نویسنده لاتینی اکتاویوپاز با هدف تجلیل از وی بر دیوار مجلس مکزیک حک شد. نام اکتاویو پاز شاعر مکزیکی پس از برگزاری مراسم تجلیل از وی که در مجلس سنای مکزیک و با حضور ماریو ژوزه پاز همسر این شاعر فقید برگزار شد، بر دیوار مجلس سنای مکزیک نقش بست.

چندی پیش و با اعلام برنامه های تجلیل از پاز، اتاق نمایندگان حاضر در مجلس سنا با نصب این



روایت اول شخصی

کاروان ستاره‌ها

دکتر صابر امامی؛ شاعر

انتشارات اردیبهشت در تدارک است تا به زودی کتاب آشک ستاره بر گرفته از یک قصه کودکانه در ارتباط با زندگی امام حسین(ع) را منتشر کند.

این کتاب که رابطه عاطفی بین ستاره‌ها و امام حسین(ع) را در روز عاشورا به تصویر می‌کشد به بیان ماجرای از زاویه دید ستاره‌ها می‌پردازد که با یک زبان کودکانه و شاعرانه کاروان سالار شهیدان را تا کربلا دنبال می‌کند و درصدد برقراری ارتباطی عمیق بین کودکان با امام حسین(ع) است.

صدای روز، عنوان کتاب دیگری است که در آینده‌ای نه چندان دور از سوی انتشارات علمی منتشر می‌شود. این کتاب با تحلیلی مفصل و عمیق به معرفی شعر انقلاب اسلامی در ادامه روند شعر معاصر با نگاهی به گذشته می‌پردازد و در ادامه، جریان شعری که در سال ۵۷ با پیروزی انقلاب اسلامی شکل می‌گیرد را دنبال می‌کند. در واقع شعر ما از سال ۵۰ دچار رکود شده بود که انقلاب اسلامی با انرژی‌های نهفته فارسی‌گذاشتگان، جهش و حرکتی دوباره در جهت معنادار کردن آن داد که این تجربیات شعری انقلاب اسلامی تا امروز در قالب‌های مناسبی در این کتاب دسته‌بندی شده است و می‌تواند نیاز دانشجویان رشته ادبیات فارسی را تا حدود زیادی مرتفع کند.

پاسخ به ۳۰۰

محمد بقایی؛ پژوهشگر فلسفه و مترجم

هم اکنون چهار کتاب از من در حوزه ترجمه و تألیف در دست انتشار است که طی چند ماه آینده روانه بازار می‌شوند.

کتاب اول در حوزه ترجمه با عنوان "نقد تواریخ هرودوت" است که ظرف چند روز آینده از سوی انتشارات یادآوران روانه بازار خواهد شد. این کتاب همان‌طور که از نامش پیداست، نگاه

انتقادی به اثر معروف هرودوت یعنی تواریخ است که به بخش جنگ‌های ایران و یونان توسط دو نویسنده آمریکایی از استادان دانشگاه هاروارد می‌پردازد.

با توجه به این که اخیراً فیلم ۳۰۰ با اهانت به تاریخ ایران تولید شد، این کتاب از آنجا که توسط دو نویسنده غیرایرانی تألیف شده می‌تواند پاسخی به فیلم ۳۰۰ باشد که هرودوت در این کتاب با ورود یونانی‌ها به صورت جانبدارانه ایران برخورد کرده است.

می‌نگریم و می‌رویم کتاب دیگری در حوزه تألیف است که در روزهای نه چندان دور از سوی انتشارات یادآوران روانه بازار می‌شود. این کتاب مقایسه‌ای بین جریان‌های فرهنگی و اجتماعی ایران در سال‌های اخیر با دنیای پیشرفته است که در واقع بررسی تطبیقی در حوزه کتاب و کتابخوانی و به طور کلی صنعت نشر را دربرمی‌گیرد.

این کتاب براساس مشاهداتی که طی سفرهای مکرر به سایر کشورها داشتیم و از وضعیت آنها یادداشت برداری کردم تألیف شده است که حجمی حدود ۵۰۰ صفحه‌ای را

دربرمی‌گیرد در بخش پایانی کتاب اسناد و عکس‌هایی از این سفرها ارائه شده است.

اثر بعدی من در حوزه تألیف اقبال گلی که در جهنم روید نام دارد که به زودی توسط انتشارات سوره مهر روانه بازار می‌شود. این کتاب مشتمل بر مجموعه مقالاتی در شناخت اقبال لاهوری بود که در واقع پاسخی است به دیدگاه‌هایی که سعی دارند اندیشه‌های او را به زمانی کوتاه محدود کنند و بر کارایی نداشتن

آن صحنه بگذارند.

اقبال و کی بر که گارد فیلسوفان عشق "عنوان آخرین کتابم در حوزه ترجمه است که قرار شده در روزهای نه چندان دور توسط انتشارات یادآوران روانه بازار شود. این کتاب هم به بررسی تطبیقی زندگی، اندیشه‌ها و آثار این دو فیلسوف دینی می‌پردازد که توسط دکتر صابر از کشور پاکستان تألیف شده است.

روایت زندگی آخوند خراسانی

اکبر ثبوت؛ نسخه پژوه

آخرین کار من کتابی است تحت عنوان آخوند خراسانی و شاگردانش که قرار شده از سوی انتشارات طرح نور روانه بازار شود.

مرحوم آخوند خراسانی از علمای بزرگ اوایل قرن ۱۴ است و به تعبیری می‌توان گفت که اکثر مراجع قرن اخیر به طور مستقیم یا غیرمستقیم شاگرد ایشان به حساب می‌آیند. مرحوم آخوند خراسانی بزرگ‌ترین استاد علم اصول است که کتاب گفایه الاصول ایشان هم اکنون به عنوان کتابی مرجع در این علم تدریس می‌شود.

کتاب من که حجمی حدود ۷۰۰ صفحه خواهد داشت شامل دو بخش است که در بخش اول به مبارزات مرحوم آخوند خراسانی علیه حکومت استبداد و تلاش برای بازگردان حکومت مشروطه به کشور و همچنین دیدگاه‌ها و اندیشه‌های او می‌پردازد و بخش دوم کتاب نیز دیدگاه‌های شاگردان ایشان از جمله آیت الله سیدحسن مدرس و سایر علما را دربرمی‌گیرد.

علاوه بر این به تازگی کتابی تحت عنوان "حیات سیاسی فرهنگی و اجتماعی آخوند خراسانی" نوشته محسن دریاییگی منتشر شده است که مصاحبه‌ها و مقالات من بخش‌هایی از این کتاب را شکل می‌دهد.

تاکتیک‌های خبری

حسین قندی؛ مدرس ارتباطات

"تاکتیک‌های خبری" عنوان کتابی است که بخشی از آن را نوشته‌ام و ظرف چند ماه آینده تألیف آن را به پایان می‌رسانم. ایده تألیف این کتاب به سال ۶۸ برمی‌گردد از آن سال به این فکر افتادم که همان‌طور که غربی‌ها به‌طور آگاهانه یا ناخودآگاه از تاکتیک‌های خبری برای ایجاد تأثیرات منفی در روحیه مسلمانان استفاده می‌کنند، خبرنگاران ما نیز باید با تاکتیک‌های مهم خبری که منجر

به تأثیرات مطلوب در عرصه داخلی و بین‌المللی می‌شود آشنا شوند. در واقع این کتاب سعی دارد تاکتیک‌های تأثیرگذار کلمات در خبر را به خبرنگاران بیاموزد که تاکنون تعداد ۱۶ تاکتیک را شناسایی کرده‌ام.

این کتاب که حجمی بیش از ۲۰۰ صفحه را دربرمی‌گیرد به احتمال قوی از سوی انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی منتشر خواهد شد.

شعر نو در قالب طنز

اکبر اکسیر؛ شاعر

انتشارات مروارید در تدارک است تا در آینده‌ای نه چندان دور مجموعه‌ای از اشعار مرا به بازار عرضه کند.

این کتاب مشتمل بر ۱۲۰ قطعه شعر کوتاه در قالب طنز فرانو است که بخشی از اشعار گذشته مرا دربرمی‌گیرد. دیگر مجموعه اشعارم نیز که قرار شده تا ماه آینده از سوی مرکز آفرینش‌های هنری حوزه هنری استان گیلان منتشر شود. این مجموعه حدود ۵۰

قطعه شعر مرا از سه کتاب قبلی با عنوان "بفرمایید بنشینید صندلی عزیز"، "زنبورهای عسل دیابت گرفته‌اند" و "پسته لال سکوت دندان شکن است" دربرمی‌گیرد که به صورت سلیقه‌ای انتخاب شده‌اند و بیشتر به مضامین مربوطه به حفظ محیط زیست و میراث فرهنگی می‌پردازند. این مجموعه اشعار در واقع نمونه‌ای برای نمایاندن قالب‌ها و نوع اشعار به کار رفته در سه کتاب قبلی‌ام است. انتشارات ابتکار نو نیز در نظر دارد مجموعه

شعر زنبورهای عسل دیابت گرفته‌اند را به چاپ سوم برساند که این مجموعه هفته آینده در حوزه هنری مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

در حال حاضر مشغول نوشتن نقد بر مجموعه‌ای از اشعار شاعران امروزی در قالب شعر سپید هستم. همچنین این روزها درصدد جمع‌آوری نقدها و مقالات نوشته شده بر اشعار امروزی از طریق روزنامه‌ها و مطبوعات هستم تا در آینده کتابی در زمینه بحران مخاطب و آسیب‌شناسی شعر نو تألیف کنم.



صابر امامی



اکبر اکسیر

داستان با طعم کودکی

طاہرہ ایبہد؛ داستان نویس کودک

در حال حاضر تألیف کتاب "ماهی به سرخه" را به پایان رسانده‌ام و قرار است در آینده‌ای نه چندان دور کتاب از سوی نشر شهر منتشر شود.

در این کتاب سعی کرده‌ام با الهام از قصه‌های عامیانه از جمله قصه کشف تنور با ریتی قصه‌گونه توجه خردسالان را به عنوان مخاطب اصلی در ۲۶ بخش به مسائل زیست محیطی توجه دهم. موسسه فرهنگی هنری صبا نیز در نظر دارد تا یک مجموعه انیمیشن ۱۰۰ قسمتی را از این کتاب با عنوان "دهکده بزها" تهیه کند که هم‌اکنون مشغول تهیه فیلمنامه این مجموعه با مشارکت یک تیم گروهی هستم. از آنجا که بز در فرهنگ‌های گوناگون نماد سرافرازی، پیشروی و صعود و برکت است بنابراین سعی شده تا از آن برای شخصیت‌سازی در این مجموعه استفاده شود که فکر می‌کنم در ماه‌های نه چندان دور تولید آن به پایان برسد.

رمان روان شناسانه

پرویز شهبی؛ مترجم

در حال حاضر سه کتاب از مارک دوگن نویسنده آمریکایی ترجمه کرده‌ام که در ماه‌های آینده از سوی نشر چشمه منتشر می‌شود.

کتاب نخست که "خانواده نفرین شده کندی" نام دارد به صورت مستند رمان گونه‌ای است که به زندگی ادگار هوور رئیس اف بی آی آمریکا به مدت ۴۸ سال می‌پردازد. شرح زندگی رئیس جمهوران آمریکا و اوضاع سیاسی این کشور از دیگر موضوعاتی است که این کتاب دنبال می‌کند. این کتاب به دلیل بهره گرفتن از قالب رمان در ارائه مستندات به نحوی نوشته شده که مخاطب را از خواندنش بیزار نمی‌کند و جذابیتی خاص در ذهن مخاطب برای دنبال کردن بخش‌ها ایجاد می‌کند.

آفاق چهره‌های درهم ریخته عنوان کتاب دیگری است که به بیان شخصیت افسرانی در جنگ جهانی اول می‌پردازد که تمام اعضای بدنشان به جز صورت سالم است و چهره‌های درهم ریخته‌ای که جنگ در آنها ایجاد کرده مشکلات زیادی را برای حضورشان در جامعه به بار آورده است. در این کتاب سعی شده براساس مستندات، به اوضاع زندگی چنین افسرانی و بازخورد مشکلاتی که برای آنها در جامعه ایجاد می‌شود به خوبی پرداخته شود.

کتاب بعدی من که "جولیا" نام دارد رمانی براساس موضوعات روان‌شناسی است. این کتاب به زندگی یک لرد انگلیسی که به رغم ثروت زیاد از زندگی خود رنج می‌برد می‌پردازد و حوادثی را که برای او پیش می‌آید تشریح می‌کند. کتاب به دنبال این موضوع است که پول و ثروت به تنهایی نمی‌تواند خوشبختی را برای انسان به ارمغان بیاورد و افراد بسیاری هستند که با وجود داشتن رفاه و ثروت از زندگی خود رنج می‌برند.